

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل نامه علمی - ترویجی

## پژوهش های مهدوی

با رویکرد امامت و مهدویت

سال سیزدهم، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۳

براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی دارای اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.  
فصل نامه «پژوهش های مهدوی» براساس نامه شماره ۳۷۷۹ مورخه ۱۳۹۳/۵/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، از شماره چهارم به بعد دارای درجه علمی - ترویجی است.

### هیئت تحریریه براساس حروف الفبا:

|                                                          |                                                                     |
|----------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|
| حجت الاسلام والمسلمین دکتر آیتی، نصرت الله               | حجت الاسلام والمسلمین ربانی، محمدتقی                                |
| عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم | عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم                       |
| حجت الاسلام والمسلمین دکتر الهی نژاد، حسین               | حجت الاسلام والمسلمین دکتر سهرابی، صادق                             |
| دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم  | استادیار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم |
| حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقای، سیدمسعود               | دکتر موسوی گیلانی، سیدرضی                                           |
| استاد حوزه علمیه قم                                      | دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم             |
| حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، جواد                   | حجت الاسلام والمسلمین هادی زاده، محمدتقی                            |
| استاد سطوح عالی حوزه علمیه                               | استاد حوزه علمیه قم                                                 |
| حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، محمدصابر               |                                                                     |
| عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم |                                                                     |

|                                 |                     |
|---------------------------------|---------------------|
| مدیر مسئول:                     | حروف نگار:          |
| سیدمسعود پورسیدآقای             | ناصر احمدپور        |
| سر دبیر:                        | صفحه آرا:           |
| نصرت الله آیتی                  | علی جواد دهقان      |
| مدیر داخلی و دبیر هیئت تحریریه: | طراح جلد:           |
| اسلام پورخادمی                  | ابوالفضل بیگدلی نسب |
| مترجم چکیده های انگلیسی:        | چاپخانه:            |
| گروه ترجمه مؤسسه آینده روشن     | بوستان کتاب         |

|                                                                              |                                                                      |
|------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------|
| دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷                       | دورنگار: ۳۷۷۳۸۲۴۰ - ۲۵                                               |
| تلفن: ۳۷۸۴۰۰۸۰ - ۲۵                                                          | کدپستی: ۳۷۱۸۵ - ۴۵۶۵۱ - ۳۷۱۳۷                                        |
| صندوق پستی: ۴۷۱ - ۳۷۱۸۵                                                      | مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲ |
| شمارگان: ۱۰۰                                                                 | قیمت: ۴۹۵۰۰۰ ریال                                                    |
| پست الکترونیک: pajoheshhayemahdavi@yahoo.com - pajoheshhayemahdavy@gmail.com |                                                                      |

سایت های دسترسی به نشریه: journals.ayandehroshan.ir

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و نیز پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود



---

امروز وجود مقدس حضرت حجت (ارواحنا فداه) در میان انسان‌های  
روی زمین منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه‌ی  
خیرات است.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

---

### فهرست عناوین

- 
- ۷ ..... جنگ سخت و لزوم شرح صدر (صبر و استقامت) در یاران تراز رهبران الهی .....  
محمد صابر جعفری
- ۲۷ ..... بازخوانی زندگی هشام بن حکم در راستای معرفی الگوی جهاد تبیین برای جوان عصر انتظار .....  
مرضیه ورمزیار، مصطفی ورمزیار، سید محمد جواد سید نظری
- ۵۹ ..... تقابل فرق مدعی مهدویت با عالمان شیعه .....  
مجید احمدی کچایی
- ۷۱ ..... نقش مادر در تربیت فرزند مهدوی .....  
رضا بنی‌اسدی، مهدیه سادات میراسماعیلی
- ۸۷ ..... اندیشه مهدویت و فرهنگ انتظار و نقش آن در ارتقای قدرت و اقتدار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران .....  
دوست‌علی سنجولی
- ۱۱۱ ..... فکری مقام معظم رهبری .....  
رمضان محمدی، سید محمد امین حسینی، راضیه سادات حسینی نژاد

فصل نامه «پژوهش های مهدوی» از مقالات ترویجی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی روی کردهای تخصصی استقبال می کند.

### راهنمای تدوین مقالات

#### الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله ارسالی، به طور هم زمان به دیگر نشریات ارائه نشده یا قبلاً در هیچ جای دیگری منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای نوآوری باشد.
۴. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل و پرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد.
۵. ساختار مقاله باید دربر گیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (حداقل یکصد و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش، داده های تحقیق، مباحث تفصیلی، نتیجه گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا بر اساس نام نویسنده).
۶. چکیده مقاله دربر دارنده مسئله تحقیق، روش تحقیق و نتایج تحقیق باشد.
۷. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

### ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش درون متنی و با ذکر نام مؤلف، سال انتشار، شماره جلد و صفحه‌ای که مطلب مورد نظر از آن نقل شده انجام شود و در داخل پرانتز قرار گیرد.
۲. تنظیم فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می‌آید:  
برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ.  
برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشرکننده.

### ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیان‌گر دیدگاه‌های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.
۲. مجله در ویرایش، تلخیص، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.
۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی‌شوند و نویسنده محترم می‌تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.
۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلا مانع است.
۵. از نظریات اندیشمندان، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می‌شود.





## **Hard war and the necessity of sharh e-sadr (patience and perseverance) in the companions of divine leaders**

**Dr. Mohammad Saber Jafari <sup>1</sup>**

### **Abstract**

Advocates of truth and the followers of the divine leaders have always been problems from the false front. Confrontation and hard war are one of the problems that the false current creates against the right front. Today, hard war has become an all-out war in the form of a combined and hybrid war and is no longer limited to military war. If the religious community and the companions who should be responsible for the goals of the Imam and his assistance do not know and apply these problems and difficulties and how to interact with them, the right front will suffer serious damage. This research has been completed using a descriptive-analytical method and by examining verses and narrations from important Islamic sources. The research findings show that in the face of various manifestations of hard war such as aggression; Sanctions, war, terror, coups, and the creation of insecurity and chaos, and especially in confronting the enemy's new war, namely combined and hybrid war, in addition to insight against soft war, the necessity of explaining the path, which is one of the prominent characteristics of the companions of the divine leaders, and increases the effectiveness and efficiency of the Righteous Front.

**Keywords:** The Front of Truth, divine leaders, hard war, combined war, chest description.

---

1. Faculty member of the Bright Future Institute(Mahdaviyat Institute) Qom, Iran (jafarimsaber@yahoo.com)

## جنگ سخت و لزوم شرح صدر (صبر و استقامت) در یاران تراز رهبران الهی

محمدصابر جعفری<sup>۱</sup>

### چکیده

جبهه حق و پیروان رهبران الهی همواره دچار مشکلاتی از جانب جبهه باطل بوده اند. رویارویی و جنگ سخت یکی از مشکلاتی است که جریان باطل در برابر جبهه حق ایجاد می کند. امروزه جنگ سخت تبدیل به جنگی همه جانبه در قالب جنگ ترکیبی و هیبریدی شده است و دیگر منحصر به جنگ نظامی نیست. اگر جامعه دینی و یارانی که باید عهده دار اهداف امام و یاری او باشند، این مشکلات و سختی ها و چگونگی تعامل با آن را ندانند و به کار نگیرند جبهه حق دچار آسیب جدی می گردد. این جستار به روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی آیات و روایات از منابع مهم اسلامی به سرانجام رسیده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که در مقابل جلوه های مختلف جنگ سخت مانند پرخاشگری؛ تحریم، جنگ، ترور، کودتا و ایجاد ناامنی و هرج و مرج و به خصوص در مقابله با جنگ جدید دشمن یعنی جنگ ترکیبی و هیبریدی، علاوه بر بینش در مقابل جنگ نرم، وجود شرح صدر که از شاخصه های بارز یاران تراز رهبران الهی است، کارایی و کارآمدی جبهه حق را افزون تر می کند.

### واژگان کلیدی

جبهه حق، رهبران الهی، جنگ سخت، جنگ ترکیبی، شرح صدر.

### مقدمه

مشکلات و آفاتی که جامعه دینی و یاران انبیاء و اولیای الهی را تهدید می کند؛ برخی مربوط به امور و عوامل داخلی و شخصیتی افراد نظیر خودخواهی ها و جاه طلبی ها، شهوات و... است و برخی مربوط به امور بیرونی و خارج از مجموعه جمع مؤمنان است. عوامل بیرونی و مربوط به دشمنان به دو موضوع برمی گردد:

۱. معاون پژوهش و هیئت علمی مؤسسه آینده روشن، قم، ایران (jafarimsaber@yahoo.com).  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۷/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۷

اول: جنگ نرم یا شبهات و تردیدهایی که دشمن و به تبع آنان منافقان ایجاد می‌کنند که در مجالی دیگر به آن پرداخته‌ایم (جعفری، ۱۴۰۱: ۹۹-۱۱۸).

دوم: جنگ سخت یا سختی‌ها و فشارهایی است که دشمن و منافقان ایجاد می‌کنند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: این امر (ولایت) را کسی نمی‌تواند متحمل گردد جز اهل بصیرت و اهل صبر و آگاهی به جایگاه امور (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳).

خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) الگوی عملی چنین رفتاری بود؛ «امیرالمؤمنین (علیه السلام) از اوایل نوجوانی تا هنگام مرگ، دو صفت «بصیرت» و «صبر» - بیداری و پایداری - را با خود همراه داشت. او یک لحظه دچار غفلت و کج فهمی و انحراف فکری و بد تشخیص دادن واقعیت‌ها نشد. از همان وقتی که از غار حرا و کوه نور، پرچم اسلام به دست پیامبر برافراشته شد و کلمه «لا اله الا الله» بر زبان آن بزرگوار جاری شد و حرکت نبوت و رسالت آغاز گردید، این واقعیت درخشان را علی بن ابی طالب (علیه السلام) تشخیص داد؛ پای این تشخیص هم ایستاد و با مشکلات آن هم ساخت؛ اگر تلاش لازم داشت، آن تلاش را هم انجام داد؛ اگر مبارزه لازم داشت، آن مبارزه را کرد؛ اگر جانفشانی می‌خواست، جان خود را در طبق اخلاص گذاشت و به میدان برد و اگر کار سیاسی و فعالیت حکومت‌داری و کشورداری می‌خواست، آن را انجام داد. بصیرت و بیداری او، یک لحظه از او جدا نشد. دوم، صبر و پایداری کرد و در این راه استوار و صراط مستقیم، استقامت ورزید. این استقامت ورزیدن، خسته نشدن، مغلوب خواسته‌ها و هواهای نفس انسانی نشدن، نکته مهمی است... این دو خصوصیت در امیرالمؤمنین (علیه السلام) قابل تقلید و قابل پیروی است... همه در این خصوصیت باید سعی کنند که خودشان را به امیرالمؤمنین نزدیک کنند، هرچه همت و استعدادشان باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۰۸/۱۲).

در این نوشتار شاخصه‌ها و ویژگی‌های نیروها، با توجه به موانع، مشکلات، فشارها و رویارویی‌هایی که دشمنان ایجاد می‌کنند (جنگ سخت) مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، که ما ابتدا انواع مختلف مشکلاتی که از سوی دشمنان برای جامعه ایمانی ایجاد می‌شود را برشمرده و آن‌گاه در مقابل آن، راهکار اساسی و بنیادین را بر مبنای آیات و روایات تبیین می‌کنیم.

## دشمنی‌ها (جنگ سخت)

دشمنان مسیر حق و اولیای الهی علاوه بر جنگ نرم و تلاش برای ایجاد شبهات و تردیدزایی در صفوف یاران و نیروهای حق، از انواع شیوه‌های جنگ سخت بهره می‌جویند. نظیر تندی و خشونت، تحریم و ترور و ایجاد ناامنی و تا جنگ و لشکرکشی و...

### ۱. تندی و پرخاشگری

یکی از شیوه‌های که دشمنان بر علیه جبهه حق بکار می‌برند تندی و پرخاش هست. آیات و روایاتی زیادی بر این مطلب اشاره دارد که یک آیه به عنوان نمونه می‌آوریم:

﴿وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتُلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا...﴾ (حج: ۷۲)؛ و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، در چهره کافران، آثار انکار مشاهده می‌کنی؛ آن چنان که نزدیک است برخیزند و با مشت به کسانی که آیات ما را بر آنها می‌خوانند حمله کنند....

### ۲. تحریم و محاصره اقتصادی

یکی از حربه‌های دشمن، تحریم و محاصره اقتصادی و در انزوا قرار دادن حق و پیروان آن است؛ ماجرای شعب ابی طالب یکی از نمونه‌های این تحریم در تاریخ است:

وقتی قریش نتوانستند یاران پیامبر ﷺ را از حبشه باز گردانند و دیدند که اسلام به خارج از حجاز هم نفوذ کرده با هم مشورت کردند تا راهی برای تسلیم شدن پیامبر و یارانش پیدا کنند. لذا قرار شد عهدنامه‌ای امضاء کنند که حضرت محمد ﷺ و یاران و خاندانش را در محاصره قرار دهند. بدین ترتیب که احدی حق نداشته باشد با آنان رفت و آمد کند. قریش این عهد نامه را در صندوقچه‌ای درون کعبه گذاشتند. مفاد عهدنامه سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی و ارتباطی با پیامبر ﷺ و هوادارانش بوده که جز با تسلیم پیامبر ﷺ برای کشتن ملغی نمی‌شد. از آن پس ناگزیر پیامبر ﷺ و یارانش در بیرون مکه در دره‌ای بنام «شعب ابی طالب»<sup>۱</sup> به سر

۱. این شعب که محل سکونت بی‌هاشم بود، همان محلی است که رسول خدا ﷺ همراه خاندان خود، به مدت سه سال در محاصره سایر خاندان‌های قریش قرار گرفت و با مشقت و رنج آن دوران را سپری کرد. ابوطالب به عنوان بزرگ بنی‌هاشم، همراه فرزندان جعفر و علی علیه السلام مهم‌ترین نقش را در دفاع از رسول خدا ﷺ بر عهده داشت. شعب یاد شده محل تولد رسول خدا ﷺ بوده و خانه خدیجه که محل زندگی حضرت با وی بوده فاطمه زهرا علیها السلام نیز در آن جا متولد شده، همین جا بوده است. در حال حاضر، تنها بخشی از محله شعب ابی طالب باقی مانده که نام آن سوق اللیل و بر فراز کوه است (جعفریان، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

می‌بردند، و زندگی آنان در کمال سختی و ناراحتی می‌گذشت، محاصره شعب سه سال طول کشید فشار و سختگیری‌ها به حدی رسید که ناله فرزندان بنی‌هاشم به گوش مشرکان مکه می‌رسید (قائدان، ۱۳۸۱: ۱۱۴) ولی در دل آنها تأثیر چندانی نمی‌کرد.

جاسوسان قریش در تمام راه مراقب بودند مبادا کسی خواروباری به شعب ابی‌طالب ببرد (ابن هشام، بی‌تا: ج ۱، ۳۵۴).

تا این که سه سال از این ماجرا گذشت و پیامبر ﷺ از جانب خداوند آگاه شد که موریانه، عهدنامه قریش را خورده و جزء نام خدا از آن چیزی نمانده است. ابوطالب این مطلب را در جمع قریش اعلام کرد و آنان قول دادند که اگر گفتار پیامبر ﷺ راست باشد، دست از محاصره بردارند. سپس به درون کعبه رفتند، دیدند که سخن پیامبر ﷺ درست بوده و عهدنامه از بین رفته است (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۷۳-۷۴). ناگزیر پیامبر و یارانش را آزاد کردند تا به مکه باز گردند. اما از دنیا رفتن دو حامی وفادار پیامبر ﷺ یعنی عمویش ابوطالب و خدیجه و آزار قریش از سر گرفته شد و مسلمانان بار دیگر گرفتار آزار و شکنجه شدند.

### ۳. جنگ و رویارویی

رویارویی و کشتن و جنگ نوعی دیگر از این تقابل است. قرآن تعبیر ﴿قَتَلَهُمُ الْاَنْبِیَاءُ﴾ (آل عمران: ۱۸۱؛ نساء: ۱۵۵) دارد یعنی پیامبران فراوانی به شهادت رسیدند. تمسخر و استهزاء تا کشتن انبیاء و فرزندان انبیاء و مؤمنان به خاطر ایمان و راه حق، بخشی از این رویارویی است.

﴿وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ اِلَّا اَنْ يُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (بروج: ۸)؛ کفار از مؤمنین انتقامی نگرفتند مگر این که مؤمنین به خدای عزتمند و ستوده ایمان آوردند.

جنگ‌های متعدد که بر علیه پیامبر ﷺ رقم زدند و جنگ‌هایی که بر علیه امیرالمؤمنین علیه‌السلام ایجاد کردند بخشی از رویارویی و جنگ تاریخی حق و باطل است.

### ۴. ترور

یکی دیگر از رفتارهای ناجوانمردانه دشمنان که از رویارویی مستقیم عاجزند به آن تمسک می‌جویند ترور رهبران یا افراد مؤثر در مسیر حق‌اند؛ نظیر اقدام به ترور حضرت رسول ﷺ با رم دادن شتر و مرکب پیامبر ﷺ؛

در رمضان سال نهم قمری، هنگامی که پیامبر از غزه تبوک باز می‌گشت؛ گروهی از صحابه

بر سر راه آن حضرت در گردنه کوهی کمین کرده و تصمیم داشتند حضرت را ترور کنند، آنان می‌خواستند شتر پیامبر را رم دهند تا پیامبر از کوه پرتاب و کشته شود. خداوند، پیامبر را از قصد آنان خبر داد و ایشان نیز تمهیدات لازم را اندیشید. پیامبر به حذیفه بن یمان و عمار دستور داد؛ یکی در جلوی ایشان و دیگری در پشت سر، راه بیفتند و از پیامبر مراقبت کنند (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۱۹). و همچنین دستور داد بقیه سپاه از پائین کوه بروند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ۷۹). سپاهیان از پائین کوه حرکت کردند اما منافقانی که قصد ترور داشتند به دامنه کوه رفتند. پیامبر صدای آنان را شنید و عصبانی شد. به حذیفه دستور داد آنان را پراکنده کند و در نتیجه آنان پراکنده شده و به صورت مخفیانه به سپاه پیوستند (بیهقی، ۱۴۰۵ق: ج ۵، ۲۵۶).  
 اُسَید بن خُصَیر از رسول خدا اجازه خواست تا آنان را به قتل برساند (واقعی، المغازی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۰۴۳) اما پیامبر با این امر مخالفت کرده و دلیل خود را چنین ذکر می‌کند: دوست ندارم عرب در مورد من بگوید: پس از آن که با کمک اصحابش به پیروزی‌هایی دست یافت؛ شروع به کشتن اصحابش کرد (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۵، ۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۷۱).  
 ترور حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در محراب نماز نمونه‌ای دیگر از این رفتار ناجوانمردانه است.

همچنین ترور مالک اشتر با عسل مسموم تا امروزه که طبق آمار ده‌ها هزار شهید ترور بخشی از دستاورد ایادی جنایتکار مستکبران عالم است.

## ۵. کودتا

یکی از انواع جنگ سخت دشمن کودتاست و این موضوع پیشینه‌ای فراوان و تاریخی دارد. بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اراذل و اوباش همراهان غاصبانی شدند که حق را سلب و جایگاه امامت و خلافت را غصب و درب و پهلوی سید زنان عالم را شکسته و امام را دست بسته و بر مسند نشسته، دیگران را تطمیع و تهدید و حتی شبانه ترور کردند.  
 در حکومت حضرت علی (علیه السلام) با راه انداختن جریان خوارج بر حکومت قانونی شوریده و به دنبال حذف و شهادت حضرت بودند.

کودتای نوژه، اقدام برای کودتا با هواپیماهایی که در طیس ساقط شد و... نمونه‌ای از این فعالیت‌ها در امروز است.

## ۶. ایجاد ناامنی و هرج و مرج

یکی دیگر از روش‌های جنگ سخت ایجاد ناامنی و هرج و مرج است که فضای جامعه را ملتهب، اقتدار نظام را شکسته، زمینه اعتراضات مردمی، ناامیدی و بی‌اعتمادی و فاصله بین مردم و حکومت شده و مسئولان را از امور اصلی و بنیادین به مسائل فرعی و حاشیه‌ای مشغول می‌سازد.

کتاب *الغارات*<sup>۱</sup> حاوی موارد فراوانی از آزارهای غافلگیرانه، غارتگری‌ها، شیخون‌ها، آتش کشیدن‌ها، غارت اموال، ایجاد رعب و هراس در میان مردم، سلب امنیت از شهرهای اسلامی و ناامن‌سازی هاست. حمله بسر بن ابی ارقطاه به مدینه، مکه و یمن نمونه‌ای از این دست موارد است.

علاوه بر مایوس ساختن مردم از حکومت حضرت علی (ع)، درهم شکستن مقاومت آنان و جلوگیری از تداوم حمایت آنان از امام؛ و داشتن امام به مقابله به مثل و از بین بردن قداست امام در اذهان مردم از دیگر اهداف معاویه بود. هرچند امام براساس عدالت هیچ‌گاه مقابله به مثل نکردند:

و مِنْ كَلَامِهِ لَمَّا نَقَضَ مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ شَرْطَ الْمُوَادَعَةِ وَأَقْبَلَ يَشُنُّ الْغَارَاتِ عَلَى أَهْلِ الْعِرَاقِ، فَقَالَ بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ: مَا لِمُعَاوِيَةَ قَاتَلَهُ اللَّهُ؟! لَقَدْ أَرَادَنِي عَلَى أَمْرٍ عَظِيمٍ، أَرَادَ أَنْ أَفْعَلَ كَمَا يَفْعَلُ، فَأَكُونَ قَدْ هَتَكْتُ ذِمَّتِي وَ نَقَضْتُ عَهْدِي، فَيَتَّخِذَهَا عَلَى حُجَّةٍ، فَتَكُونَ عَلَى شَيْنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا ذُكِرْتُ. فَإِنْ قِيلَ لَهُ: أَنْتَ بَدَأْتَ، قَالَ: مَا عَلِمْتُ وَلَا أَمَرْتُ، فَمِنْ قَائِلٍ يَقُولُ: قَدْ صَدَقَ، وَ مِنْ قَائِلٍ يَقُولُ: كَذَبَ. أَمْ وَاللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ لَذُو أَنَاهِ وَحِلْمٍ عَظِيمٍ، لَقَدْ حَلَمَ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ فِرَاعِنِهِ الْأَوَّلِينَ وَعَاقَبَ فِرَاعِنَهُ، فَإِنْ يُهْلَهُ اللَّهُ فَلَنْ يَفُوتَهُ، وَهُوَ لَهُ بِالْمِرْصَادِ عَلَى مَجَازِ طَرِيقِهِ. فَلْيَصْنَعْ مَا بَدَأَ لَهُ فَإِنَّا غَيْرُ غَادِرِينَ بِذِمَّتِنَا، وَلَا نَاقِضِينَ لِعَهْدِنَا، وَلَا مُرَوِّعِينَ لِمُسْلِمٍ وَلَا مُعَاهِدٍ، حَتَّى يَنْقُضِيَ شَرْطَ الْمُوَادَعَةِ بَيْنَنَا،

۱. غارات سلسله حملات سپاهیان معاویه به مناطق تحت حکومت امام علی (ع) بود که در آن به قتل و غارت مردم و طرفداران امام علی (ع) پرداختند. این حمله‌ها بیشتر در فاصله زمانی جنگ نهروان تا شهادت امام علی (ع) اتفاق افتاد. هدف از غارات را ایجاد هراس در میان هواداران امام علی (ع) و همچنین تحکیم پایه‌های حاکمیت معاویه دانسته‌اند. حمله و غارت‌های سپاه معاویه در شهرها و مناطقی چون مصر، یمن، مکه، مدینه، بصره، مدائن، حجاز و حتی تا نزدیک کوفه انجام گرفت. این حملات به گونه‌ای طراحی شده بود که پراکنده و ناگهانی باشد و حتی عکس‌العمل سریع سپاهیان امام علی (ع) نیز کارساز نباشد. برخی از حملات و غارت‌های سپاه معاویه توسط سپاهیان امام علی (ع) دفع شد و در برخی نیز سپاه شام پیش از رسیدن سپاه امام علی (ع)، به شام فرار کردند. امام علی (ع) در این دوره، از نافرمانی کوفیان گلایه کرد و آنها را مورد سرزنش قرار داد (همان).

إِنْ شَاءَ اللَّهُ (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۲۷۵)؛

امام در بخشی از سخنانش، آن‌گاه که معاویه بن ابی سفیان شرط صلح را نقض کرد و به شیخون‌هایی علیه مردم عراق پرداخت، پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «معاویه را چه می‌شود؟ خدا او را بکشد! او از من کار بزرگی را انتظار دارد. او می‌خواهد من هم مثل او عمل کنم تا عهد و پیمانم را شکسته باشم و آن را حجتی بر ضدّ من بگیرد و تا قیامت، هرگاه که از من یاد شود، مایهٔ ننگ و بدنامی ام گردد. هرگاه به او گفته شود: تو آغاز کردی، گوید: من نه خبر دارم و نه دستور داده‌ام. بعضی هم بگویند: راست می‌گویند، برخی هم سخنش را دروغ بدانند. به خدا سوگند که خداوند، صبر و حوصله بسیار دارد و نسبت به بسیاری از فرعون‌های پیشین، حلم ورزیده است، فرعون‌هایی را هم کیفر داده است. اگر خدا به او مهلت می‌دهد، از چنگ خدا نمی‌تواند بگریزد و خداوند، بر سر راه او در کمین است. پس هر کار می‌خواهد، بکند. ما هرگز پیمان خود را نخواهیم شکست و نقض عهد نخواهیم کرد و هیچ مسلمان و مُعاهدی را به هراس نخواهیم افکند، تا آن شرط ترک جنگ میان ما سپری شود. إِنْ شَاءَ اللَّهُ!

### جنگ هیبریدی یا جنگ ترکیبی

تاکنون تعریف مشخصی از جنگ‌های هیبریدی بیان نشده است چرا که حدود مشخصی برای این نوع جنگ مشخص نیست. جنگ هیبریدی یا جنگ ترکیبی؛ راهبرد نظامی پیچیده و ترکیبی از نبردهای متعارف، نامتعارف، سایبری، روانی و اطلاعاتی است. در این نوع از جنگ که از جنگ‌های مدرن به شمار می‌رود (محمدزاده چمازکتی، بی‌تا: ۵).

طیف گسترده‌ای از ابزارها به شیوه متقارن و بدون محدودیت در زمان و مکان مورد استفاده مهاجم قرار می‌گیرد. هم‌اکنون در بسیاری از نقاط دنیا به جای جنگ مستقیم، جنگ‌های ترکیبی در حال جریان است.

۱۳

در این راستا، مهم‌ترین وجه جنگ ترکیبی را باید در عرصهٔ شناختی و ادراک دانست که مبتنی بر ادراک‌سازی و ایجاد شناخت در مخاطب است. در این روش، دشمن افکار عمومی را برای رسیدن به اهدافی که دارد آماده کرده و آنها را مهیای همراهی با خود می‌کند. آنچه مسلم است به علت پیچیدگی و تنوع ابزارها، کنش‌ها و واکنش‌ها در جنگ هیبریدی

تعریف واحدی از جنگ هیبریدی موجود نیست. هر گاه ترکیبی از مؤلفه‌های ذکر شده مورد استفاده قرار گیرد به نوعی جنگ هیبریدی در جریان است. ترکیبی از عملیات نظامی دیپلماتیک، سایبری و اطلاعاتی تشکیل دهنده جنگ هیبریدی است. به نظر می‌رسد عصری جدید در تاریخ جنگ در حال وقوع است. جنگ‌های پیچیده پراپه‌ام، پراپزار و پیچیده و متنوع. این ویژگی‌های جنگ هیبریدی است (محمدزاده چمازکتی، بی‌تا: ۵).

### ابزارهای جنگ هیبریدی

آنچه مدل هیبریدی تنش را از سایر مدل‌ها مجزا می‌کند، شیوه‌ای است که از طریق این مدل خطوط بین جنگ و صلح را مبهم می‌کند. جنگ ترکیبی، دارای شاخه‌های مدرن و کارآمدی است که از هر نوع جنگ فیزیکی کاربرد و کارایی بیشتری دارد. جنگ ترکیبی شامل هشت نوع جنگ در هشت عرصه شامل عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دیپلماتیک، امنیتی، شناختی و رسانه‌ای برای معتبرسازی تهدید نظامی است که اجزای هم‌افزایی این جنگ را شکل می‌دهند. در اجلاس امنیتی مونیخ ۲۰۱۵، هشت ابزار جنگ هیبریدی اعلام شد (همان).

- جنگ دیپلماتیک
- نیروهای ویژه
- نیروهای نامنظم و چریکی
- جنگ‌های کلاسیک نظامی
- جنگ اطلاعاتی و تبلیغاتی
- حمله سایبری
- جنگ اقتصادی
- حمایت از آشوب‌های داخلی

### تفاوت جنگ هیبریدی با جنگ‌های کلاسیک

همان‌گونه که مشخص است، جنگ ترکیبی یا هیبریدی به دنبال تغییر تعریف جنگ‌های مستقیم نیست بلکه ترکیبی از انواع جنگ‌ها را در کنار هم می‌بیند. در این تعریف جنگ‌های مستقیم جزئی از جنگ‌های هیبریدی است. یکی از تفاوت‌های جنگ هیبریدی با جنگ‌های کلاسیک در میزان نوع و شدت تلفات

است. در جنگ‌های مستقیم تلفات جانی بسیار متداول است اما در جنگ‌های ترکیبی احتمال دارد که با حمله سایبری یکی از نهادهای کشور هدف مورد حمله قرار گیرد. در جنگ‌های اقتصادی امکان دارد فقر، تورم، بیکاری و رکود در جامعه هدف فراگیر شود. در جنگ‌های تبلیغاتی ممکن است فرهنگ یک کشور مورد حمله قرار گیرد. جنس تلفات در این گونه جنگ‌ها تفاوت کرده است. در جنگ‌های هیبریدی میزان تلفات طرف متخاصم به شدت کاهش یافته است (همان).

## ویژگی یاران و راهکار

### شرح صدر و استقامت

در تقابل با تهاجمات اندیشه‌ای، تخریب‌ها و شبهات، بینش عمیق و در پیشگیری و تقابل با مشکلات، هجوم‌ها و مشکلات در حوزه عمل و جنگ سخت، سعه صدر لازم است. شرح صدر موهبتی است که خداوند بر عنایتش به پیامبر ﷺ اشاره می‌کند:

﴿الَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾. (انشراف: ۱)

همچنین شرح صدر یکی از نعمت‌ها و پاداش‌های است که خداوند به منتظران عنایت می‌کند:

أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّ مَنْ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعًا بِهَا أَمْرُنَا وَ يَغِيْظُ بِهَا عَدُوَّنَا وَ هُوَ مُنْشَوِّبٌ إِلَيْنَا أَدَّرَ اللَّهُ رِزْقَهُ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَغَهُ أَمَلُهُ وَ كَانَ عَوْنًا عَلَى حَوَاجَتِهِ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۳، ۲۵۸)؛  
آیا نمی‌دانی آن‌که مرکبی را با چشم‌انداز وقوع تحقق امر ما و موجب غیظ و خشم دشمن ما نگهدارد... خداوند صدر و سینه‌اش را شرح می‌بخشد....

### شرح صدر در لغت

شرح صدر مرکب از دو واژه شرح و صدر می‌باشد.

شرح به معنای کشف و بیان، توسعه، باز کردن، گشودن، گستردن، فراخی بخشیدن، روشن و آشکار نمودن است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲۴، ۳۸۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۴۹۷).

شرح، نوع خاصی از توسعه و بسط موضوع است که در مقابل قبض و بسته بودن قرار دارد. به مفاهیم تبیین، توضیح، تفسیر، کشف و... از آن‌جا که موضوع را بسط می‌دهند، شرح نیز

گفته می‌شود.

صدر به معنای قفسه سینه و جمع آن صدور است. این واژه برای برجسته و مقدم‌ترین بخش هر چیزی استعمال می‌شود، مانند صدر کلام، صدر کتاب، صدر مجلس و از آن جا که قلب در سینه قرار دارد، برای قلب هم مجازاً استعمال می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۴۷۷).

### شرح صدر در اصطلاح

با توجه به آیات و روایات منظور از شرح صدر ظرفیت روحی و «سعه وجودی» (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۳۳۸) است.

شرح صدر، عبارت است از استعداد دریافت معارف و حقایق. وقتی این استعداد در کسی پدید می‌آید، انوار معرفت الهی در دل او می‌تابد (سجادی، ۱۳۷۰: ۵۰۳).

### آثار و لوازم شرح صدر

شرح صدر آثار و لوازم مختلفی دارد که به شرح و بیان آنها می‌پردازیم:

#### شرح صدر، ریشه صبر و استقامت و مبارزه

شرح صدر ظرفیت روحی است که ریشه‌های معرفتی دارد. یعنی در اثر رشد معرفتی این ظرفیت حاصل می‌شود. سعه صدر، از معرفت حق تعالی پیدا شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۳۳۸).

شرح صدر تحقق بخش صبر و استقامت است. وقتی ظرفیت روحی تحقق یافت و فراتر از محدودیت‌های مادی شد نگاه او به هستی نگاه توحیدی و در قبال حضرت حق تسلیم است. چنین فردی بر در اصل دین و ارزش‌های دینی پافشاری و پایداری داشته و به بیراهه‌های کفر و شرک و نفاق منحرف نمی‌گردد (بعد فکری و عقیدتی) و در مقابل سختی‌های اطاعت و همراهی با دین و ولی دین و در برابر دشواری‌ها و تقابل‌ها و درگیری‌ها و...، شکیا و صبور است (در مقام عمل).

حضرت موسی علیه السلام با درخواست شرح صدر، زمینه تسهیل امر رسالت را فراهم می‌آورد. چون اگر قرار است رهبری قوم بنی اسرائیل را در مواجهه با فرعونیان قدرتمند به عهده گیرد، لازم است سعه صدر داشته باشد تا در برابر تکذیب‌شان دلتنگ نگردد.

اگر افراد دارای شرح صدر بوده و ظرفیت روحی بلایی داشته باشند؛ امور کوچک در نظرشان

نمی آید:

عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

وقتی چنین شد نه سختی امور و مشکلات آنان را از میدان به در می برد و مقاومت شان را می شکند و نه شادمانی و شعف از پیروزی ها، مست و مغرورشان کرده از مسیر منحرف می کند:

﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾  
(حدید: ۲۳)؛

تا بر آنچه از دست شما رفت تأسف نخورید، و بر آنچه به شما داده شادمانی (بی جا) نکنید، و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد.

امام راحل رحمه الله در این باره می فرماید:

انسانی که دارای شرح صدر باشد، هرچه از کمال و جمال و مال و منال و دولت و حشم در خود ببیند، به آن اهمیت ندهد و در نظرش بزرگ و مهم نیاید. سعه وجود چنین انسانی، به قدری است که بر تمام واردات قلبی غلبه کند و از ظرف وجودش، هیچ چیز لبریزی نکند. و این سعه صدر، از معرفت حق تعالی پیدا شود؛ در مواد مستعدّه لایقه انس با خدا، قلب را به مقام اطمینان و طمأنینه رساند. و یاد حق تعالی دل را از منازل و مناظر طبیعت منصرف کند، و تمام جهان و جهانیان را از نظر او بیاندازد، و دل بستگی به احدی غیر از حق پیدا نکند، و با هیچ چیز دل خوش نکند، و همّتش به مرتبه [ای] رسد که تمام عوالم وجود در پیش نظرش نیاید. پس، هرچه واردات قلبی پیدا کند، دامن گیر او نشود. و خود را به واسطه آنها بزرگ و بزرگوار نشمارد. و هرچه غیر از حق و آثار جمال و جلال او است، در نظرش کوچک باشد. و این خود، منشأ تواضع برای حق شود، و به تبع برای خلق؛ زیرا که خلق را نیز از حق ببیند. و همین، منشأ عزّت نفس و بزرگواری هم شود؛ زیرا که روح تملّک که از نفع طلبی و خودخواهی پیدا شود، در او نیست. پس، خداخواهی سعه صدر آورد، و سعه صدر تواضع و عزّت نفس آورد و در مقابل، خودخواهی و خودبینی هم از ضیق صدر است و هم ضیق صدر آورد. و آن مبدأ تکبر است؛ زیرا چون ضعف قابلیت و ضیق صدر داشت، هرچه در خود ببیند در نظرش بزرگ شود و به آن تدلّل و بزرگی کند، و در عین حال

چون اسیر نفس است، برای رسیدن به مقاصد آن، پیش اهل دنیا - که مورد طمع اوست - ذلت و خواری کشد و تملق‌ها گوید (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۳۳۸).

چنان‌که گفته شد چون شرح صدر، استعداد دریافت معارف و حقایق نیز هست بنابراین وقتی این استعداد در کسی پدید می‌آید، انوار معرفت الهی در دل او می‌تابد، لذا گفته‌اند: شرح صدر آن است که در سه مرحله، سه نوع نور، نصیب انسان می‌شود: نور عقل در آغاز راه، نور علم در وسط مسیر سلوک و نور عرفان در پایان مسیر. در نتیجه در پرتوی این انوار، انسان به درک و شهود بسیاری از حقایق دست می‌یابد و بسیاری از حجاب‌ها از جلوی چشم او کنار می‌رود و او می‌تواند برخی از عوالم ملکوت را مشاهده کند و باطن پدیده‌ها را ببیند. و به همین مسئله کلام نورانی رسول خدا ﷺ اشاره دارد؛ ایشان می‌فرمایند:

إِتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ (سجادی، ۱۳۷۰: ۵۰۳)؛

از فراست و دید نافذ مؤمن پرهیز کنید و مواظب باشید که مؤمن با نور الهی می‌تواند بسیاری از امور را ببیند.

چنان‌که گفته شد؛ آن‌که معرفت حق را پذیرفته و نور حق و ایمان در دلش بتابد از اضطراب و تشویش و بی‌ثباتی رهیده؛ شرح صدر یابد. این انسان بر آنچه رخ می‌دهد یا آنچه از دست می‌دهد اندوهگین نشده و دلبسته آنچه دارد نیست. ﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾ (حدید: ۲۳). سکینه و آرامش درونی؛ آدمی را در برابر سختی‌ها به‌ویژه در میدان‌های نبرد مستحکم قرار می‌دهد تا از پا نیفتد، چنان‌که خداوند با اعطای سکینه و آرامش، پیامبران و مؤمنان را در جنگ‌ها پیروز می‌گرداند.

با آنچه گفته شد روشن می‌شود، شرح صدر تحقق بخش صبر و استقامت است. وقتی ظرفیت روحی تحقق یافت و فراتر از محدودیت‌های مادی شد نگاه او به هستی نگاه توحیدی و در قبال حضرت حق تسلیم است. چنین فردی بر در اصل دین و ارزش‌های دینی پافشاری و پایداری داشته و به بیراهه‌های کفر و شرک و نفاق منحرف نمی‌گردد (بعد فکری و عقیدتی) و در مقابل سختی‌های اطاعت و همراهی با دین و ولی دین و در برابر دشواری‌ها و تقابل‌ها و درگیری‌ها و...، شکیبا و صبور است (در مقام عمل).

انسانی که دارای شرح صدر است کسی است که می‌تواند با صبر و استقامت در مقابل

دشمنی‌ها ایستاده و به مبارزه با ظالمان و مستکبران عالم تا رسیدن به نتیجه پیروزی یا شهادت ﴿إِخْدَى الْحُسْنَيْنِ﴾ (توبه: ۵۲) بپردازد.

### شرح صدر مهم‌ترین ابزار تقابل

#### رهبران الهی

در همه سطوح جبهه مؤمنان (رهبران، خواص و عموم مردم) شرح صدر یک نیاز و ضرورت است ولی اصولاً هیچ رهبر بزرگی نمی‌تواند بدون شرح صدر به مبارزه با مشکلات رود و آن کس که رسالتش از همه عظیم‌تر است (مانند پیغمبر اکرم ﷺ) شرح صدر او باید از همه بیشتر باشد، طوفان‌ها، آرامش اقیانوس روح او را بر هم نزنند، مشکلات، او را به زانو در نیارند، کارشکنی‌های دشمنان، مایوشش نسازد، سؤالات از مسائل پیچیده، او را در تنگنا قرار ندهد و این عظیم‌ترین هدیه الهی به رسول الله بود (انشراح).

حضرت موسی ﷺ هنگامی که مأمور شد سراغ فرعون رود ﴿اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ﴾، به سوی فرعون برو که او طغیان و سرکشی کرده است؛ اولین خواسته‌اش از خدا در این مأموریت خطیر، شرح صدر بود: ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ (موسی) گفت: پروردگارا! سینه‌ام را گشایش بخش (طه: ۲۴-۲۵).

حضرت موسی ﷺ با درخواست شرح صدر، زمینه تسهیل امر رسالت را فراهم می‌آورد. چون اگر قرار است رهبری قوم بنی اسرائیل را در مواجهه با فرعونیان قدرتمند به عهده گیرد، لازم است سعه صدر داشته باشد تا در برابر تکذیب‌شان دلتنگ نگردد.

خدای متعال در سوره «انشراح» به یکی از مهم‌ترین موهبت‌های خویش به پیامبر ﷺ اشاره نموده، می‌فرماید:

﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ (انشراح: ۱)؛

آیا ما سینه تو را گشاده نساختم؟

شک نیست که: منظور از «شرح صدر» در این جا، معنی کنائی آن است و آن توسعه دادن به روح و فکر پیامبر ﷺ است و این توسعه می‌تواند مفهوم وسیعی داشته باشد، که هم وسعت علمی پیامبر ﷺ را از طریق وحی و رسالت شامل گردد و هم بسط و گسترش تحمل و استقامت او در برابر لجاجت‌ها و کارشکنی‌های دشمنان و مخالفان. در جائی دیگر، خطاب به پیغمبر اکرم ﷺ آمده است:

﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ﴾ (قلم: ۴۸)؛

اکنون که چنین است منتظر فرمان پروردگارت باش، استقامت و شکیبایی پیشه کن و مانند یونس مباش [که بر اثر ترک شکیبایی لازم، گرفتار آن همه مشکلات و مرارت شد].

«شرح صدر» در حقیقت، نقطه مقابل «ضیق صدر» است، چنان که در آیه ۹۷ سوره «حجر» می‌خوانیم:

﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۷، ۱۴۱)؛

ما می‌دانیم که سینه تو به خاطر گفتگوهای [مغرضانه] آنها تنگ می‌شود.

موسی و هارون علیه السلام نیز پیامبران الهی‌اند که در قرآن مأمور به استقامت شده‌اند:

﴿قَالَ قَدْ أُجِيبْتُ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (یونس: ۸۹).

با توجه به عبارت «لَا تَتَّبِعَانِ» در ادامه آیه، که موسی و هارون را از پیروی راه نادانان بر حذر می‌دارد می‌توان گفت که مراد، استقامت بر پیروی از راه خداست. برخی مقصود از آن را استقامت در دعا دانسته‌اند (قرطبی، ۱۳۸۴ق: ج ۸، ۲۴۰). بعضی از مفسران با توجه به این که مخاطب سه آیه اخیر پیامبران الهی هستند و یکی از مهم‌ترین دستورهای خداوند برای آنان به انجام رساندن رسالت و ابلاغ پیام خداست، استقامت را استقامت در تبلیغ دین و پیامبری هم می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ۳۰۴).

#### مؤمنان و منتظران

صبر و استقامت در امور بسیار مهم است و در میدان‌های حادثه و خطر چون جنگ و رویارویی با دشمن مهم‌تر است لذا رزمندگان و منتظران که با مهم‌ترین حوادث رویارو هستند به این امر محتاج‌ترند:

حضرت علی علیه السلام به یاران هنگام نبرد فرمود:

أَلَا إِنَّكُمْ لَأَقْوَا الْعَدُوَّ غَدًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَأَطِيعُوا اللَّيْلَةَ الْقِيَامَ وَ أَكْثِرُوا تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَ اسْأَلُوا اللَّهَ الصَّبْرَ وَ النَّصْرَ وَ الْقُوَّةَ بِالْحَبْدِ وَ الْحَزْمِ وَ كُونُوا صَادِقِينَ (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۲۲۵)؛

بدانید که فردا با دشمنان روبرو خواهید شد پس امشب قیام لیل‌تان (نماز شب و مناجات شبانه) خود را طولانی کنید. بر تلاوت قرآن‌تان را بیافزایید و از خدا صبر و پیروزی بخواهید و با دشمنان با جدیت و فراست روبرو گردید

و(بر عهد و پیمان و ایمان تان) صادق باشید.

صبر در دوران غیبت یکی از خصائص و ویژگی‌های مورد ستایش است. در روایت حضرت رسول اکرم ﷺ چنین می‌فرماید:

طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مُحَاجَّتِهِمْ أُولَئِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَفَرَمُوهُ: أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۱۴۳):

خوشا (طوبی) بر صبر پیشه گان در غیبت او. خوشا بر ثابت قدمان بر محبت او همان ها که خداوند در کتاب خویش چنین وصف شان کرده ....

امام صادق (علیه السلام) در دعای بعد از زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا برای شیعیان اهل بیت چنین دعا می فرماید:

ثَبَّتْ قُلُوبَ شَيْعَتِهِمْ وَحَزَبِكَ عَلَى طَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ وَنَصْرَتِهِمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ وَأَعْيُنُهُمْ وَ  
أَمْنَهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَى فِيكَ (طوسي، ١٤١١ق: ج ٢، ٧٨٥).

در روایت دیگر در کلام امام کاظم علیه السلام ثابت قدمان در غیبت مورد تمجید قرار گرفته‌اند و همراهی با اهل بیت و... به آنان بشارت داده شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۶۱).  
امام حسن عسکری علیه السلام در دعای برای یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین می‌فرماید:  
وَقَوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبْرَهُمْ وَافْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا (طوسی، ۱۴۰۶ق: ۱۷۱)؛  
یارانش را قوت بخش و آنان را صبر و شکیبایی عنایت فرما و... .

امام عصر علیه السلام هدایت و استقامت را از خدا درخواست می نماید:

اكرمنا بالهدى والاستقامه (كفعمى، ١٤١٨ق: ٣٤٩).

## نتیجہ گیری

در رویارویی و جنگ سخت (تندی، تحریم، جنگ، ترور، کودتا، ناامنی و...) و جنگ

٢١

١. يُؤْنَسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ فَقَالَ أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعدَاءِ اللَّهِ عَوَّجَلٌ وَيَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِي لَهُ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمَدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَتَبْتُ فِيهَا آخِرُونَ ثُمَّ قَالَ طُوبَى لِبَشِيرَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمَتِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوَالِيَتِنَا وَالْبُزَاءِ مِنْ أَعدَائِنَا أَوْلَيْكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَرَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَهُمْ وَاللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

هیبریدی و ترکیبی، آنچه راهگشاست؛ بینش و بصیرت از یکسو و شرح صدر صبر و استقامت از سوی دیگر است.

پیامبران و اولیاء الهی خود در صف اول این راه بوده و دیگران را هم بر آن مسیر ره می بردند. در مقابل جنگ ها و رویارویی ها و مشکلاتی که بر جامعه دینی و یاران تحمیل می گردد دو شاخصه بینش و شرح صدر لازم است.

دو عنصر مهم برای مواجهه با این دشمنی ها لازم است؛ دو خصوصیت در آحاد مردم لازم است: یکی عبارت است از بصیرت و دومی عبارت است از صبر و استقامت که اگر چنانچه این دو عنصر وجود داشت دشمن هیچ کاری نمی تواند بکند، هیچ لطمه ای نمی تواند بزند، هیچ توفیقی در مواجهه و مقابله با نظام اسلامی به دست نمی آورد؛ بصیرت و صبر. این همان است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ (مقام معظم رهبری: ۱۳۹۹/۱۲/۲۱).

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، دوم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، مصحح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳. اصفهانی راغب، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق: الدار الشامیه، اول.
۴. جعفری، محمد صابر (۱۴۰۱)، «جنگ نرم و وجود شبهات و لزوم شاخصه بینش و بصیرت در یاران تراز»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال شانزدهم، شماره ۶۵.
۵. جعفریان، رسول (۱۳۸۱)، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: نشر مشعر، چاپ پنجم.
۶. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، محقق و مصحح: عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم: بیدار.
۷. سجادی، سید جعفر (۱۳۷۰)، *فرهنگ اصطلاحات عرفانی*، تهران: نشر کتابخانه طهوری.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، سوم.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: اسلامیه، سوم.
۱۰. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، محقق و مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، سوم.
۱۱. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۶ق)، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، قم: بوستان کتاب، اول.
۱۲. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتعبد و سلاح المتعبد*، بیروت: بی نا، اول.
۱۳. عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸ق)، *البلد الامین والدرع الحصین*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، اول.
۱۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۵. قرطبی، شمس الدین (۱۹۶۴م)، *الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)*، قاهره: دارالکتب

المصرية، دوم.

۱۶. کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، محقق و مصحح: عبدالله نعمة، قم: دارالذخائر.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، *کافی*، قم: دارالحديث، اول.

۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.

۲۰. محمدزاده چمازکتی، عمار (بی تا)، *جنگ های هیبریدی؛ شیوه جنگ نوین*، بی جا: بی نا.

۲۱. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید، اول.

۲۲. مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامية، سی و ششم.

۲۳. منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق)، *وقعه صفین*، محقق و مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفي، دوم.

۲۴. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۷)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، اول.

25. <https://khamenei.ir>

26. <https://fa.wikifeqh.ir>





## **Reading the life of Hisham Ibn Hakem in order to introduce the model for Jihad of Explanation to the youth of the age of Awaiting**

**Marziyeh Varmazyar**<sup>1</sup>

**Mostafa Varmazyar**<sup>2</sup>

**Seyyed Mohammadjavad Seyyed nazari**<sup>3</sup>

### **Abstract**

According to narrations, those awaiting the appearance of Imam Mahdi, during the era of occultation, have duties, one of the most important of which is the Jihad of Explanation in order to prevent intellectual and ideological deviations. Youth, as the driving force of society, play a key role in carrying out this duty. Hisham ibn al-Hakam (the youngest student of the school of Imam Sadiq (a.s.)), had a life full of ups and downs in carrying out the duty of Jihad of Explanation and defending the religion and guardianship of the infallible Imams (a.s.); the story of his life and his distinguished characteristics open a refreshing horizon for a young person who is concerned with defending the religion and guardianship and will pave the way for this path. This research, using a library method and a descriptive-analytical method, seeks to discover the individual and social aspects necessary for the Jihadist of the Explanation Front in order to introduce a role model to the young generation, and has accomplished this important task by exploring the personality and life of Hisham ibn al-Hakam. Outstanding characteristics such as: maintaining the spirit of truth-seeking and eagerness to know, self-confidence while relying on God were among the personal characteristics of Hisham ibn al-Hakam in the field of Jihad of Explanation. He also had characteristics in the social dimension, regarding the guardianship and leadership, such as: concern for the guardianship and guiding the society towards the Imam, a special relationship with the Imam, and towards friends and Shiites and the inner front, such as: gaining social status, creating concern in the Taliban of guidance, and in relation to opponents and enemies, such as: understanding the audience and observing aspects of taqiyyah.

**Keywords:** Hisham ibn Hakam, role model for youth, duties of those waiting, jihad of explanation, youth and guardianship

---

1. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Education, Lorestan University, Iran(varmazyar.m@lu.ac.ir)

2. Level 4 of Qom seminary and Member of the academic staff of Aiandeh Roshan Institute (Corresponding Author)(mova277@yahoo.com)

3. Master of Science in Introduction to Islamic Sources, Islamic Education University, Qom, Iran (nazari6200662006@gmail.com)

## بازخوانی زندگی هشام بن حکم در راستای معرفی الگوی جهاد تبیین برای جوان عصر انتظار

مرضیه ورمزیار<sup>۱</sup>

مصطفی ورمزیار<sup>۲</sup>

سید محمد جواد سیدنظری<sup>۳</sup>

### چکیده

براساس روایات، منتظران ظهور امام مهدی (عج)، در عصر غیبت، وظایفی بر عهده دارند که یکی از مهم ترین آنها جهاد تبیین در راستای پیشگیری از انحراف فکری و عقیدتی است. جوانان به عنوان نیروی پیشران جامعه در انجام این وظیفه نقش کلیدی دارند. هشام بن حکم (جوان ترین شاگرد مکتب امام صادق (ع))، در انجام وظیفه جهاد تبیین و دفاع از دین و ولایت امامان معصوم (ع)، زندگی پر فراز و نشیبی داشته است؛ داستان زندگی وی و ویژگی های ممتازش برای جوانی که دغدغه دفاع از دین و ولایت را دارد، افقی با طراوات، پیش چشم می گشاید و راهگشای این مسیر خواهد بود. این تحقیق با روش کتابخانه ای و شیوه توصیفی - تحلیلی، در پی کشف جنبه های فردی و اجتماعی لازم برای جهادگر جبهه تبیین در راستای معرفی الگو به نسل جوان است و این مهم را با کنکاش در شخصیت و زندگی هشام بن حکم به سرانجام رسانده است. خصوصیات برجسته ای همچون: حفظ روحیه حقیقت طلبی و شوق به دانستن، اعتماد به نفس در عین توکل به خدا از ویژگی های فردی هشام بن حکم در عرصه جهاد تبیین بوده است. وی همچنین در بعد اجتماعی، نسبت به ولایت و رهبری دارای ویژگی هایی چون: دغدغه مندی نسبت به ولایت و هدایت جامعه به سوی امام، ارتباط خاص با امام بود، و نسبت به دوستان و شیعیان و جبهه خودی فعالیت هایی مانند: کسب جایگاه اجتماعی، ایجاد دغدغه در طالبان هدایت، و در رابطه با مخالفان و دشمنان اقداماتی چون: مخاطب شناسی و رعایت جوانب تقیه انجام داده

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه لرستان، لرستان، ایران (varmaziar.m@lu.ac.ir).

۲. سطح چهار حوزه و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی موعود حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول) (mova277@yahoo.com).

۳. کارشناس ارشد آشنایی با منابع اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم، ایران (nazari6200662006@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۲۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۸/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۷

است.

### واژگان کلیدی

هشام بن حکم، الگوی جوانان، وظایف منتظران، جهاد تبیین، جوان و ولایت.

### مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و الگوگیری وی در همه ابعاد، از خانواده به عنوان اولین و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی آغاز می‌شود. رفتار و گفتار پدر و مادر و حتی برادر و خواهر را تکرار می‌کند. با ورود به اجتماع، بتدریج گفتار و رفتار معلم و همکلاسی‌ها در او اثرگذار است. این طبیعت انسانی در جوانی بروز بیشتری می‌یابد و در قالب هم‌شکل‌سازی ظاهر خود با الگوی قهرمان، تکرار سبک زندگی او یا همسانی با گفتار و رفتار او هویدا می‌گردد. الگوی وی می‌تواند بزرگی از اهل دانش و یا شخصیتی از مشاهیر همچون بازیگر یا بازیکن و یا بازی‌گردان باشد. این الگوگیری آگاهانه و یا ناخودآگاه انجام می‌شود و انتخاب این قهرمان بسته به نوع نگاه جوان به زندگی و شیوه تفکر وی، متفاوت است، مطالعه زندگی بزرگان توسط خود شخص و یا شناساندن افراد مناسب به او، در انتخاب الگویی مناسب، وی را یاری خواهد رساند. هشام بن حکم از آن جمله است که قرار است به عنوان الگوی جهاد تبیین و مناسب برای جوان عصر انتظار معرفی شود و با بازخوانی زندگانی وی با نگرش نو و امروزی، جنبه‌های مختلف الگو بودن وی در راستای ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام مورد بررسی قرار گیرد.

زندگی هشام بن حکم به خاطر شخصیت برجسته وی مورد توجه بسیاری از تاریخ‌نویسان قرار گرفته و بخشی از کتاب‌های خود را به بررسی شخصیت ایشان اختصاص دادند. در کتاب‌های رجال و تراجم نیز این شخصیت بررسی شده؛ اما برخی کتاب‌ها بطور مستقل نیز به زندگی هشام بن حکم پرداخته‌اند:

الشیخ عبدالله نعمة (۱۴۰۵ق) در کتاب «هشام بن الحکم»؛ علیرضا اسعدی در دو کتاب هشام بن حکم (۱۳۹۵) و «مناظره‌های هشام بن حکم؛ سید أحمد صفائی (۱۳۵۹) در «هشام بن الحکم مدافع حریم ولایت» (۱۳۹۳) به صورت جامع، زندگی هشام بن حکم را بررسی کرده‌اند.

همچنین مقالات بسیاری (دست‌کم ۲۶ مقاله) درباره شخصیت هشام بن حکم و

اندیشه‌های وی نگاشته شده است، که ما در اینجا به مقالاتی که ارتباط به پژوهش حاضر دارند اشاره می‌کنیم:

یحیی عبد الحسین الدوخی (۱۳۸۸)، در مقاله «دفاع از هشام بن حکم» (پژوهشی درباره احادیثی که هشام بر اساس آن‌ها متهم به تجسیم و تشبیه شده است) بصورت اجمالی به زندگی هشام بن حکم پرداخته است؛ همچنین سید مهدی رحمتی (۱۳۸۸ و ۱۳۸۹) در مقاله راوی‌شناسی (هشام بن حکم) به ابعاد شخصیت هشام بن حکم، پرداخته و ضمن بیان شرح احوال و آثار ایشان، افکار و گرایش‌های کلامی او را منعکس ساخته است؛ محمد رنجبر حسینی و راضیه نیازی پور (۱۳۹۴) دیگر نویسندگانی هستند که در مقاله خود با عنوان «روش‌شناسی مناظرات هشام بن حکم در موضوع امامت» به بررسی مناظرات هشام بن حکم، پیرامون مسئله امامت پرداخته‌اند؛ سمیه صالحی و سید محمد مظفری (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی با عنوان «روش مورد تایید معصوم در پاسخ به شبهات امامت با توجه به روش هشام» به بررسی روش هشام بن حکم در پاسخ‌گویی به سؤالات و مناظرات پرداخته‌اند؛ همچنین، فریبا رحیمی (۱۳۹۹) در مقاله «نگاهی کوتاه به زندگی هشام بن حکم» به برخی زوایای زندگی هشام و جایگاه او نزد امام صادق علیه السلام اشاره کرده است.

اما با بررسی که انجام شد، هیچ کتاب یا مقاله‌ای زندگی هشام بن حکم را با هدف معرفی الگوی جهاد تبیین برای جوانان مورد مذاقه قرار نداده است از این رو این مقاله، کاری نو به شمار می‌آید.

### زندگانی هشام بن حکم

یکی از راه‌های اثرگذار بودن الگو بر شخص پیروی‌کننده این است که الگوبردار با شخصیت الگو، همزادپنداری کرده و خود را در آن مقام و جایگاه قرار می‌دهد، در نقش او فرو رفته و خود را در آن صحنه مجسم می‌کند، این مهم گرچه در الگوهای تصویری و سینمایی بیشتر قابل درک است؛ اما در الگوهای معرفی شده توسط نویسندگان مانند قهرمانان کتاب‌های رمان، حکایات و سرگذشت‌نامه‌ها نیز در صورتی که نویسنده بتواند تصویر صحیحی از الگو ارائه دهد و از فنون تصویرپردازی به درستی در نوشته خود بهره برد، همزادپنداری با الگو شکل خواهد گرفت.

هرچه ویژگی‌های الگو به الگوگیرنده نزدیک‌تر باشد این همزادپنداری با قدرت و سرعت

بیشتری واقع می‌شود از این رو برای معرفی الگو به نسل نوجوان و جوان، به این مهم باید توجه داشت که الگویی جوان، به او معرفی نمود و یا بخشی از زندگی الگو که در سنین جوانی رخ داده را در برابر او ترسیم کرد، هشام بن حکم از این جهت، الگوی مناسبی برای نسل نوجوان و جوان است زیرا در همین سنین جوانی، به قله علم و پیشرفت در عصر خود رسید و مدال افتخار «هذا ناصرنا بقلبه ولسانه ویده» (مفید، ۱۴۱۴ق(ب): ۵۲) را از دست امام عصر خود دریافت نمود.

هشام در ابتدای نوجوانی به جهت روحیه کنجکاوی و پرسش‌گری به برخی از اعتقادات انحرافی آلوده گشته و طرفدار جهمیه<sup>۱</sup> بود (ابن داود حلی، ۱۳۹۲ق: ۲۰۰؛ عبدالله نعمة، ۱۴۰۵ق: ۱۱۴)؛ اما با عنایت خاص امام صادق (ع) هدایت شد.

مرحوم کشی از عمر بن یزید نقل می‌کند که: برادرزاده من،<sup>۲</sup> هشام بن حکم، از من درخواست کرد او را جهت گفتگوی علمی خدمت امام صادق (ع) ببرم، در پاسخ وی گفتم: تا از امام اجازه نگیرم اقدام به چنین عملی نخواهم کرد. سپس خدمت حضرتش رسیده و برای شرفیاب شدن هشام اجازه گرفتم؛ پس از بیرون رفتن از نزد امام به یاد جسارت و بی‌باکی برادرزاده‌ام افتادم و برگشتم، به امام عرض کردم که برادرزاده من خبیث (دارای عقاید فاسد و جسور در بحث علمی) است با این حال اجازه می‌فرمائید شرفیاب شود؟ امام فرمودند: آیا بر من بیمناکی و نگرانی من نتوانم به سؤالات او جواب دهم؟ از سخنم شرمنده شدم آن‌گاه برادرزاده‌ام را همراه خود به محضرش بردم. پس از نشستن در خدمتش، آن بزرگوار مسئله‌ای از هشام پرسید، وی مهلت خواست، امام به او مهلت داد. چند روزی هشام، در پی جواب بود، عاقبت نتوانست پاسخی تهیه نماید. دوباره به محضر امام شرفیاب شده اظهار عجز کرده و پاسخ مسئله را از محضر آن جناب استفاده نمود. امام در جلسه دوم مسئله دیگری که اساس مذهب باطل هشام را زیر سؤال می‌برد، از او پرسید و دوباره هشام نتوانست از عهده جواب برآید، با حال حیرت و اندوه از خدمت امام مرخص شد و مدتی به این حال بود. دوباره از من خواهش کرد که وسیله ملاقاتش را با امام فراهم سازم. از امام اجازه ملاقات برای او خواستم، فرمود: فردا شب در فلان نقطه از حیره منتظرم باشد که ملاقاتش خواهم کرد. فرمایش امام را

۱. پیروان جهم بن صفوان از سران جبریه (شهرستانی، بی‌تا: ج ۱، ۸۶).

۲. شاید این عنوان از روی علاقه به هشام باشد و عمر بن یزید عموی واقعی هشام نباشد؛ اما اگر عنوان حقیقی باشد نام جد هشام نیز یزید خواهد بود.

به هشام ابلاغ کردم، از شدت اشتیاق، قبل از وقت مقرر، به آن مکان شتافت و به فیض ملاقات نائل گردید؛ بعدها از هشام سؤال کردم آن ملاقات چگونه برگزار شد؟ گفت من پیش از امام به آن مکان رسیده، به انتظار مقدم شریفش بودم، ناگهان در حالی که سوار بر مرکب بود تشریف آورد، هنگامی که به من نزدیک شد چنان رعب و هیبتی از ملاقات آن بزرگوار بر من عارض شد که توان پرسش، بلکه قدرت گفتار را از دست دادم، مدتی حضرت منتظر سخن و پرسش من بود، این انتظار با وقار، باعث افزایش تحیر و بیخودی من شد، عاقبت مرا به حال خود گذاشته و رفتند پس از تشریف بردنش به خود آمده یقین کردم که آن حالت، فقط از نظر عظمت روحانی و موقعیت ربانی او بر من عارض شده است (کشی، بی تا، ج ۲: ۵۲۷-۵۲۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۳: ۳۶۹).

هشام بن حکم پس از این ملاقات و بر اثر نفَس قدسی و الهی امام صادق علیه السلام دیده دلش بینا گشته از ارادتمندان آستان ولایت گردید (صفائی، ۱۳۵۹: ۱۵).

این نوجوان در مراتب علمی آن چنان پیش رفت که کسی توان پاسخگویی به استدلال‌های قوی وی در بحث امامت را نداشت و تنها اشکالی که بر او وارد بود، سن کمش بود. یکی از طرفداران بنی امیه با تمسخر از او پرسید ای بچه چند سال داری، پاسخ متین و وزین وی این بود که؛ سن من، سن اسامة بن زید است که در عین جوانی، پیامبر صلی الله علیه و آله او را فرمانده بزرگان صحابه قرار داد و به صحابه دستور داد؛ از وی اطاعت کنند (عبدالله نعمة، ۱۴۰۵ق: ۱۰۸-۱۰۹).  
أبو حکم و یا أبومحمد، هشام بن حکم کندی بغدادی (ابن الندیم)، یا کوفی (دیگران) (عبدالله نعمة، ۱۴۰۵ق: ۳۹) یکی از برجسته‌ترین یاران امام صادق و امام کاظم علیه السلام است وی که در سنین نوجوانی به مکتب اهل بیت علیهم السلام هدایت شد، تمامی عمر خود را در راه خدمت به دفاع از باور راستین به امامت صرف کرد و سرانجام به جهت دفاع از این عقیده، مورد خشم هارون الرشید قرار گرفت و متواری شد و به صورت غریبانه و بر اثر ترس شدید و عارضه قلبی جان داد. در تاریخ ولادت هشام بن حکم، عدد دقیقی در دسترس نیست؛ اما شاید بتوان ولادت وی را بنابر مناظره‌ای که با عمرو بن عبید بصری از رؤسای معتزله متوفای سال ۱۴۴ هجری داشته؛ اوائل قرن دوم حوالی سال‌های ۱۲۵ تا ۱۳۰ دانست به این صورت که فرض شود مناظره با عمرو بن عبید در آخر عمر او و در سال ۱۴۴ بوده و هشام نیز زمان این مباحثه علمی، سنی حدود ۱۵ تا ۲۰ سال داشته است (عبدالله نعمة، ۱۴۰۵ق: ۳۹؛ صفائی، ۱۳۵۹: ۱۰).

رحلت هشام بن حکم نیز به گفته مرحوم نجاشی در آخر قرن دوم سال ۱۹۹ است (نجاشی،

۱۴۱۶ق: ۴۳۳)؛ اما از گزارش شیخ صدوق و مرحوم کشی که علت مرگ هشام را ترس از هارون الرشید و متواری شدن او می‌دانند به به طوری که حدود دو ماه پس از متواری شدن از دنیا می‌رود (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۳۶۲-۳۶۸؛ کشی، بی‌تا: ج ۲، ۵۴۲-۵۴۳) با این فرض که مرگ هارون در سال ۱۹۳ واقع شده است، درگذشت هشام بن حکم قبل از سال ۱۹۳ واقع شده است. شیخ کشی از فضل بن شاذان نقل می‌کند که هشام بن حکم در سال ۱۷۹ در کوفه و در زمان حکومت هارون الرشید از دنیا رفت (کشی، بی‌تا: ج ۲، ۵۲۶).

درباره شخصیت هشام بن حکم روایات بسیاری از ائمه علیهم‌السلام وارد شده و او را تأیید کرده‌اند و عالمان رجال نیز به صحت و وثاقت ایشان اعتراف دارند (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۴۳۴؛ کشی، بی‌تا، ج ۲: ۵۳۰؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۹ و ۳۳۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۷ق: ۲۸۸-۲۸۹). ولیکن تبلور شخصیت وی، در سنین نوجوانی برای برخی سنگین آمد و از روی حسادت، اموراتی به او نسبت دادند و حتی روایاتی در مذمت او جعل شد. دشمنان ولایت نیز که زخم خورده قدرت علمی وی بودند به این شایعات و تخریب شخصیت دامن زدند (سیدمرتضی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۸۳-۸۷ و ۹۲-۹۶؛ سیدخوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۳۲۱؛ عبدالله نعمة، ۱۴۰۵ق: ۷۳).

سلیمان بن جعفر جعفری می‌گوید از امام رضا علیه‌السلام درباره شخصیت هشام بن حکم پرسیدم، آن حضرت فرمود:

خدا رحمتش کند بنده خیرخواهی بود؛ اما از جانب اطرافیانش مورد حسادت قرار گرفت و آزار دید (کشی، بی‌تا: ج ۲: ۵۴۷).

آقای عبدالرسول الغفار نیز معتقد است روایاتی که قول به تجسیم را به هشام نسبت می‌دهند، ارتباطی به وی ندارد و دشمنان شیعه در حقیقت می‌خواستند قول به تجسیم را به شیعه نسبت دهند و به خاطر شخصیت ممتاز هشام در میان شیعه با استفاده از سند هشام، آن روایات را جعل کردند (الغفار، ۱۴۱۶ق: ۳۳۷).

### هشام بن حکم الگویی مناسب

بی‌تردید شخصیت برجسته‌ای چون هشام بن حکم یکی از مناسب‌ترین الگوها برای معرفی به جوانان منتظر دنیای امروز است. ابن شهر آشوب در کتاب *معالم‌العلماء* از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که درباره هشام بن حکم فرمود:

هشام کسی است که راهنمای مردم به سوی حق ماست، او کسی است که

رفتارش را با کلام ما تنظیم کرده و راستی و درستی ما را تأیید و تبیین می‌کند، کسی که گفتار و استدلال‌های باطل دشمنان ما را درهم می‌شکند، هرکس از او پیروی کند و کارها و رفتار او را تبعیت کند از ما پیروی کرده و کسی که با او مخالفت کند و حق او را نشناخته و از عیب او بگوید، با ما دشمنی کرده و حق ما را نادیده گرفته است (ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۶۳).

چنین کلامی از معصوم علیه السلام در حق کمتر شخصیتی از اصحاب وارد و در تاریخ ثبت شده است و در این روایت امام شیعیان را موظف به الگوگیری در ابعاد مختلف بویژه در اندیشه و رفتار از امثال هشام بن حکم می‌کند و این نشان از شخصیت درخشان وی برای الگودهی به جوانان است.

شیخ عبدالله نعمة نیز که در رابطه با شخصیت هشام بن حکم کتاب نوشته است، پس از بررسی ویژگی‌های هشام می‌گوید:

ناچاریم بگوئیم که هشام، یک نمونه روشن از عالمی است که این زمانه به آن نیازمند است (عبدالله نعمة، ۱۴۰۵ق: ۷۸).

### جوان و وظیفه زمینه‌سازی

براساس مفهوم و معنای صحیح از انتظار، و عمل دانستن (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۶۴۴) و جهاد دانستن (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۷) آن، منتظران وظیفه زمینه‌سازی برای ظهور و حضور منتظر دارند.

و گشایش دانستن خود انتظار (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۳۲۰) و سخت بودن انتظار (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۶۲۵؛ همو، ۱۳۶۳: ۶۴۵) و وجوب آن (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۳۷۷) که در روایات مطرح شده در این فضا قابل فهم است.

صاحب *مکیال المکارم* واژه انتظار را عبارت از حالت درونی می‌داند که از آن آمادگی برای منتظر پدید می‌آید و مقدار آمادگی را وابسته به شدت انتظار و مقدار محبت به منتظر می‌کند تا آن‌جا که شخص منتظر از خود بیخود شده سر از پا نشناسد و تمامی رنج‌ها را در راه انتظار تحمل نماید (اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲: ۱۷۶-۱۷۷)، دیگران نیز از واژه انتظار؛ حرکت و آمادگی و تلاش در راه رسیدن به آرمان مورد انتظار را برداشت کرده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۵ق، ج ۱۴: ۱۹۰). بنابراین انتظار به معنای برنامه‌ریزی و حرکت و تلاش در راستای زمینه‌سازی

تحقق دولت حق و غلبه آن، خواهد بود.

جوانان به عنوان نیروی پیشران حرکت‌های انقلابی نقش به‌سزایی در این مهم ایفا می‌کنند همان‌گونه که در آغاز شکل‌گیری هسته حرکت اسلامی در مکه جوانان نقش بارزی داشتند و شروع انقلاب اسلامی در ایران نیز با فعالیت جوانان آغاز گردید گرچه امام خمینی رحمته‌الله علیه رهبر انقلاب در آن سال‌ها فردی میانسال محسوب می‌گردید اما با کمک جوانان این حرکت به سر انجام رسید در انقلاب مهدوی نیز مطابق روایات، بیشتر هسته انقلاب را جوانان تشکیل خواهند داد و تعداد پیران انگشت‌شمار و به اندازه سرمه در چشم و نمک در غذا خواهد بود (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۳۲۹-۳۳۰).

## ویژگی‌های مطلوب برای جهاد تبیین در جوان عصر انتظار

### ویژگی‌های فردی

جدا کردن ویژگی‌های فردی از اجتماعی کاری دشوار است زیرا بسیاری از خصوصیات فردی در صحنه اجتماع بروز و ظهور می‌یابد ولی بیان متمایز شاخصه‌های فردی و اجتماعی در حد امکان، به تفکیک مباحث و دسته‌بندی مطالب کمک نموده و شناساندن الگو را آسان‌تر می‌کند.

### ۱. حفظ روحیه حقیقت‌طلبی و شوق به دانستن

عصر غیبت و آخرالزمان دوران اوج گرفتن انحرافات عقیدتی است در روایات به این خطر توجه داده شده است:

امام علی علیه السلام در ترسیم دوران غیبت، آن عصر را زمان هدایت و ضلالت اقوام معرفی می‌فرماید: اصبغ بن نباته می‌گوید خدمت آن حضرت رسیدم دیدم در فکر فرو رفته و به زمین خیره شده با ایشان مزاح کردم و عرض کردم در فکر فرو رفتید و به زمین خیره شدید آیا رغبتی به زمین پیدا کرده‌اید حضرت فرمود نه به خدا قسم نه به زمین و نه به دنیا یک روز هم میل پیدا نکردم ولی در فکر فرزندی هستم که از نسل من به وجود خواهد آمد او یازدهمین از فرزندان من است او همان مهدی‌ای است که زمین را مملو از قسط و عدل خواهد کرد همان‌گونه که از ظلم و ستم مملو شده بود برای او غیبت و سرگردانی است که در آن گروه‌هایی گمراه شده و اقوامی هدایت

خواهند یافت (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۳۸).<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام سختی دینداری در عصر غیبت را به کندن خارهای شاخه خار با کشیدن دست روی آن تشبیه کرده و می‌فرماید:

برای صاحب این امر غیبتی است پس بایستی بنده خدا ترس باشد و محکم دینش را حفظ کند (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۳۵-۳۳۶؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۵۵).<sup>۲</sup>

و یا امام موسی بن جعفر علیه السلام به برادر کوچکترش علی بن جعفر در ترسیم دوران غیبت می‌فرماید:

هنگامی که پنجمین از اولاد هفتمین ناپدید شد خدا را خدا را در نظر داشته باشید درباره دین‌های تان، مواظب باشید کسی شما را از آن جدا نکند ای فرزندم صاحب این امر به ناچار غیبت خواهد کرد تا حدی که کسانی که معتقد به او بودند از این اعتقاد برگردند و این آزمایشی از طرف خداست که خلق را به آن می‌آزماید (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۳۶).<sup>۳</sup>

در دوران غیبت و انتظار که به فرموده روایات، عصر انحرافات عقیدتی است؛ جوانان و نوجوانان که بیشتر در معرض این آسیب هستند اگر درون خود را از آلودگی‌های فکری پاک کرده و در جستجوی حقیقت باشد، خداوند راه هدایت را برای آنها هموار می‌کند؛ زیرا فرموده: و آنان که در راه ما و برای ما اهتمام داشته و مجاهده کنند ما بی‌تردید ایشان را به راه‌های خود هدایت خواهیم کرد (عنکبوت: ۶۹).

در چنین زمانه‌ای نباید اجازه داد که ذهن انبار شبهات شود و تا سؤالی در ذهن ایجاد شد باید هشام‌گونه در پی حل آن بود؛ به ویژه کسانی که تبیین معارف دین را وظیفه خود دانسته

۱. الأصبع بن نباتة قال: أتيت أمير المؤمنين عليه السلام فوجدته متفكرا ينكت في الأرض، فقلت، يا أمير المؤمنين مالي أراك متفكرا تنكت في الأرض، أرغبة منك فيها؟ فقال: لا والله ما رغبت فيها ولا في الدنيا يوما قط ولكني فكرت في مولود يكون من ظهري، الحادي عشر من ولدي، هو المهدي الذي يملأ الأرض عدلا وقسطا كما ملئت جورا وظلما، تكون له غيبة وحيرة، يضل فيها أقوام ويهتدي فيها آخرون.

۲. إن لصاحب هذا الامر غيبة المتمسك فيها بدينه كالخارط للقتاد بدينه. ثم قال: هكذا بيده، فأيكم يمسك شوك القتاد بيده؟ ثم قال: إن لصاحب هذا الامر غيبة فليثق الله عبد وليتمسك بدينه.

۳. علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام قال: إذا فقد الخامس من ولد السابع فأنه الله في أديانكم لا يزيلكم عنها أحد، يا بني إنه لا بد لصاحب هذا الامر من غيبة حتى يرجع عن هذا الامر من كان يقول به، إنما هو محنة من الله عز وجل امتحن بها خلقه.

و آن را جهادی مقدس می‌پندارند نباید در این عرصه منفعل عمل کرده و شبهه زده شوند؛ هشام بن حکم به دلیل روحیه حقیقت‌طلبی و شوق به دانستن از عموی خود تقاضای قرار ملاقات با امام صادق (ع) را می‌نماید وی قبل از این ملاقات نیز در جستجوی حقیقت بوده و به همین دلیل در دام شیادان جبریه گرفتار شده و طرفدار جهم بن صفوان می‌شود؛ اما به دلیل داشتن قلب پاک، خداوند راه هدایت را برای وی هموار کرده و به محضر امام صادق (ع) شرفیاب می‌شود و به خاطر وجودی پاک، از جذبه ملکوتی امام تأثیر می‌پذیرد،<sup>۱</sup> هدایت می‌شود و در زمره یاران پر افتخار ایشان قرار می‌گیرد (کشی، بی‌تا: ج ۲، ۵۲۷-۵۲۹).

شوق دانستن در هشام بن حکم نیز در همین گزارش ملاقات سرنوشت‌ساز قابل دریافت است زیرا وی تقاضای دیدار کرده و این ملاقات‌ها ادامه می‌یابد. وی پاسخ سؤالاتی را که نتوانسته پیدا کند از محضر امام از طریق همین جلسات جویا می‌شود.

هشام بن حکم در کوفه یا بغداد است، ابن ابی العوجاء که به بی دینی شهره دارد، از او می‌پرسد آیا خداوند حکیم است؟ هشام پاسخ می‌دهد: بلکه احکم الحاکمین است؛ ابن ابی العوجاء می‌گوید: خداوند در قرآن فرموده است: پس ازدواج کنید با زنان پاکیزه دو تا یا سه تا و یا چهارتا و اگر نگرانید نتوانید عدالت را برقرار کنید تنها با یک زن ازدواج کنید (نساء: ۳) و در جای دیگر فرموده است: شما هرچه هم تلاش کنید نمی‌توانید عدالت را بین زنان تان برقرار کنید پس مواظب باشید ظلم فراگیر انجام ندهید (نساء: ۱۲۸) و ادامه می‌دهد: کدام حکیم این‌گونه سخن می‌گوید؟ هشام جواب سؤال را نمی‌داند، به مدینه محضر امام صادق (ع) می‌رود. امام به او می‌فرماید: چه شده است که در غیر ایام حج به دیدن ما آمده‌ای؟ می‌گوید: ابن ابی العوجاء پرسشی کرده که ذهن مرا مشغول ساخته است و سؤال را نقل می‌کند؛ امام می‌فرماید جایی که خدا ترغیب به عدالت می‌کند عدالت در نفقه و خرجی بین زنان است و جایی که می‌فرماید هر چند هم تلاش کنید نمی‌توانید عدالت را برقرار کنید عدالت در محبت منظور است، وقتی پاسخ امام را به ابن ابی العوجاء می‌دهد وی می‌گوید: این جواب از خودت نیست (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۵، ۳۶۲-۳۶۳).

نکته مهم در این قضیه آن است که هشام در جستجوی پاسخ یک سؤال قرآنی از کوفه به

۱. فلما بصرت به و قرب مني: هالني منظره وأرعبني حتى بقيت لأجد شيئاً أتفوه به، ولا انطلق لسانی لما أردت من مناطقته.

مدینه می‌رود تا نکند این پرسش و شبهه، باور و اعتمادش به قرآن را سلب نماید.

## ۲. اعتماد به نفس در عین توکل به خدا

اعتماد به نفس در سایه توکل بر خداوند یکی از مهم‌ترین پیشران‌های مؤثر در جریان زندگی و فراز و نشیب‌های ناگزیر آن است و جوانان در عصر انتظار که دوران تلاش و جانفشانی در راه اهداف متعالی امام است به خصلت اعتماد به نفس و توکل به خداوند بیشتر از بقیه اقشار نیازمندند زیرا جوانان نیروی اصلی برای تغییرات مهم اجتماعی به شمار می‌آیند و لازم است به این سلاح مجهز شوند.

یکی از ویژگی‌های هشام بن حکم در برابر مخالفان نیز، داشتن اعتماد به نفس است به گونه‌ای که با وجود سن کم در برابر بزرگان ادیان و مذاهب می‌ایستد و از انحرافات آنها پرده برمی‌دارد، و این خصلت همیشگی هشام از عهد جوانی تا کهنسالی بوده است. گفتگوی او با بزرگانی مانند: عمرو بن عبید رئیس معتزله، عبدالله بن یزید الألباضی رئیس خوارج، ضرار بن عمرو الضبی الغطفانی متبحر در علم کلام، جاثلیق اکبر نصاری و... شاهد این مدعا است که در پی می‌آید.

بریهه، جاثلیق بزرگ نصاری با جمعی از قسیسین و رهبان نزد هشام می‌آیند تا با او مناظره کنند، بریهه می‌گوید با تمام بزرگان اسلام بحث کردم و کسی چیزی برای ارائه نداشت و ای هشام اکنون نزد تو آمده‌ام تا حق را به من بنمایانی، هشام می‌خندد و می‌گوید:

اگر از من انتظار داری مانند مسیح معجزاتی به تو نشان دهم از عهده من خارج است زیرا عیسی مسیح روح پاک و بلندی دارد با نشانه‌های آشکار و پابرجا؛ اما اگر بحث علمی می‌خواهی من آماده‌ام (ابن بابویه، بی‌تا: ۲۷۰-۲۷۵؛ صفائی، ۱۳۵۹: ۹۴).

این کلمات هشام نشان از اعتماد به نفس بالا در رویارویی با بزرگان ادیان و مذاهب دارد. در آن هنگام که یحیی بن خالد برمکی در حضور هارون الرشید خلیفه عباسی، هشام را با پرسش خود غافلگیر می‌کند و می‌پرسد آیا دو نفر که به محکمه می‌روند امکان دارد هر دو بر حق باشند و پاسخ می‌شود: نه بی‌تردید یکی بر باطل است و سپس از نزاع علی (ع) و عباس نزد ابوبکر بر سر میراث از او سوال می‌کنند که کدام حق بودند و کدام باطل؟ هشام می‌گوید: ماندم چه بگویم زیرا تا آن زمان چنین سؤالی از من نشده بود و برای آن جوابی آماده نکرده

بودم، آن هم در حضور هارون، اگر بگویم عباس بر باطل است، هارون الرشید که از نسل عباس است گردنم را خواهد زد و اگر بگویم علی علیه السلام بر باطل است که خلاف اعتقاد است و کافر خواهم شد؛ سپس به یاد کلام امام صادق علیه السلام درباره خودم افتادم که فرموده بود:

ای هشام تا زمانی که با زبانت یاری گر ما باشی مورد تأیید روح القدس خواهی بود و دانستم که خداوند جواب را بر زبان من جاری خواهد ساخت و گفتم هیچ کدام خطا نکردند و نمونه اش در قرآن هست که دو نفر از جانب خداوند برای آزمایش داوود نزد او به عدالت خواهی رفتند آیا هر دو باطل بودند و یا یکی باطل بود با این که هر دو فرشته بودند جواب من در این جا همان جواب شماست! یحیی پاسخ داد: درباره دو ملک، حق و باطلی در میان نبود و فقط می خواستند داوود را متوجه اشتباه قضاوتش کنند؛ هشام جواب داد: امام علی علیه السلام و عباس نیز هیچ کدام بر باطل نبودند و فقط این نقش را بازی کردند تا ابوبکر را متوجه اشتباهش درباره میراث پیامبر صلی الله علیه و آله کنند. هارون الرشید عباسی نیز جواب هشام را پسندید (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق (ب): ۴۹-۵۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق: ج ۲، ۲۴۹؛ دینوری، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ۱۶۶؛ عبدالله نعمة، ۱۴۰۵ق: ۲۲۷).

به گفته خود هشام بن حکم سرچشمه این اعتماد به نفس، خواست و دعای امام در حق اوست؛ امام صادق علیه السلام پس از این که مطلب عمیقی در توحید را برای هشام بیان نمود به او می فرماید:

آیا فهمیدی ای هشام؟ او عرض می کند: بیشتر بفرمائید و حضرت پس از بیان مطلبی دیگر می فرماید: آیا فهمیدی ای هشام، فهمی که با آن مقابله کنی با کسانی که دشمن ما هستند و با مشرکان؟ عرض می کند: بله؛ سپس حضرت دعا فرمودند که خداوند این مطالب را برای تو سودمند قرار دهد و ثبات در دین را به تو عنایت فرماید؛ هشام می گوید: پس از این دعای امام هیچ کس تا این لحظه در مباحث علم توحید مرا شکست نداده و بر من غلبه نکرده است (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۸۷ و ۱۱۴؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۷۲).

### ۳. تواضع و پرهیز از تعصب و لجاجت

یکی از مهم ترین موانع پذیرش حق و هدایت، تعصب و لجاجت است، همان گونه که تواضع

از اسباب بهره‌مندی از معارف است، شخص لجوج و متعصب، خود را از حقیقت زلال معرفت محروم می‌کند و شخص متواضع در برابر حق، از این چشمه سیراب خواهد شد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لجاجة، نظریه و فکر را بی خاصیت می‌کند (سید رضی، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۴۲).<sup>۱</sup>

و در جای دیگر می‌فرماید:

شخص لجوج در هیچ موردی صاحب نظر نخواهد شد (لیثی واسطی، بی‌تا:

۴۱).<sup>۲</sup>

قشر جوان به خاطر خامی و کم‌تجربگی بیشتر در معرض لجاجة و تعصّب است و لجاجة و تعصّب راه را بر هدایت و تعقل او می‌بندند. و گاهی اوقات انسان را در مقابل حق قرار می‌دهد. و در عصر غیبت که زمان اوج‌گیری خطرات اعتقادی است، معرفت به حق ضرورت بیشتری دارد و شاید به همین خاطر است که امام صادق علیه السلام در توصیه به زراره می‌فرماید اگر زمان غیبت را درک کردی این دعا (دعای معرفت) را بخوان:

اللهم عرفني نفسك، فإنك إن لم تعرفني نفسك لم أعرف نبيك، اللهم عرفني رسولك، فإنك إن لم تعرفني رسولك لم أعرف حجتك، اللهم عرفني حجتك، فإنك إن لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۳۷؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۳۴۲-۳۴۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۱-۴۱۲).

در جهاد تبیین اولین قدم این است که مبیین خود هدایت شده و راه بلد باشد و حق برای خودش روشن باشد تا بتواند حقانیت آن را برای دیگران تبیین کند و تا در برابر حق تواضع نکند و از تعصّب و لجاجة فاصله نگیرد به سرچشمه زلال حقیقت راهی پیدا نمی‌کند.

هشام بن حکم نیز با دوری جستن از تعصّب و لجاجة راه هدایت را پیدا کرد وی با این که در مسیر انحراف قرار داشت؛ و جذب افکار جبریه شده بود اما به محض پی بردن به حقیقت و حقانیت امر اهل بیت علیهم السلام در برابر آن مقاومت نکرده و تسلیم شد.

امام صادق علیه السلام در اولین ملاقات با هشام بن حکم، با یک پرسش، اساس اعتقاد جبری او را درهم می‌ریزد. وی نیز پس از چند روز تحیّر، از عقیده باطل خود دست برداشته و بدون

۱. اللجاجة تسهل الرأي.

۲. اللجوج لا رأي له.

تعصب کلام حق را می‌پذیرد (کشی، بی‌تا: ج ۲، ۵۲۸-۵۲۹). با این‌که تا پیش از آن از مدافعان عقیده باطل بود و چنین اشخاصی کمتر در برابر نظر مخالف خود کرنش خواهند کرد. وی راه دفاع از حق اهل بیت علیهم‌السلام را پی می‌گیرد و برای خود شأن و جایگاهی قائل نیست و حاضر است به صورت ناشناس در مجالس علمی شرکت کرده و از حریم ولایت دفاع کند. وقتی امام صادق علیه‌السلام از او می‌خواهد که داستان مجلس عمرو بن عبید را بازگو کند او با شرمندگی عرض می‌کند که من از شما حیا می‌کنم و در برابر عظمت شما نمی‌توانم کلمه‌ای از توان و نبوغ خود بگویم و وقتی امام به او امر می‌فرمایند، لب به سخن گشوده و ماجرا را نقل می‌کند. و در پاسخ پرسش امام که این روش استدلال را از کجا آموختی؟ هشام می‌گوید: اصل و ریشه را از شما یاد گرفتم و آن را پرورش دادم (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۶۹-۱۷۱؛ کشی، بی‌تا: ج ۲، ۵۴۹-۵۵۰؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۱۲۸).

زمخشری می‌گوید:

شخصی نزد هشام از او تعریف می‌کند و می‌گوید: تو عالم‌ترین مردم به علم کلامی؛ هشام به این تعریف فریفته نشده و از او می‌پرسد بر چه اساسی این حرف را می‌زنی در حالی که با من گفتگوی علمی نداشته‌ای؟ پاسخ می‌دهد: تمام افراد ماهر در کلام ادعا می‌کنند با تو مناظره کرده و بر تو پیروز شده‌اند اگر تو چنین جایگاهی نداشتی آنها به پیروزی خیالی بر تو افتخار نمی‌کردند (زمخشری، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۱۸).

#### ۴. شجاعت حق‌گویی و صراحت لهجه

یکی از ویژگی‌های تبیین‌گر، که تأثیر بسیاری بر موفقیت جهاد تبیین دارد شجاعت حق‌گویی و صراحت لهجه است؛

امام امیر المؤمنین علیه‌السلام در حکمتی می‌فرمایند:

زیان‌کارترین کردم کسی است که توان گفتن حق را دارد اما از گفتن آن اجتناب می‌کند (لیثی واسطی، بی‌تا: ۱۱۶).

و در جای دیگر سکوت از حق و نگفتن حق را هم‌ردیف کلام باطل و بی‌خیر معرفی می‌فرمایند (همان: ۵۴۲).<sup>۱</sup>

۱. لا خیر فی السکوت عن الحق کما أنه لا خیر فی القول الباطل.

شخص ترسو و بزدل یا توان بیان حق را ندارد و یا آن را چنان در لفافه و گنگ بیان می‌کند که نه تنها تبیینی صورت نمی‌گیرد بلکه بر خفا و ابهام حق می‌افزاید.

در حکمت‌های منتسب به امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده که: حق روشن‌ترین و واضح‌ترین راه است (همان: ۱۹)؛ وقتی این‌گونه است پس بایسته است به روشن‌ترین روش نیز آن را بیان کرد. در حکمتی دیگر آن حضرت می‌فرماید: حق شمشیر برنده است (همان: ۲۴) و این بزدلی حق در صورتی است که صریح و بدون پیچیدگی بیان گردد.

هشام بن حکم نیز از ویژگی صراحت لهجه و شجاعت در حق‌گویی برخوردار است، از هشام می‌پرسند آیا معاویه جزو بدریون است و در جنگ بدر شرکت کرده است؟<sup>۱</sup> جواب می‌دهد بله؛ اما از آن طرف؛ یعنی جزء کسانی است که در جنگ بدر حاضر بود؛ اما جزء سربازان لشکر شرک و کفر بوده است (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۹) و یا هنگامی که دوست و شریک تجاری او، عبدالله بن یزید اباضی<sup>۲</sup> از دخترش خواستگاری می‌کند پاسخ می‌دهد: دختر من مؤمنه است، یعنی تو با عقیده انحرافی که داری، همتا و کفو دختر من نیستی و به همین خاطر عبدالله تا زنده است دیگر در این باره سخنی نمی‌گوید (مسعودی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۱۹۴؛ عبدالله نعمة، ۱۴۰۵ق: ۱۰۸).

در مناظره‌ای درباره فضیلت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر ابوبکر هنگامی که فضیلت همراهی ابوبکر در غار را رد می‌کند، فضائل امام علی (علیه السلام) را که ابوبکر در آن شراکتی ندارد یکی یکی می‌شمارد و در همان مجلس به صورت صریح و شجاعانه به شش فضیلت آن حضرت اشاره می‌کند، هارون که مخفیانه در حال شنیدن است عصبانی شده و شروع به ناسزاگویی می‌کند و می‌گوید به خدا قسم تصمیم دارم او را کشته و با آتش بسوزانم (مفید، ۱۴۱۴ق (الف): ۹۶-۹۸).

## ویژگی‌های اجتماعی

### الف) در رابطه با ولایت و رهبری

جامعه دینی در صورتی می‌تواند مسیر هدایت را بدون انحراف طی کند که بر مدار رهبر الهی حرکت نماید این رهبر در زمان حضور معصوم (علیه السلام)، شخص امام است و هر کس دیگری در عرض امام، غاصب محسوب می‌گردد و اما در عصر غیبت کبری، فقهاء عادل به نصب عام از

۱. در عرف آن زمان جزو بدریون بودن یک فرد دلالت بر مسلمان واقعی بودن او می‌کرده زیرا در زمان غربت اسلام، دین را یاری کرده است.

۲. فرقه اباضیه پیروان افکار عبدالله بن یحیی الأباذی و یکی از شاخه‌های خوارج است (شهرستانی، بی‌تا: ۱۳۴).

جانب امام این وظیفه را بر عهده دارند؛ و ایشان از طرف امام حجت بر مؤمنان هستند و مؤمنان نیز وظیفه دارند تا هنگامی که فقهاء بر مدار دین حرکت کنند ایشان را الگوی حرکت خود قرار دهند؛ جهادگر عرصه تبیین نیز که وظیفه تبلیغ معارف اسلام ناب را دارد در صورتی از انحراف و خطا در امان است که بر مدار ولایت و رهبری حرکت نماید.

#### ۱. دغدغه‌مندی نسبت به ولایت و هدایت جامعه به سوی امام

جایگاه رهبری در جبهه حق اهمیت ویژه دارد، اگر جامعه حق طلب، رهبر مناسبی نداشته باشد، خروش بر علیه ظلم یا به انحراف کشیده شده و یا تداوم ندارد؛ این رهبر است که با هدایت حرکت جامعه آن را اثربخش می‌گرداند، در جهاد تبیین نیز یکی از موضوعاتی که بایسته است مورد کار جدی قرار گیرد جایگاه رهبر عادل و نقش آن در پیشبرد جبهه حق است، در زمان حضور امام باید جامعه را به سوی امام راهنمایی کرد و در زمان غیبت علاوه بر شناساندن امام غایب و ایجاد تشنگی نسبت به ایشان در جامعه و زمینه‌سازی ظهور، باید جایگاه ولی فقیه عادل را شناساند و مردم را به سوی ایشان راهنمایی کرد.

هشام بن حکم که در زمان حضور امامان معصوم علیهم‌السلام زندگی می‌کند در راه دفاع از حریم امامت، شب و روز و جمعه و شنبه نمی‌شناسد و با تمام توان به مقابله با انحرافات حوزه امامت برمی‌خیزد.

وی وقتی می‌شنود عمرو بن عبید در شهر بصره بر منبر می‌رود و بر علیه موضوع امامت سخنرانی می‌نماید؛ غیرت دینی‌اش به جوش آمده وظیفه خود می‌داند که فاصله ۱۷۰ کیلومتری بین کوفه تا بصره را با سختی‌های فراوان سفر در آن زمان، در چند روز پیموده و روز جمعه در مجلس وی حاضر شود و پاسخ کلمات نادرست او را بدهد و به‌گونه‌ای محترمانه در برابر او بایستد. و با تمثیل جایگاه امام در جامعه به نقش قلب در بدن او را محکوم سازد، عمرو بن عبید که از بزرگان آن روزگار است پس از شناختن هشام از منبر پائین می‌آید و وی را به جای خود می‌نشاند و در حضور او نمی‌تواند کلمه‌ای بر زبان بیاورد (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۶۹-۱۷۱؛ کشی، بی‌تا: ج ۲، ۵۴۹-۵۵۰؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۱۲۸).

هشام بن حکم ناراحتی خود را از غصب خلافت در مواد متعدد ابراز می‌کند می‌گوید:

من کسی را مثل مخالفان اهل بیت علیهم‌السلام ندیدم؛ آنها کسی را که خدا از آسمان حکم ولایتش را تأیید و امضاء نموده است کنار می‌زنند و ولایتش را نمی‌پذیرند و برعکس کسی را که خداوند از آسمان حکم عزل او را صادر

کرده است به ولایت و خلافت منصوب می‌کنند سپس داستان خواندن سوره براءت توسط امام علی علیه السلام و گرفتن این مأموریت از ابوبکر را نقل می‌کند (ابن ندیم بغدادی، بی‌تا: ۲۲۴، پاورقی ۱؛ تستری، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۵۲۲؛ عبدالله نعمة، ۴۰۵ق: ۱۰۸).

هشام در راه دفاع از ولایت، به گونه‌ای موفق عمل می‌کند که امام صادق علیه السلام پس از مباحثه هشام با متکلم و فقیه شامی، در حضور اصحاب، هشام را در کنار خود می‌نشانند و می‌فرماید: هشام یاری‌گر ما با قلب، زبان و دست است (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۷۱-۱۷۳).

ابوهشام جعفری از امام جواد علیه السلام درباره شخصیت هشام بن حکم سؤال می‌کند حضرت می‌فرماید:

خداوند رحمتش کند چه بسیار از ولایت ما دفاع کرد (کشی، بی‌تا: ج ۲، ۵۶۰؛ سید خوئی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۰، ۳۱۳).

هارون الرشید خلیفه عباسی وقتی مناظره جانانه او را (به صورت مخفیانه) با مخالفان امامت می‌شنود می‌گوید:

تا چنین شخصی زنده است، حکومت من یک ساعت هم باقی نخواهد ماند به خدا قسم زبان او در دل مردم اثرگذارتر از صد هزار شمشیر است (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۳۶۸).

سرانجام هشام در دفاع از حق اهل بیت علیهم السلام تا آن جا پیش می‌رود که مورد غضب هارون الرشید قرار گرفته و از ترس متواری می‌شود و در غربت جان می‌سپارد (کشی، بی‌تا: ج ۲، ۵۴۳-۵۴۲).

## ۲. ارتباط خاص با امام و گرفتن معارف از سرچشمه

جوان منتظر گرچه در عصر غیبت امام و عدم دسترسی به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه قرار دارد؛ اما بر این باور است که امام به او توجه دارد، تلاش او را می‌بیند و از فعال بودن وی خشنود می‌گردد، او نیز باید سعی کند تا از مسیر هدایت منحرف نشده و در راستای جهاد تبیین هر جا درمانده شد به سراغ معارف ناب قرآن و سنت و سرچشمه علوم اهل بیت علیهم السلام برود.

یعقوب سراج از ضرورت وجود امام در جامعه از امام صادق علیه السلام می‌پرسد، آن حضرت در بیان ضرورت، به مرجعیت امام در بیان حلال و حرام اشاره کرده و شاهد آن را از قرآن آیه

شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰) بیان کرده و می‌فرمایند:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر کنید بر دین‌تان و همدیگر را توصیه به صبر کنید (صبر جمعی داشته باشید) در برابر دشمنانی که با شما مخالفند و ارتباط با امام داشته باشید و از او محافظت کنید (عیاشی، بی‌تا: ج ۱، ۲۱۲-۲۱۳).

و در روایت دیگری (رابطوا) را به پایداری و مقاومت همراه امام تفسیر می‌نماید (همان: ۲۱۳).

برید بن معاویه عجلی نیز از امام باقر علیه السلام از تفسیر همین آیه می‌پرسد حضرت پاسخ می‌دهد صبر کنید بر انجام واجبات و همدیگر را توصیه به صبر نمائید در مقاومت در برابر دشمنان و ارتباط داشته باشید و مراقبت کنید از حریم امام منتظر (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۳۴). بنابراین روایات یکی از توصیه‌های مهم خداوند در قرآن حفظ ارتباط با امام و ملازمت با اهداف امام است.

هشام بن حکم در ارتباط خاص با امام تا آن‌جا پیش می‌رود که شیخ طوسی ایشان را از نزدیکان و خواص امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌شمارد (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۸). شیخ کلینی نیز نقل می‌کند که شخصی از شام برای مباحثه علمی با امام صادق علیه السلام به مدینه می‌آید و مدعی داشتن دانش کلام و فقه می‌شود امام نیز پس از گفتگوی کوتاهی با وی، او را محکوم کرده و برای بحث بیشتر به شاگردانش می‌سپارد؛ اما گویا امام، انتظار دیدن کسی را می‌کشد، سیاهی شتر و سواری از دور نمایان می‌شود. امام می‌فرماید: به خدای کعبه این هشام است؛ یونس بن یعقوب می‌گوید ما خیال کردیم هشام یکی از فرزندان عقیل است که امام این‌گونه واکنش نشان می‌دهد وقتی وارد شد دیدیم نوجوانی است که تازه محاسنش روئیده است؛ امام برای او جا باز کرد و او را کنار خود نشاند و فرمود: هشام یاری‌گر ما با قلب و زبان و دست است (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۷۱-۱۷۲).

این برخورد امام هنگام دیدن هشام بن حکم و اظهار خوشحالی، نشان از رابطه عمیق بین هشام بن حکم و امام صادق علیه السلام دارد.

در مباحثه‌ای که با عمرو بن عبید رئیس معتزله دارد و برای اثبات امامت به ارتباط اعضا و

جوارح با قلب و نیازمندی آنها به قلب مثال می‌زند امام پس از شنیدن داستان از هشام بن حکم و تأیید او می‌فرماید: این استدلال را از کجا آموختی؟ هشام می‌گوید: اصل و ریشه استدلال را از شما یاد گرفتم و آن را پرورش دادم (همان: ۱۶۹-۱۷۱) در موارد متعددی نیز که در پاسخ معاندان با مشکل مواجه می‌شود برای پرسیدن راه حل نزد امام می‌آید تا علم را از سرچشمه زلال آن بگیرد.

هشام در پی پرسش ابن ابی العوجاء که تعارض دو آیه از قرآن را مطرح کرده و آن را دور از حکمت الهی می‌پندارد؛ به مدینه نزد امام صادق (ع) می‌رود. امام به او می‌فرماید: چطور شده در غیر ایام حج آمده‌ای؟ می‌گوید: پرسشی ابن ابی العوجاء کرده که ذهن مرا مشغول کرده و سؤال را نقل می‌کند؛ امام نیز جواب را به او می‌دهد و وقتی پاسخ امام را به ابن ابی العوجاء می‌دهد می‌گوید این جواب از خودت نیست (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۵، ۳۶۲-۳۶۳).

### ۳. کسب تخصص در مباحث امامت

یکی از پیش‌نیازها برای موفقیت در جهاد تبیین، علم و آگاهی نسبت به موضوعی است که در صدد تبیین آن هستیم؛ امام علی (ع) در بیان جایگاه علم فرمودند علم قدرت و سلطه است کسی که آن را یافته باشد با آن مسلط شده و غلبه خواهد کرد و هر کس از آن بی‌بهره باشد مغلوب و مقهور خواهد شد (ابن ابی الحدید، بی‌تا: ج ۲، ۳۱۹) در بیان جایگاه امامت و دفاع از امام نیز کسب تخصص در مباحث امامت لازم است به گونه‌ای که بتوان علاوه بر تبیین صحیح و جامع آن، پاسخگوی سؤالات و شبهات این حوزه هم بود.

هشام بن حکم وقتی که مهم‌ترین مشکل جهان اسلام را انحراف از مسیر امامت می‌داند و در جامعه‌ای زندگی می‌کند که بیشترین شبهات و حمله‌ها بر علیه امامت است در پی کسب تخصص در مباحث کلامی و اعتقادی به‌ویژه بحث در امامت است و به گفته بسیاری از تاریخ‌نویسان در این فن، متبحر و خبره می‌شود.

ابن ندیم بغدادی می‌نویسد:

هشام بن حکم از متکلمان شیعه است و کسی است که علم کلام را در بخش امامت شکافته و تا عمق آن پیشروی کرده و معارف مذهب شیعه را در امامت با استدلالات عقلی محکم و خالص گردانیده و مهارت خاصی در علم کلام به همراه حاضر جوابی داشته است (ابن ندیم بغدادی، بی‌تا: ۲۲۳).

روایاتی که توسط هشام بن حکم نقل شده و یا او در سلسله سند آن روایات آمده ۱۶۷ مورد است (سید خوئی، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۲۲) و بیشتر این روایات در موضوع امامت و ولایت ائمه علیهم‌السلام است.

همچنین هشام بن حکم حدود ۳۰ کتاب تألیف نموده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۴۳۳؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۸-۲۵۹؛ ابن ندیم بغدادی، بی تا: ۲۲۴؛ عبدالله نعمه، ۱۴۰۵ق: ۱۲۱-۱۲۲) که مقدار زیادی از آنها در علم کلام و تخصص امامت است. مانند: ۱. الإمامة؛ ۲. التدبیر فی الإمامة؛ ۳. الرد علی من قال بإمامة المفضول؛ ۴. اختلاف الناس فی التوحید و الإمامة؛ ۵. المجالس فی الإمامة؛ ۶. الوصیة و الرد علی منکریهها؛ ۷. المیزان؛ ۸. الميدان؛ ۹. الحکمین؛ ۱۰. المعرفة؛ ۱۱. الرد علی المعتزلة فی أمر طلحة و الزبیر (همان) اشاره کرد.

#### ب) در رابطه با شیعیان و توده مردم

##### ۱. کسب جایگاه اجتماعی

یکی از مؤلفه‌های مهم در جهاد تبیین، داشتن مخاطب است، اگرچه این جهاد از تبیین فرد شروع می‌شود اما برای پر اثر کردن آن لازم است به صحنه اجتماع کشیده شود، و تا شخص جایگاه اجتماعی مناسبی نداشته باشد از فراوانی مخاطب برخوردار نخواهد شد؛ امروزه کسانی توانایی مدیریت افکار جامعه را دارند که طرفداران و دنبال‌کنندگان بیشتری داشته باشند.

هشام بن حکم در بین شیعیان جایگاه اجتماعی خوبی داشت و در جوانی از بزرگان اصحاب امام صادق علیه‌السلام به شمار می‌رفت (مفید، ۱۴۱۴ق (ب): ۵۲).

یحیی بن خالد برمکی وقتی می‌خواهد مجلس بحثی بین ضرار بن عمرو ضبی و هشام بن حکم برگزار کند برای هشام از تعبیر رکن الشیعه استفاده می‌کند یعنی کسی که ستون محکم برای شیعیان است (همان: ۲۸).

به گفته مرحوم کشی، هشام بن حکم در همان اوائل پیوستن به جلسات علمی امام صادق علیه‌السلام در عنفوان جوانی برتری خود را بر تمامی اصحاب آن حضرت به اثبات رساند (کشی، بی تا: ج ۲، ۵۲۹).

شخصی به عنوان تعریف از هشام به او می‌گوید:

تو عالم‌ترین مردم به علم کلامی؛ هشام از او می‌پرسد بر چه اساسی این حرف را می‌زنی در حالی که با من گفتگوی علمی نداشته‌ای؟ پاسخ می‌دهد: تمام افراد ماهر در کلام ادعا می‌کنند با تو مناظره کرده و بر تو پیروز شده‌اند

و به این پیروزی افتخار می‌کنند من از این جا فهمیدم که تو بزرگ‌ترین عالم علم کلام و عقاید هستی و گرنه همه به پیروزی خیالی بر تو افتخار نمی‌کردند (زمخشری، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۱۸).

## ۲. ایجاد دغدغه در طالبان هدایت و دعوت شیفتگان به سوی امام

یکی از وظایف جهادگر تبیین، جذب فردی و ایجاد تشنگی و عطش در طالبان هدایت است، زیرا تا کسی تشنه نباشد و خود را نیازمند و مضطر به هدایت نداند هر چه شما تلاش کنید یا جذبی صورت نمی‌گیرد و یا جذبی ناقص و با انگیزه‌های مادی صورت گرفته که با اندک بهانه‌ای از راه هدایت فاصله می‌گیرد.

هشام در گفتگویی که با بریهة جاثلیق نصاری در بغداد دارد پس از اثبات حقانیت اسلام و غلبه بر بریهة و ایجاد عطش در او وی را با مفهوم امامت آشنا کرده و با هم به طرف مدینه برای ملاقات با امام صادق علیه السلام حرکت می‌کنند؛ در مدینه موسی بن جعفر علیه السلام (جوان) را ملاقات می‌کنند و هشام بن حکم، داستان بریهة را نقل می‌کند. آن حضرت از علم بریهه به انجیل می‌پرسد و سپس آیاتی از انجیل را تلاوت می‌کند بریهة می‌گوید به خدا قسم عیسی هم همین‌گونه تلاوت می‌کرد. من سالیان طولانی دنبال چنین شخصی بودم، وقتی هم به ملاقات امام صادق علیه السلام می‌رود از چگونگی علم این خاندان به کتب آسمانی می‌پرسد و پاسخ خود را می‌گیرد. وی تا لحظه شهادت امام صادق علیه السلام ملازم آن حضرت است و پس از آن در رکاب امام موسی بن جعفر علیه السلام قرار می‌گیرد و در زمان موسی بن جعفر علیه السلام از دنیا می‌رود، خود امام بریهه را تجهیز و دفن می‌کند و می‌فرماید او یکی از حواریون عیسی مسیح علیه السلام بود که حق خدا را بر خودش شناخت و هدایت یافت؛ هشام که خود واسطه هدایت بریهه به ولایت ائمه علیهم السلام است می‌گوید:

پس از این کلام امام درباره بریهة، هرکدام از ما آرزو می‌کردیم که ای کاش به جای بریهة بودیم (ابن بابویه، بی تا: ۲۷۰-۲۷۵؛ صفائی، ۱۳۵۹: ۹۴).

## ۳. ایجاد تشکّل و حلقه‌های معرفتی و جذب توده‌ها

یکی از وظایف جهادگر تبیینی که دارای جایگاه اجتماعی است و با چشم‌داشت به مرحله جذب فردی از آن فراتر رفته و به جذب اجتماعی و گروهی رسیده، تشکیل حلقه‌های معرفتی و کار منسجم تشکیلاتی است.

حضرت عیسیٰ علیه السلام وقتی که نشانه‌های کفر را در جامعه می‌بیند به فکر ایجاد هسته هدایت می‌افتد قرآن می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ حُخْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ أَمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران: ۵۲).

این حلقه‌های معرفتی اگر به صورت درست تشکیل شود کارکرد مؤثرتری از تبلیغ فردی دارد تشکیل این حلقه‌ها و تداوم آن نیازمند روحیه جذب و تحمل بالا و ایجاد حس برادری در بین افراد و حفظ مداوم این رابطه است.

در گزارش دیدار هشام بن حکم با بریهه، جاثلیق اعظم نصاری نیز آمده است؛ بریهه، زمانی بر هشام وارد شد که وی در دکان و محل تجارتش در حال تعلیم قرآن به توده مردم بوده است (ابن بابویه، بی‌تا: ۲۷۰-۲۷۵؛ صفائی، ۱۳۵۹: ۹۴) این نشان‌دهنده روحیه شاگردپروری و توجه هشام به حلقه‌های معرفتی برای تعلیم دین و معارف قرآن است.

هشام بن حکم یک استاد تمام عیار است برای همین روحیه پرورش شاگردان است که امام صادق علیه السلام شخص شامی بی‌خبر از خدا و دین، که پس از بحث علمی با امام، اقرار به وجود خدا کرده و مسلمان می‌شود و تقاضای شاگردی امام را دارد؛ به هشام بن حکم می‌سپارد و هشام را برای استادی او انتخاب می‌کند. این شخص بر اثر تعلیمات هشام تا آن جا رشد می‌کند که خودش معلم اهل شام و مصر می‌شود و امام هم از نتیجه کار وی، اظهار رضایت می‌کند (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۷۲-۷۴؛ طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۷۴).

علی بن منصور و أبو مالک حضرمی می‌گویند ما پس از شهادت امام صادق علیه السلام نیز شامی را نزد هشام دیدیم. شامی وقتی به ملاقات هشام می‌رفت از هدایای شام برای هشام می‌برد و هشام هم از سوغاتی‌های کوفه به او می‌داد (کشی، بی‌تا، ج ۲: ۵۶۰) و این نکته نیز می‌رساند که هشام شاگرد خود را پس از تعلیم رها نکرده و این ارتباط را ادامه داده است.

### ج) در رابطه با مخالفان و دشمنان

#### ۱. مخاطب‌شناسی و رعایت جوانب تقیه

در جهاد تبیین لازم است که بر اساس سطح و رتبه مخاطب سخن گفت و در جهت انتقال معارف، رتبه و درجه او را سنجید سپس مطابق دستگاه هاضمه معرفتی او مطالب را انتقال داد؛ در تبلیغ رسالت الهی توسط پیامبران نیز به این قانون اهمیت داده شده است پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

فرموده:

ما گروه پیامبران با مردم براساس عقل‌شان و ظرفیت وجودیان سخن می‌گوئیم (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۳؛ برقی، ۱۳۷۰: ج ۱، ۱۹۵).

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ‌گاه با بندگان با مقتضای عمق عقل خود سخن نفرمود (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۳).

گاهی اوقات رعایت نکردن این نکته مهم در انتقال معارف به افراد کم ظرفیت موجب ایجاد دشمنی با دین و اهل بیت علیهم السلام خواهد شد؛ یاران امام صادق علیه السلام گرد ایشان جمع شده بودند، حضرت فرمودند: با مردم سخن بگویید مطابق آنچه که با آن آشنا هستند و چیزی را که قبول ندارند به آنها نگوئید آیا می‌پسندید خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله فحش بخورند؟ پرسیدند: چگونه فحش می‌خورند؟ فرمود: برای مردم از دین چیزی را می‌گویید که برایشان باورپذیر نیست و می‌گویند خداوند گوینده این کلام را لعنت کند و چه بسا آن کلام را خدا و رسول صلی الله علیه و آله فرموده باشد (قاضی نعمان مغربی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۶۰). پس بایستی در جهاد تبیین هم حد خودی را شناخت و بیش از ظرفیتش با او سخن نگفت و هم دشمن را شناخت و اسرار را در اختیار او قرار نداد و یکی از مصادیق تقیه، حفظ اسرار و جلوگیری از به تاراج رفتن آن است.

تقیه در لغت از ریشه وقی به معنای حفظ و صیانت است (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۶، ۲۵۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ج ۵، ۵۳۰؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۵، ۴۰۱-۴۰۲؛ فیومی، بی-تا: ج ۲، ۶۶۹؛ فیروزآبادی، بی-تا: ج ۴، ۴۰۱؛ طریحی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۴۵۳؛ مصطفوی، ۱۴۱۷: ج ۱۳، ۱۸۳-۱۸۴) و اصل در آن دفاع از چیزی به غیر آن است (ابن فارس زکریا، ۱۴۰۴: ج ۶، ۱۳۱).

و در اصطلاح و فرهنگ شیعه به معنای پنهان نمودن عقاید و اعمال در هنگام برخورد با مخالفان بوده و یکی از اصول تاکتیکی مذهب شیعه است، شخص با سیاست تقیه، هم جان خود و سایر یاران را حفظ می‌کند و هم به صورت نهانی پیشرفت اهداف دین را پی می‌گیرد از سوی دیگر در دل دشمن نیز نفوذ کرده و آن را از درون متلاشی می‌سازد.

این عقیده هم مورد تأکید قرآن (آل عمران: ۲۸) است و هم روایات بسیاری آن را لازم دانسته‌اند.

امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: تقیه از دین خداست و کسی که مراعات تقیه

را نمی کند دین ندارد، به خدا قسم اگر تقیه نبود، در هنگام دولت ابلیس در زمین، خداوند پرستیده نمی شد (هلالی، ۱۴۰۵ ق: ج ۲، ۸۹۵-۸۹۶)؛ هشام بن حکم به این امر مقید بود.

هشام بن حکم نیز از این تاکتیک تقیه به خوبی بهره برده است شیخ صدوق نقل می کند که یحیی بن خالد برمکی یک جلسه علمی مداوم تشکیل داده بود و بزرگان کلام ادیان و مذاهب را دعوت می کرد، یک روز هارون الرشید به او گفت؛ این چه جلسه ای است؟ دوست دارم به صورت ناشناس در آن شرکت کنم، معتزله از این مطلب آگاه شدند و قرار گذاشتند درباره امامت با هشام بن حکم بحث کنند و جایگاه وی را در خطر اندازند چون عقیده واقعی هارون الرشید را می دانستند. بحث در امامت پی گرفته شد و هشام ویژگی های هشت گانه امام را شمارش کرد. شخصی به نام ضرار، از هشام پرسید؛ کسی که الان در زمان ما این ویژگی ها را داشته باشد کیست؟ هشام با رعایت جوانب تقیه گفت: صاحب قصر، امیرالمؤمنین است. هارون الرشید که همراه جعفر بن خالد برمکی این گفتگو را از پشت پرده می شنید از جعفر پرسید منظور واقعی او کیست؟ جعفر جواب داد؛ مرادش موسی بن جعفر است، هارون عصبانی شده و گفت؛ چنین شخصی زنده است و سلطنت من یک ساعت دیگر ادامه داشته باشد؟ به خدا قسم اثر زبان این مرد، در قلب مردم از صد هزار شمشیر بیشتر است و قبل از این که هارون وارد مجلس شود، یحیی بن خالد، هشام را از آن مجلس فراری داد (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۳۶۲-۳۶۸).

در جلسه ای دیگر یحیی بن خالد برمکی در حضور هارون الرشید خلیفه عباسی، هشام را با پرسش خود غافلگیر کرده و می پرسد آیا دو نفر که به محکمه می روند امکان دارد هر دو بر حق باشند و پاسخ می شنود بی تردید یکی بر باطل است؛ سپس می پرسد علی و عباس که نزد ابوبکر بر سر میراث نزاع کردند، کدام بر حق بودند و کدام باطل؟ هشام با زیرکی و رعایت تقیه پاسخ می دهد هیچ کدام خطا نکردند و نمونه ای از قرآن برایش مثال می آورد که دو فرشته از جانب خداوند برای آزمایش داوود نزد او به عدالت خواهی رفتند که فقط می خواستند داوود را متوجه اشتباه قضاوتش کنند؛ هشام جواب داد: امام علی (ع) و عباس نیز هیچ کدام بر باطل نبودند و فقط این نقش را بازی کردند تا ابوبکر را متوجه اشتباهش درباره میراث پیامبر (ص) کنند. هارون الرشید عباسی نیز جواب هشام را پسندید (شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق: (ب) ۴۹-۵۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ ق: ج ۲، ۲۴۹؛ دینوری، ۱۴۲۴ ق: ج ۲، ۱۶۶؛ عبدالله نعمة، ۱۴۰۵ ق: ۲۲۷).

## ۲. ایجاد رعب در دل دشمنان

یکی از ضعف هایی که دشمن به خوبی از آن بهره گرفته و باورها را تغییر می دهد، جهل و

نادانی در جبهه حق است، جبهه باطل علاوه بر استفاده از این ضعف در تکثیر آن نیز می‌کوشد و به گونه‌ای کار را پیش می‌برد که شخص جاهل تنها کلام و رسانه دشمن را دلسوز و راستگو بیندارد، در جهاد تبیین علاوه بر آگاهی دادن، و زدودن ابهامات، قطع ارتباط جاهل با رسانه دشمن نیز اهمیت دارد و این مهم در دو ساحت قطع ارتباط فیزیکی و از بین بردن پیوند عاطفی و حبی میان جاهل و دشمنان است، اگر در جهاد تبیین آگاهی دادن و برطرف کردن جهالت با ایجاد جاذبه در معارف حقه توأمان گردد؛ چنین تبیینی برای دشمنان رعب‌آور خواهد بود، و دشمنان تاب تحمل چنین تبیینی را ندارند.

هشام بن حکم در مناظراتش از الگوهای جذاب تبیینی بهره می‌گیرد؛ و با کلام خویش دشمنان را مرعوب می‌سازد به گفته شیخ طوسی هشام بن حکم جلسات بحث فراوانی با مخالفان شیعه در مباحث اصول دین و غیر آن داشته است (شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۸) و بر همه آنها غلبه نموده است (صدر، بی‌تا: ۶۸) او در آن گفتگوها از روش نوین بحث علمی بهره گرفته است و به گفته شهرستانی سزاوار نیست که از بحث‌های متین و مستدلی که با معتزله داشته، غفلت کرد (شهرستانی، بی‌تا، ج: ۱، ۱۸۵). روش‌شناسی هشام بن حکم در مناظرات علمی، قابلیت پردازش به صورت یک مقاله مستقل را دارد که مجال دیگری را می‌طلبد ولیکن با تأمل در مناظراتی که با اهل ملل و ادیان و مذاهب داشته است، می‌توان روش‌های زیر را به صورت اجمال برشمرد و توضیح مفصل آن باشد در فرصت و بحثی دیگر.

۱. توان فکری و مدیریت و برنامه‌ریزی بحث علمی؛

۲. استفاده از عناصر موجود در مباحثه؛

۳. دقت و قدرت تحلیل و برداشت صحیح؛

۴. غور در منابع و استفاده هماهنگ از عقل و نقل؛

۵. واگذاری بحث به خصم برای اعتراف‌گیری؛

۶. بهره‌گیری از مثال و نمونه‌های ملموس و محسوس؛

در مباحثه علمی با عمرو بن عبید که عالم بزرگ اهل سنت با سن بالا بوده، پس از استدلال در امامت و پیروزی در بحث با او، با تشبیه امام و مدیریت فکری جامعه به قلب و مدیریت ادراکی بدن، عمرو می‌پرسد: پسر اهل کجایی؟ هشام جواب می‌دهد: اهل کوفه‌ام. وی ادامه می‌دهد: تو هشام نیستی؟ می‌گوید: خیر؛ می‌پرسد؟ با او ملاقات و گفتگویی هم نداشته‌ای؟ می‌گوید: خیر؛ بعد عمرو بن عبید می‌گوید: به خدا قسم تو خود هشام هستی؛ و این نوجوان را

با احترام بر بالای منبر خود می‌نشانند؛ و تا وقتی هشام در مجلس حضور دارد یک کلمه سخن نمی‌گوید (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۷۱-۱۶۹؛ کشی، بی‌تا: ج ۲، ۵۴۹-۵۵۰؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۱۲۸؛ عبدالله نعمة، ۱۴۰۵ق: ۱۱۱-۱۱۲) این گزارش نشان می‌دهد آوازه و شهرت هشام نوجوان در جهاد تبیین به حدی رسیده که بزرگ اهل سنت در بصره، اسم او را شنیده و از بحث با او واهمه دارد.

همچنین در همان گفتگویی که با اهل مذاهب درباره امامت دارد و ویژگی‌های امام را بیان می‌کند، هارون الرشید مخفیانه می‌شنود و وحشت زده می‌گوید: چنین شخصی زنده است و سلطنت من یک ساعت دیگر ادامه داشته باشد؟ به خدا قسم اثر زبان این در قلب مردم از صد هزار شمشیر بیشتر است (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۳۶۸).

در داستان دیگری که مناظره‌ای درباره فضیلت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر ابی بکر دارد هنگامی که هشام فضیلت بودن همراهی ابی بکر در غار را رد می‌کند و فضائل امام علی (علیه السلام) را یکی یکی می‌شمارد؛ هارون که مخفیانه در حال گوش دادن است به خشم می‌آید و شروع به ناسزاگویی می‌کند و می‌گوید به خدا قسم تصمیم دارم او را کشته و با آتش بسوزانم (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق (الف): ۹۶-۹۸).

### ۳. رصد شبهات و هوش پاسخگو

جبهه باطل برای از بین بردن حق به شبهات رو می‌آورد شبهه به جهت آن که به حق شباهت دارد (سید رضی، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۸۹) و یک پرسش حق به جانب را می‌پرسد شبهه نامیده می‌شود؛

برای موفقیت در جهاد تبیین و رویارویی با جریان باطل، رصد شبهات و پاسخ به هنگام به آنها از اهمیت ویژه برخوردار است، یکی از ویژگی‌های برجسته جوان منتظر و زمینه‌ساز ظهور، رصد صحیح شبهات به همراه ذهن آماده برای پاسخگویی به آنهاست، هشام بن حکم از این موهبت الهی برخوردار بوده است.

هشام به عنوان یک جوان فعال در جبهه حق، و جهادگر تبیین، شبهات زمان خود را رصد کرده و برای پاسخ دادن به آنها می‌شتابد.

هنگامی که به دستور امام صادق (علیه السلام) می‌خواهد دیدارش با عمرو بن عبید را گزارش کند می‌گوید:

به من خبر رسید که عمرو بن عبید در مسجد بصره می‌نشیند و علیه امامت سخن می‌گوید و این بر من گران آمد. در اسرع وقت و با تعجیل به سوی او شتافتم و روز جمعه به بصره رسیدم. او هم شبیه و محل و گوینده آن را رصد کرده و به بصره می‌رود و هم پاسخ شبیه عمرو بن عبید را داده و برمی‌گردد و این پاسخگویی را با هوشمندی و استفاده از معیارهای کلی که از امام دریافت کرده انجام می‌دهد و هنگامی که حضرت می‌پرسد این شیوه را از کجا آموخته‌ای عرض می‌کند چیزی بود که از شما گرفتم و خودم پرورشش دادم، امام نیز این پاسخ را پسندیده و او را تشویق می‌کند (طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۱۲۸).

### نتیجه‌گیری

هشام بن حکم یکی از بزرگان و نام‌آوران شیعه است که عظمتش در عنفوان جوانی ظاهر شد. و این برجستگی در جنبه جهاد تبیین نمود بیشتری دارد وی مورد علاقه و تأیید فراوان ائمه علیهم‌السلام بود و رفتار و گفتار چنین شخصی می‌تواند الگوی مناسبی برای جوان شیعی دغدغه‌مند در راستای جهاد تبیین در عصر انتظار باشد.

برای الگوبرداری همه‌جانبه از این شخصیت در راستای جهاد تبیین، ویژگی‌های او به دو قسم فردی و اجتماعی تقسیم شد؛ در ویژگی‌های فردی الگو به مواردی مانند: حفظ روحیه حقیقت‌طلبی و شوق به دانستن، اعتماد به نفس در عین توکل به خدا، تواضع و پرهیز از تعصب و لجاجت، شجاعت حق‌گویی و صراحت لهجه؛ اشاره شد و در ویژگی‌های اجتماعی الگو نیز پس از تقسیم سه‌گانه آن، به ویژگی‌های اجتماعی در رابطه با ولایت و رهبری؛ در رابطه با شیعیان و توده مردم و در رابطه با مخالفان و دشمنان، به ابعاد هر کدام پرداخته شد؛ در رابطه با ولایت و رهبری به مواردی همچون: دغدغه‌مندی نسبت به ولایت و هدایت جامعه به سوی امام، ارتباط خاص با امام و گرفتن معارف از سرچشمه، و کسب تخصص در مباحث امامت، اشاره گردید. در قسمت ویژگی‌ها در رابطه با شیعیان و توده مردم، نمونه‌هایی از قبیل: کسب جایگاه اجتماعی، ایجاد دغدغه در طالبان هدایت و دعوت شیفتگان، به سوی امام و ایجاد تشکّل و حلقه‌های معرفتی و جذب توده‌ها، طرح و تبیین شد و بالاخره در بخش پایانی یعنی ویژگی‌ها در رابطه با مخالفان و دشمنان؛ به مواردی همچون: مخاطب شناسی و رعایت

جوانب تقیه، ایجاد رعب در دل دشمنان، و رصد شبهات و هوش پاسخگو برشمرده و شرح داده شد. این تحقیق به این نتیجه رسید که زندگانی هشام بن حکم، ابعاد متنوعی برای الگوگیری جوان منتظر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد (بی تا)، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مؤسسه اسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزیع.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الخصال*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا)، *التوحید*، تصحیح و تعلیق: السید هاشم الحسینی الطهرانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۵. ابن شعبه الحرانی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، دوم.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۹۵۶م)، *مناقب آل ابی طالب*، نجف اشرف: المكتبة الحیدریة.
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا)، *معالم العلماء*، قم: بی نا.
۸. ابن فارس زکریا، ابوالحسین أحمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بی جا: مکتب الإعلام الإسلامی.
۹. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)، *لسان العرب*، قم: نشر أدب حوزه.
۱۰. ابن ندیم بغدادی، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب (بی تا)، *فهرست ابن الندیم*، تحقیق: رضا تجدد، بی جا: بی نا.

۱۱. اصفهانی، محمدتقی (۱۴۲۸ق)، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم* عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم: مؤسسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، پنجم.
۱۲. برقی، أحمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۰ق)، *المحاسن*، تصحیح و تعلیق: السيد جلال الدين الحسيني (المحدث)، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۳. تستری، محمدتقی (۱۴۲۲ق)، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسة نشر إسلامی (جامعه مدرسين)، اول.
۱۴. جمعی از نویسندگان (۱۴۲۵ق)، *أعلام الهداية*، قم: المجمع العالمي لاهل البيت عليه السلام، دوم.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، *صحاح اللغة*، تحقیق: أحمد عبدالغفور العطار، بيروت: دارالعلم للملایین، چهارم.
۱۶. حلی، ابومنصور جمال الدين (۱۴۱۷ق)، *خلاصة الأقوال*، تحقیق: الشيخ جواد القيومي، بی جا: مؤسسة نشر الفقاهة، اول.
۱۷. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحديث*، بی جا: بی نا، پنجم.
۱۸. داوود حلی، ابومحمد تقی الدين حسن بن علی بن (۱۹۷۲م)، *رجال*، تحقیق و تقدیم: السيد محمدصادق آل بحر العلوم، نجف اشرف: منشورات مطبعة الحيدرية.
۱۹. دینوری، ابن قتیبة (۱۴۲۴ق - ۲۰۰۳م)، *عیون الأخبار*، بيروت: دارالکتب العلمية، سوم.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بی جا: دفتر نشر الكتاب، دوم.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۲ق)، *ربیع الأبرار ونصوص الأخبار*، تحقیق: عبدالأمیر مهنّا، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، اول.
۲۲. سیدمرتضی، علی بن حسین بن موسی (۱۴۱۰ق)، *الشافی فی الامامة*، قم: مؤسسة إسماعیلیان، دوم.
۲۳. شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبد الكريم (بی تا)، *الملل والنحل*، تحقیق: محمد سید کیلانی، بيروت: دارالمعرفة.
۲۴. صدر، سید حسن (بی تا)، *الشیعة وفنون الاسلام*، تحقیق: دکتر سلیمان نیا، بی جا: بی نا.
۲۵. صفائی، سید احمد (۱۳۵۹)، *هشام بن الحکم مدافع حريم ولایت*، بی جا: نشر آفاق، دوم.
۲۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۹۶۶م)، *الاحتجاج*، تعلیق و ملاحظات: السيد محمد باقر

- الخرسان، نجف اشرف: دارالنعمان للطباعة والنشر.
۲۷. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲)، *مجمع البحرين*، تهران: طراوت، دوم.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیة*، تحقیق: الشیخ عبادالله الطهرانی و الشیخ علی أحمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، اول.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتعجد*، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، اول.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، بی‌جا: مؤسسة نشر الفقه.
۳۱. عیاشی، محمد بن مسعود (بی‌تا)، *تفسیر العیاشی*، تحقیق: الحاج السیدهاشم الرسولی المحلاتی، تهران: المكتبة العلمية الإسلامية.
۳۲. الغفار، عبدالرسول (۱۴۱۶ق)، *الکلینی و الکافی*، قم: مؤسسة نشر اسلامی (جامعه مدرسیین)، اول.
۳۳. فیروزآبادی، ابوطاهر مجدالدین محمد بن یعقوب (بی‌تا)، *القاموس المحيط*، تجميع: نصر الهورینی، بی‌جا: بی‌نا.
۳۴. فیومی، أحمد بن محمد المقرئ (بی‌تا)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، بیروت: دارالفکر.
۳۵. کشی، ابوعمر محمد بن عمر (بی‌تا)، *اختیار معرفة الرجال*، تصحیح و تعلیق: میرداماد الأسترابادی، تحقیق: السید مهدي الرجائی، بی‌جا: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، *کافی*، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية، پنجم.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، *کافی*، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية، سوم.
۳۸. لیثی واسطی، علی بن محمد (بی‌تا)، *عیون الحکم والمواعظ*، تحقیق: الشیخ حسین الحسینی البیرجندی، قم: دارالحدیث، اول.
۳۹. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، *مروج الذهب ومعادن الجوهر*، قم: دارالهجرة، دوم.
۴۰. مصطفوی، حسن (۱۴۱۷ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، اول.

۴۱. مغربی، نعمان بن محمد بن منصور (۱۳۸۳ق)، *دعائم الإسلام*، تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، قاهره: دارالمعارف.

۴۲. مفید، محمد بن نعمان (الف) (۱۴۱۴ق)، *الاختصاص*، علی أكبر الغفاری و السيد محمود الزرنندی، بیروت: دارالمفید، دوم.

۴۳. مفید، محمد بن نعمان (ب) (۱۴۱۴ق)، *الفصول المختارة*، تحقیق: السيد نورالدين جعفریان الاصبهانی، الشيخ یعقوب الجعفری و الشيخ محسن الأحمدي، بیروت: دارالمفید، دوم.

۴۴. نجاشی، احمد بن علی بن عباس (بی تا)، *اسماء مصنفی الشيعة*، قم: مؤسسه نشر اسلامی (جامعه مدرسین)، پنجم.

۴۵. نعمانی، ابن أبی زینب (۱۴۲۲ق)، *الغیبة*، تحقیق: فارس حسون کریم، قم: أنوار الهدی، اول.

۴۶. نعمة، عبدالله (۱۴۰۵ق)، *هشام بن الحكم*، بیروت: دارالفکر اللبنانی، دوم.

۴۷. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، قم: الهادی، اول.



## **The confrontation of Messianic claimant sects with Shiite scholars**

**Dr. Majid Ahmadi Kachayi<sup>1</sup>**

### **Abstract**

Messianic claimant sects have always been in conflict with scholars, who serve as the intellectual guardians of Shia Islam, as they seek to create a rift between the masses and the scholars. This issue has existed since the early days of Islam, initially with the confrontation of the Imams and later with the scholars. A famous example is the prohibition of hadith compilation in the first century of Hijra, which led to significant challenges for the prophetic legacy in subsequent periods. Later, the family of the Prophet (PBUH) also faced attacks from opposing movements to keep the general public away from the heritage of the family of revelation. In the present era, this path has continually been pursued by confrontational claimants. The author's idea is that the more the general public distances itself from scholars for various reasons, the more the misguided can disrupt people's beliefs. Therefore, claimants make considerable efforts to increase this distance through various excuses and forms. This research will focus on this issue in contemporary times, and the article is written using a descriptive-analytical method and a library-based approach.

**Keywords:** Messianic Claimant Sects, Confrontation, Religious Scholars

---

1. Assistant Professor, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran  
(Ahmadi.M@Isca.ac.ir)

## تقابل فرق مدعی مهدویت با عالمان شیعه

مجید احمدی کجایی<sup>۱</sup>

### چکیده

فرق مدعی مهدویت، در راستای اهداف خود با عالمان به عنوان مرزبانان فکری شیعی همواره ستیزه جویی داشته اند چراکه سعی در ایجاد شکاف میان توده مردم و عالمان را دنبال می کردند. این مهم از صدر اسلام تاکنون ابتدا با تقابل امامان و پس از ایشان با عالمان وجود داشته است. نمونه مشهور منع تدوین حدیث در سده نخست هجری است که عملاً تراش نبوی ﷺ با مشکلات فراوانی در دوره های بعد مواجه شد. بعدها نیز اهل بیت آن حضرت نیز مورد حمله جریان های تقابل گرا قرار گرفتند تا عموم مردم از میراث خاندان وحی به دور باشند. در دوران کنونی این مسیر همواره توسط مدعیان ستیزه جو پی جویی شده است. ایده نگارنده آن است که هر میزان عموم مردم از عالمان به جهات گوناگون دوری کنند، به همان میزان نیز رهزنان هدایت می توانند در باورهای مردم خلل ایجاد کنند از این رو مدعیان سعی وافری دارند تا این دوری هر چه بیشتر و به بهانه ها و گونه های مختلف صورت گیرد. در این پژوهش این مهم در دوران معاصر مورد توجه قرار خواهد گرفت این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و به صورت کتابخانه ای نگاشته شده است.

### واژگان کلیدی

فرق مدعی مهدویت، تقابل، عالمان دین.

### مقدمه

عالم هراسی و مردود دانستن رجوع به عالمان در رهبری جامعه و پیامد آن حذف رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا وابستگان به ایشان در دوران غیبت، مورد اتفاق فرق مدعی است. چراکه این مهم زمینه مناسب برای تحیر و طرح ادعاهای ناهمگون را در جامعه فراهم می سازد و در چنین فضای بخشی از جامعه به دسته جات مختلف باورمند می شوند. در این زمینه آثار قابل

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (Ahmadi.M@Isca.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۸/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۷

توجه نگاشته شده است، که می‌توان به این موارد اشاره داشت: کتابی با عنوان واکاوی پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر (زمینه‌ها و ترفندها) اثر مسلم کامیاب که به بخش‌های از این مهم به صورت بسیار گذرا توجه داشته است. اثر متعلق به محمد شهبازیان با عنوان پیشینه‌شناسی و تحلیل برخی ادعاهای احمد بصری (مدعی یمانی) و مبانی آن در جریان‌های انحرافی. این اثر در بخش‌های از کتاب خود به تقابل جریان‌های مدعی و عالمان پرداخته است.

پدیده تقابل فرق مدعی مهدویت و عالمان همواره در تمام دوران تاریخ تشیع در جریان بوده است. طوری که با آغاز غیبت صغری و پنهان شدن امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الکفره و نبود رهبری مشخص و یا دست‌کم عدم آگاهی مردم در این باره، سبب شد تا جمع قابل توجهی از امامیه دچار تحیر و حتی خروج از مذهب در سال‌های نخست غیبت گردند. بیشتر منابع نخستین اذعان داشته‌اند که در سال‌های آغازین غیبت صغری شیعیان امامی با مشکلات درونی فراوانی روبرو شدند که پیش از این در تاریخ ایشان سابقه نداشت. برخی از نویسندگان این منابع خود از اندیشمندان شیعیان امامی شمرده می‌شدند که از قضا بسیار به آن دوره نزدیک بوده‌اند. نوبختی<sup>۳۰</sup> ق و اشعری<sup>۳۱</sup> ق که نخستین منابع فرقه‌شناسی را تدوین کرده‌اند، با برشمردن چهارده گروه از اصحاب امام عسکری علیه السلام به پراکندگی ایشان اشاره دارند (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۱۰۲). همچنین شیخ مفید طبق تصریح خویش از آراء نوبختی در تفرق امامیه متأثر است و خود به آن اشاره دارد (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۳۱۹). شهرستانی به تفصیل به جریان این تفرق اشاره داشته اما تفاوت بسیار اندکی با اثر نوبختی داشته است و بیشتر همان گمانه‌ها را طرح کرده است (شهرستانی، بی‌تا: ج ۱، ۱۹۸). براساس گزارش‌های قابل ملاحظه، تحیر و سرگشتگی شیعیان امامی در این دوره به فراوانی وجود داشته است. در گزارشی نقل شده است برخی از شیعیان امام عسکری علیه السلام، پس از شهادت ایشان دچار تحیر شدند و نمی‌دانستند چه کسی امام است (همان) در گزارش دیگر تردید محمد بن ابراهیم بن مهزیار نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۵۱۸) و یا مردی از فقه‌های شیعه که نامش برده نشده، به قرامطه پیوست (همان: ج ۱، ۵۲۰) همچنین برخی دیگر نیز به شاخه‌های دیگر اسماعیلیه پیوستند. به نوشته ابن خلدون<sup>۳۲</sup> ۸۰۸ ق و مقریزی<sup>۳۳</sup> ۸۴۵ ق ابو عبد الله شیعی (داعی نامدار اسماعیلیه) ۲۹۵ ق اصالتی کوفی داشت و نخست بر مذهب امامیه بود و به تدریج به اسماعیلیه متمایل شد. گفته شده است حسین بن احمد از امامان اسماعیلی به هنگام زیارت نجف و کربلا در دیدارهایی با حسن

بن فرح بن خوشب (منصورالیمین) - که از یاران و اصحاب امام عسکری علیه السلام بود - علی بن فضل، آن دو را متمایل به مذهب اسماعیلیه کرد و به عنوان داعی به سوی یمین گسیل داشت (مقریزی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۵۱). هنگام حضور ابو عبدالله شیعی در مغرب، وی درصدد جذب ابن هیثم از علمای امامی مذهب منطقه برمی آید و در پی مناظراتی سرانجام ابن هیثم به آئین اسماعیلی در می آید (قاضی خانی، ۱۳۹۴ش). سؤال برخی از بزرگان امامیه از جمله عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن اسحاق از عثمان بن سعید که وکیل امام عسکری علیه السلام و امام عصر بوده در این که آیا امام یازدهم فرزندی داشته است یا خیر، نشانگر این فضای تحیر است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۲۹).

گزارش هایی وجود دارد که بنی بسطام که از قضا بعدها در درگیری شلمغانی با حسین بن روح از شلمغانی جانبداری کردند، به اسماعیلیه تمایل پیدا کرده و حتی برخی از ایشان در میانه غیبت صغری برای بیعت با خلیفه فاطمی به شمال آفریقا رفتند چرا که بر این باور بودند که مهدی از مغرب خواهد آمد و آل فرات ایشان را همراهی کردند (همدانی، بی تا: ۵۹۹-۶۰۰) همچنین به نقل از خواجه نظام الملک در سیاست نامه شخص اسماعیلی مذهب به نام خَلَف مأمور شده بود در منطقه ری، قم و کاشان که بیشتر گرایش های امامی داشتند، مردم را به اسماعیلیه فرا بخواند و توانست در ناحیه فشافویه و ری عده ای را به کیش خود متمایل سازد (خواجه نظام الملک طوسی، ۱۳۶۴: ۲۸۳-۲۸۴). برخی از توقیعات نیز آشکارا به تحیر اشاره دارد (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۲).

با آغاز غیبت صغری در میان امامیه و زیست پنهانی امام مهدی علیه السلام مشکلات فراوانی از جمله توجه به فرق دیگر در میان ایشان پدیدار شد. در میان این دست از مشکلات، جعفر ۲۷۱ق برادر مهتر امام عسکری علیه السلام مدعی امامت شد و به درگیری با شیعیان پرداخت و مشکلات فراوانی را برای پیروان امام یازدهم به وجود آورد. وی با انکار فرزندی برای برادر خویش، خود را امام دانست و با درگیری با افراد خاندان امام، حتی جسورانه مدعی میراث برادر تازه درگذشته شد (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۳۶).

۶۱ پس از وی عده ای از منسوبان دستگاه وکالت با تمرد از امامت و برخورد با وکیلان اربعه مشکلاتی را ایجاد کردند. این در حالی بود که وکلا پیش از این و در دوره حضور امامان توانسته بودند اعتماد شیعیان را به خود جلب کنند، اما در بازه زمانی غیبت صغری برخی از این افراد ادعاهای ناهمگونی طرح کردند و سبب درهم ریختگی فکری عده ای از شیعیان شدند.

مشهورترین این افراد شریعی، هلالی، نمیری، حلاج و شلمغانی بوده‌اند. قسمتی از توقیع‌ها به این زیاده‌خواهی‌ها اشاره داشت و با نفی گمانه‌های ایشان، شیعیان را از نزدیک شدن به این افراد بر حذر داشته است، بعدها در پی این سؤال که آیا روایات نقل شده توسط شلمغانی (م ۳۲۳ق) - عالم پرآوازه و منحرف نکوهش شده غیبت صغری - می‌تواند قابل استفاده باشد. نامه‌های از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شد که تأکید داشت شلمغانی تأثیری بر حدیث شیعه نداشته و اصحاب می‌توانند به کتاب‌های شلمغانی رجوع کنند. به نظر بیشتر نگرانی‌های شیعیان مرتبط با دوره انحراف شلمغانی بوده است و این دل‌مشغولی را داشتند که ممکن است وی در حدیث نیز تأثیر ناخوشایند داشته است. در نامه‌ای دیگر امام، خطاب به حسین بن روح (م ۳۲۶ق) - وکیل سوم - همه این دست از مدعیان و منحرفان از امامت را، خارج شدگان از دین دانست و عذاب الیم الهی را برای ایشان خواستار شد (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ۴۱۰).

در همه این موارد دو نکته اساسی وجود داشت است؛ نخست فرق مدعی به دنبال حذف رهبری امام بودند چنان‌که در جریان جعفر دیده می‌شود که چگونه وی با انکار فرزند امام عسکری علیه السلام خود را به عنوان امام بعدی معرفی می‌کند و در مرحله بعد حذف وابستگان به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که به عنوان جانشینان امام در دوران غیبت ایشان طرح شده بودند که این امر در غیبت صغری و در جریان مدعیان وکالت دیده می‌شود. این امر کماکان در دوران غیبت کبری و به خصوص در دوران معاصر پی‌جویی شد. علت ذکر سابقه مدعیان در صفحات قبل توسط نگارنده این است که پیامد تقابل با عالمان بیشتر به نفی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منجر می‌شود که این امر در دوران غیبت صغری نیز وجود داشته است.

عدم رجوع به عالمان در دوره‌های بعد با مناقشه در مسئله تقلید از فقها به وقوع پیوست. بیشتر این دست از گمانه‌زنی‌ها توسط جریان اخباریان پی‌جویی شد. در کتاب *الفوائد*، برخورد انتقادی امین استرآبادی ۱۰۳۶ق (اخباری نامدار دوران صفویه) با روش اجتهادی محقق کرکی ۹۴۰ق و گاه به طور کلی اصولیان دیده می‌شود. وی اجتهاد فقها و تقلید از آنان را رد کرد (استرآبادی، ۱۴۲۶ق: ۹۱) و چنین مدعی شد که فتوای فقیهان، خارج از دایره روایات اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. او عمل کرد فقها را آراء شخصی آنها دانست. امین استرآبادی و این دسته از اخباری‌ها روش فقها در اصول فقه را برگرفته از اهل سنت دانستند (همان: ۷۶).

به نظر می‌رسد همین امر سبب برداشت‌های ناصحیح و حتی استفاده جریان‌های مدعی در

دوران متاخر از جریان اخباری شد. برای نمونه صوفیه گنابادیه از این روش سود جسته و افزون بر دوری عملی از تقلید فقها (گنابادی، ۱۳۷۹: ۹۰)، اتهام جدایی عالمان متقدم (دوران شیخ مفید به بعد) را از دستورات ائمه اطهار علیهم السلام را ابراز نمودند و قواعد اجتهادی در فقه را متأثر از آمد و شد عالمان شیعه با اهل سنت دانسته‌اند. شیخیه نیز به رغم مخالفت با دیدگاه اخباریون و غیرقطعی دانستن نظریات ایشان، در برخی از متاثر از این جریان بود (سیدکاظم رشتی، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ۱۱۱).

غلام احمد قادیانی ۱۸۳۵-۱۹۰۸ م مدعی دیگری است که عالمان مخالف خود را متهم به بی‌سوادی کرده است و پس از حمله به آنان مدعی شده که ارسال او توسط خدای متعال به دلیل عدم وجود فقیه و عالمی هدایتگر صورت گرفته است (قادیانی، ۲۰۰۷ م: ۱۸۴). بابت و بهائیت نمونه‌ای دیگر از این دست گروه‌های بودند که در تقابل با عالمان امامیه از هیچ عملی و سخنی دریغ نکرده‌اند.<sup>۱</sup> علی محمد شیرازی پس از شرکت در مناظره‌های علمی که با علمای شهرهای مختلف به ویژه تبریز صورت داد، اتهام زنی به علما را آغاز کرده و آنها را «نفوس شریر» خطاب می‌کند (اشراق خاوری، ۱۹۹۱ م: ۱۹۳).

علی یعقوبی از دیگر کسانی که علم فراوان را برای خود متصور و مدعی دیدار با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است؛ چنین ادعا می‌کند که آنچه وی می‌گوید در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام، بیان نشده است و این سخنان حتی برای علمای شیعه تازگی دارد و آنان از آوردن مانند آن یا تکمیل آن عاجزند. وی همچنین بر این باور است هیچ فقیهی در میان شیعه وجود نداشته و کسی غیر از خودش جایگاه واقعی فقه در نظام معارف اسلامی را نمی‌داند. او در بسیاری از سخنرانی‌های خود به عالمان شیعه حمله و آنها را به قصور در فهم معارف دین متهم کرد. در برخی موارد عالمان را به مبارزه علمی می‌طلبد و یکی از اهداف خود را از ذکر این سخنان بیدار

۱. عبدالبهاء در جزوه «مقاله شخصی سیاح» در قالب ذکر داستان ادعای علی محمد شیرازی، به تقابل علما با وی پرداخته و در قسمتی از کتاب چنین ذکر کرده است: «در شرائط علما میفرماید و اما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه و حافظاً لدينه مخالفاً لهواه مطيعاً لأمر مولاة فللعوام ان يقلدوه الی آخر و اگر پادشاه زمان با این بیان که از لسان مظهر الهام رحمن جاری شده ناظر شوند ملاحظه می‌فرمایند که متصفین باین صفات وارده در روایت مذکوره اقل از کبریت احمرند لذا هر نفسی که مدعی علم است قولش مسموع نبوده و نیست و هم چنین در ذکر فقه‌های آخر الزمان می‌فرماید فقهاء ذلک الزمان شرّ فقهاء تحت ظلّ السماء منهم خرجت الفتنة و اليهم تعود و اگر این روایات را نفسی تکذیب نماید اثبات آن بر این عبد است چون مقصود اختصار است لذا تفصیل رواة عرض نشد».

<https://www.bahai.org/fa/library/authoritative-texts/abdul-baha/travelers-narrative/travelers-narrative.pdf?78699b49>

کردن علمای شیعه از خواب غفلت و نشان دادن راه به آنها معرفی می‌کند... او همچنین عالمان را به حسادت نسبت به خود متهم نموده... و از معلم خود [مراد حضرت زهرا علیها السلام است] نقل می‌کند که می‌خواهد فقه را از بین برده و فقها را به سیخ بکشد (حجامی، بی‌تا: ۲۱).

احمد اسماعیل بصری نیز متأثر از این دست از گمانه‌ها مدعی است که تقلید از غیرمعصوم باطل بوده و افزون بر متون مقدس (قرآن و روایات)، دلیل عقلی بر لزوم آن وجود ندارد (احمد اسماعیل، ۲۰۱۰م: ج ۲، ۶۴-۶۵). ادعاهای او مبتنی بر همان روشی است که امین استرآبادی بدان‌ها پرداخته است (حسین المنصوری، ۲۰۱۲م: ۹۲).<sup>۱</sup> امین استرآبادی ۱۰۳۶ق ادعا نموده که شیخ طوسی ۴۶۰ق و دیگر صاحبان کتب اربعه اجتهاد و تقلید را باور نداشته‌اند (استرآبادی، ۱۴۲۶ق: ۹۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۳ق: ۳۲۶). پیامد این سخن سبب شد تا احمد اسماعیل نیز همان ادعا را تکرار نماید و چنین افزوده که در میان بزرگان مانند شیخ مفید و شیخ طوسی، کسی قائل به امر تقلید از فقیه نبوده و در احکام شرعی نیز کسی تقلید نمی‌کرده است (احمد اسماعیل، ۲۰۱۰م: ج ۱، ۴۰). در صورتی که آثار برجای مانده از این دست از عالمان امامیه حاکی از آن است که تأکید بر تقلید داشتند. برخی دیگر از عالمان در همان دوره همانند سیدمرتضی ۴۳۶ق تقلید در میان فقها را اجماعی دانسته است (سیدمرتضی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۷۹۶) و طوسی نیز رجوع به فقها در احکام دین و لزوم تقلید آن را سیره امامیه می‌داند.<sup>۳</sup>

احمد اسماعیل بصری و اتباع وی نیز به تبعیت از دیگر مدعیان در تقابل با فقاهاست و مرجعیت ادعاهایی را مطرح نموده و با تمسک به برخی از گزارش‌ها در لفظ و معنای آنها پندار خود را آشکار نموده است (علی ابو رغیف، ۲۰۱۳م: ۱۱۸). نمونه‌ای از استدلال جریان‌های پیشین و احمد اسماعیل بصری استناد به گزارش ذیل است:

۱. خلاصه گمانه‌های وی چنین می‌باشد: احکام شرعی لازم است که مبتنی بر دلیل یقینی و قطع‌آور باشد. به دست آمدن دلیل قطعی جز از راه روایت‌های اهل بیت علیهم السلام نیست. اجتهاد مورد نظر فقها همان اجتهاد اهل سنت بوده و عبارت است از ارائه حکم فقهی بر مبنای اصول عملیه و قواعد اصول فقه که افزون بر باطل بودن، غیرقطعی و نظر شخصی مجتهدین است. روایت‌های موجود در کتب اربعه و کتب حدیثی قدما یقین‌آور بوده و می‌توان براساس هر یک از آنها عمل کرد.

۲. والذی یدل علی حسن تقلید العامی للمفتی أنه لا خلاف بین الامة قدیما وحديثا فی وجوب رجوع العامی إلى المفتی، وأنه یلزمه قبول قوله، لانه غیر متمکن من العلم بأحكام الحوادث، ومن خالف فی ذلك کان خارقا للاجماع.

۳. والذی نذهب إليه: انه یجوز للعامی الذی لا یقدر علی البحث والتفتیش تقلید العالم. یدل علی ذلك: انی وجدت عامة الطائفة من عهد امیر المؤمنین علیه السلام والی زماننا هذا یرجعون إلى علمائهم، ویستفتونهم فی الاحکام والعبادات، ویفتونهم العلماء فیها.

رسول خدا ﷺ فرموده است بر مردم زمانی آید که از قرآن جز نامی نماند و از اسلام و مسلمانی جز اسمی نیست مردم خود را مسلمان نامند و از مسلمانی دورترین مردم هستند، مسجدهای آنان آبادان است و از رهبری و هدایت به حق تهی است فقیهان این دوران بدترین فقهایی زیر آسمانند فتنه از آنها برآید و بدانها بازگردد. آنان با استناد به متن این روایت ادعا دارند که فقهایی دوران آخرالزمان گمراه بوده و در تقابل با حضرت مهدی ﷺ قرار خواهند گرفت (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۳۰۸).<sup>۱</sup>

وی عالمان را گمراهان گمراه کننده لقب داده و از مردم خواسته است که به مخالفت با آنان بپردازند. وی حتی مقلدان آیت الله سیستانی را افرادی نادان می داند و شخص آیت الله سیستانی و دیگر عالمان را به بی عملی متهم می کند (کورانی، ۱۳۹۴: ۷۶). او پس از رد دموکراسی و انتخابات می نویسد: نکته ای که مردم باید بدانند آن است که از پیروی این گونه علمای بی عمل حذر کنند زیرا آنها به حاکمیت مردم و انتخابات و دموکراسی آمریکایی (این دجال بزرگ) اقرار دارند و بر مردم واجب است که به حاکمیت خدا و پیروی از امام زمان ﷺ اقرار کنند، در غیر این صورت مردم چه جوابی برای پیامبران و امامان شان خواهند داشت... اینها همان فقهایی آخرالزمان اند که در مقابل امام مهدی ﷺ می ایستند و با او می جنگند. احمد اسماعیل بصری تلاش نموده تا مستندات غیر معتبر و جعلی دیگری مانند: «برگزاری شورای کوچک در زوراء (تهران)»<sup>۲</sup>، «ذکر فقها به عنوان دشمن ترین دشمنان»<sup>۳</sup> و «کشته شدن شانزده هزار فقیه به دست حضرت مهدی ﷺ»<sup>۴</sup> را بر گزارش پیش گفته اضافه نماید که نقطه مشترک تمامی گزارش ها، جعلی بودن و عدم اعتبار آن است، طوری که نمی توان استناد این دست از روایات را بیش از ۱۵۰ سال اخیر دانست.<sup>۵</sup>

۱. قَالَ اميرالمومنين علي عليه السلام: سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا زَمْنُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ يُسَمُّونَ بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ غَامِرَةٌ وَ هِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى فَقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شُرُفُ فَقَهَاءِ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَعَوَّدُ.

۲. الويل الويل لامتى من الشورى الكبرى و الشورى الصغرى. سئل فى تعيينهما. قال: الشورى الكبرى تنعقد فى بلدى بعد وفاتى لغصب خلافة اخی و حق بنتى و الصغرى تنعقد فى الغيبة الكبرى فى الزوراء لتغيير سنتى و تبديل احكامى.

۳. و لو لا أن السيف بيده لأفتى الفقهاء بقتله!.... إذا خرج فليس له عدو مبين إلا الفقهاء خاصة.

۴. فاذا خرج القائم من كربلاء وارد النجف والناس حوله، قتل بين كربلاء والنجف ستة عشر الف فقيه.

۵. جهت تفصيل بحث مذمت فقها در روایات تحریف شده و جعلی رک: محمد شهبازیان، «بررسی و تحلیل استنادات روایی جریانات انحرافی بر مذمت فقها»، ۱۳۹۶: ۹۱؛ گروه علمی موسسه امام صادق ﷺ، ۱۴۱۸ق: ج ۳، ۵۴۵.

مدعی دیگر منصور هاشمی خراسانی در رد تقلید عالمان، چنین بیان داشته است: تقلید از پیشینیان (هاشمی خراسانی، ۱۴۳۵ق: ۴۰) تقلید از عالمان (همان: ۴۶) تقلید از اکثریت (همان: ۵۰) تقلید از ظالمان (همان: ۵۴) و تقلید از کافران (همان: ۵۹). وی پس از بیان این مطالب به رد ولایت مطلقه فقیه می‌پردازد (همان: ۴۹) در همین راستا منصور هاشمی می‌گوید:

یکی دیگر از گونه‌های رایج تقلید پیروی از گفته و کرده عالمان است چرا که بیشتر مسلمانان کرده و گفته عالمان را در حکم شرع می‌پندارند و فرقی میان آن دو نمی‌شناسند، در حالی که مسلماً شرع گفته و کرده عالمان نیست، بلکه گفته و کرده خداوند است که با گفته و کرده عالمان ملازمه ندارد و مطابقت آن دو با هم ذاتی نیست، چنان که عدم مطابقت بسیاری از گفته‌ها و کرده‌های عالمان با شرع معلوم است (همان: ۴۶).

همچنین بیان می‌کند که عالمان در علم خود خود مقلدند، چرا که برای آن دلیلی از شرع یا عقل نمی‌شناسند مگر توهمی که برای برخی خودشان پدید آمده مبنی بر این که تقلید از عالمان از باب رجوع عاقلان به متخصص است (همان: ۴۸).

در همین راستا هاشمی خراسانی در قسمت دیگری از کتاب *بازگشت به اسلام*، مسلمانان را به سبب اطاعت از رهبری فقیه، مشرک، سفیه و کودکانی محجور می‌پندارد بر همین مبنا وی تبعیت از عالمان هرچند صالح باشند را واجب نمی‌داند (همان: ۴۹).

نکته مهم در این باره آن است که این دسته جات بارها اقدام به از میان بردن عالمان داشتند که نمونه مشهور آن محمدتقی برغانی معروف به شهید ثالث از فقهای نامدار در عصر قاجار بود. شهرت عمده ملا محمدتقی، برخورد تاریخی و قاطع وی با جریان شیخیه و بابیگری است؛ که در ایام اقامتش در قزوین روی داده است. این ماجرا از حوادث مهم تاریخ ایران و شیعه در عصر قاجار محسوب می‌شود. فتوای مجتهد برغانی، نقطه عطفی در «تاریخ شیعه» به شمار می‌آید؛ چون به دنبال آن، مجتهدان مشهور دیگری وارد میدان شدند و حکم شهید ثالث را تأیید و تصدیق کردند؛ از جمله آقا سید محمد مهدی، فرزند آقا سید علی صاحب ریاض، حاجی ملا محمد جعفر استرآبادی، آخوند ملا آقای دربندی، سید محمد حسین اصفهانی صاحب *فصول*، آقا سید ابراهیم موسوی قزوینی صاحب *ضوابط* و شیخ محمد حسن نجفی صاحب

جواهر.<sup>۱</sup> طبیعی بود در چنین شرایطی فرق مدعی نمی توانستند برخوردی نداشته باشند از این رو به حذف عالم مشهور امامیه اقدام کردند.

### نتیجه گیری

چنان که بیان شد فرق مدعی همواره در تاریخ تشیع امامیه وجود داشتند و ویژگی مشترک ایشان نفی عالمان در قالب های گوناگون بوده است. این اصل طوری است که در بسیاری از موارد در این دست از مدعیان، در ادامه به انکار شخص امام دوازدهم منجر می شود چنان که در جریان بابیه این رخداد به وقوع پیوست. نکته مهم آن است که ادعای مدعیان هیچ گاه در جامعه تحقق پیدا نخواهد کرد تا زمانی که عالمان در برابر ایشان قرار گرفته باشند از این رو مهم ترین راهکار برای برون رفت مدعیان، همواره چالش و تقابل با عالمان بوده است که این مهم به گونه های مختلف صورت می گرفت که مهم ترین ابزار تبلیغات علیه عالمان بوده است. گرچه پدیده کشتن و حذف عالمان نیز هیچ گاه از دایره فکری مدعیان حذف نگردید و برخی از دانشمندان شیعه بر اثر این دست از منازعات جان خود را از دست دادند.

۱. جمعی از پژوهشگران کتابخانه دیجیتال دانشنامه اسلامی مؤسسه اهل البیت.

## منابع

۱. ابو رغیف، علی (۲۰۱۳م)، *الطریق الی الدعوة الیمانیة*، بی‌جا: انتشارات احمد بصری.
۲. استرآبادی، محمدامین (۱۴۲۶ق)، *الفوائد المدنیة*، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۳. اشراق خاوری، عبد الحمید (۱۹۹۱م)، *مطالع الانوار (تلخیص تاریخ نبیل)*، دهلی: مرآت.
۴. اشعری، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰)، *المقالات والفرق*، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، دوم.
۵. بصری، احمد بن اسماعیل (۲۰۱۰م)، *مع عبد الصالح*، بی‌جا: انتشارات انصار احمد اسماعیل بصری.
۶. حجامی، حسین (بی‌تا)، *به سوی انحراف*، قم: پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، *الفوائد الطوسیة*، قم: علمیه.
۸. رشتی، سید کاظم (۱۴۳۲ق)، *جواهر الحکم*، بصره: شرکة الغدیر.
۹. سید مرتضی، علی بن الحسین (۱۳۷۶)، *الدریعة الی اصول الشریعة*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. شهبازیان، محمد؛ حسینی نجف‌آبادی، عبدالرضا (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل استنادات روایی جریان‌های انحرافی بر مذمت فقها»، *انتظار موعود*، سال هفدهم، شماره ۵۶.
۱۱. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبد‌الکریم بن ابی‌بکر احمد (بی‌تا)، *الملل والنحل*، بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر.
۱۲. طوسی، خواجه نظام‌الملک (۱۳۶۴)، *سیاست‌نامه*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیة*، قم: دارالمعارف الإسلامية، اول.
۱۴. قادیانی، غلام احمد (۲۰۰۷م)، *باقة من بستان المهدی*، انگلستان: الشرکة الاسلامیة.
۱۵. قاضی خانی، حسین (۱۳۹۴)، «مناسبات اسماعیلیان و امامیان عراق، شام و مصر در قرن سوم تا پنجم هجری»، *مطالعات تاریخی جهان اسلام*، سال سوم، شماره ۵.
۱۶. کورانی، علی (۱۳۹۴)، *دجال بصره در رد ادعاهای احمد اسماعیلی معروف به احمد حسن یمانی*، ترجمه: مسلم خاطری، قم: مؤسسه بوستان کتاب، اول.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۱۸. گروه علمی مؤسسه امام صادق (ع) (۱۴۱۸ق)، *موسوعة طبقات الفقهاء*، بی‌جا: بی‌نا.

۱۹. گنابادی، ملاسلطان محمد (۱۳۷۹)، *مجمع السعادات*، تهران: حقیقت.
۲۰. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید، اول.
۲۱. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق)، *اتغایط الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء*، تحقیق: جمال الدین شیال، قاهره: بی نا.
۲۲. المنصوری، حسین (۲۰۱۲م)، *المعممون بالنفاق*، بی جا: انتشارات احمد بصری.
۲۳. هاشمی خراسانی، منصور (۱۴۳۵ق)، *بازگشت به اسلام*، بلخ: دفتر حفظ و نشر آثار منصور خراسانی، اول.
۲۴. همدانی، قاضی عبدالجبار (بی تا)، *تثبیت دلائل النبوه*، تصحیح: عبدالکریم عثمان، بیروت: الدار العربیه.



## **The role of the mother in raising Mahdavi's child**

**Dr. Reza Bani asadi** <sup>1</sup>

**Mahdiyeh sadat Miresmaeli** <sup>2</sup>

### **Abstract**

Mothers play an irreplaceable role in raising their children. Therefore, the quality of a mother's behavior in raising a Mahdavi child is undeniable. A mother can educate her child in this direction throughout her child's life. The importance of this research is that mothers, with this prominent and very important role in the upbringing, growth, and exaltation of their children, can take very effective steps in paving the way for the emergence of Imam Mahdi (a.s.) because the emergence will be realized when worthy people are present so that they have the ability to understand the complete grace of God through the last divine proof. The findings show that mothers can have a profound impact on raising a Mahdavi child with some of their actions and behavior in different time periods, including the fetal period, the neonatal period, and the adolescence and youth periods, as well as with some of their actions and behavior over time. This research is a descriptive-analytical method and has examined the role of mothers in this field and examined it.

**Keywords:** mother, family, child, upbringing, Mahdaviyat

- 
1. Associate Professor, Department of Islamic Knowledge, Faculty of Medicine, Yazd Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran (Corresponding Author) (fatemi251@gmail.com)
  2. Level 3 student in the field of Quranic interpretation and sciences, Imam Hossein Seminary for women, Yazd, Iran (mah.sad.mir.65@gmail.com)

## نقش مادر در تربیت فرزند مهدوی

رضا بنی اسدی<sup>۱</sup>

مهدیه سادات میراسماعیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

مادر نقش بی بدیلی در تربیت فرزند دارد. از این رو کیفیت رفتار مادر برای تربیت فرزند مهدوی غیرقابل انکار است. مادر در طول حیات فرزند می تواند او را در این جهت تربیت کند. اهمیت این پژوهش از این جهت است که مادران با این نقش برجسته و بسیار مهم در تربیت، رشد و تعالی فرزندان خویش می توانند در راه زمینه سازی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گام های بسیار مؤثری بردارند زیرا ظهور هنگامی محقق خواهد شد که انسان های شایسته حضور داشته باشند تا قابلیت درک فیض کامل خداوند توسط آخرین حجت الهی را دارا باشند. یافته ها نشان می دهد مادر با برخی اعمال و رفتار خویش در بازه های زمانی مختلف اعم از دوران جنینی، دوران نوزادی، دوران نوجوانی و جوانی و نیز با برخی از اعمال و رفتار در طول زمان می تواند در تربیت فرزند مهدوی تأثیر عمیق داشته باشد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی بوده و به بررسی نقش مادر در این زمینه پرداخته و آن را مورد بررسی قرار داده است.

### واژگان کلیدی:

مادر، خانواده، فرزند، تربیت، مهدویت.

### مقدمه

با توجه به اینکه خانواده کوچک ترین نهاد اجتماعی بوده و نقش اساسی در تکوین جامعه

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول) (fatemi251@gmail.com).

۲. طلبه سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآنی، حوزه علمیه خواهران امام حسین علیه السلام یزد، یزد، ایران (mah.sad.mir.65@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۲۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۷/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۷

دارد باید روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی عاطفی آن در جهت ارزش‌های بایسته شکل گیرد. از آن‌جا که همه مؤمنین برای زمینه‌سازی ظهور امام مهدی علیه السلام وظایفی بر عهده دارند شایسته است که تربیت خانواده در جهت آموزه‌ها و تربیت مهدوی سوق داده شود تا گامی اساسی برای ظهور نیز برداشته شود. در این میان مادران علاوه بر نقش عمومی که همه انسان‌ها دارند، می‌توانند در مواردی به طور خاص ایفای نقش نموده و روی فرزندان خود اثرات مثبت و قابل توجهی بگذارند. در میان اعضای خانواده فرزندان نقش عمده‌ای در جامعه مهدوی ایفا می‌کنند و نوع تربیت آنها در شقاوت و یا سعادت نسل بعد تأثیر به سزایی خواهد داشت و با توجه به این‌که بیشترین تعامل فرزندان با مادر خانواده می‌باشد و شاکله‌های شخصیتی کودک توسط او پایه‌گذاری می‌شود جهت‌دهی این تربیت به سمت آموزه‌های مهدوی، راه را برای تربیت یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له و سعادت آنها باز می‌کند. با توجه به آنچه بیان شد ضرورت ایجاب می‌کند تا نقش بسیار مهم مادر در پرورش فرزندان و به تبع آن جامعه و زمینه‌سازی ظهور مورد بررسی قرار گیرد. در میان ابعاد مختلف تربیت مهدوی خانواده، به نظر می‌رسد مادران در دو بُعد دینی و اقتصادی نقش برجسته‌تری می‌توانند ایفا کنند. از این رو پژوهش حاضر به نقش زنان در این دو حوزه پرداخته است.

### مبانی نظری

تربیت در لغت به معنای «پرورتن، پروراندن یا آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پرورتن کودک تا بالغ شدن» می‌باشد و به معنای «آموزش و پرورش» هم آمده است (معین، ۱۳۷۵: ج ۱، ۱۰۶۳). معنای اصطلاحی تربیت عبارت از «فعالیتی است که منظم و مستمر بوده و در جهت کمک به رشد جسمانی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و به طور کلی پرورش و شکوفایی استعدادهای متربی باشد به گونه‌ای که نتیجه آن در شخصیت متربی، به ویژه در رفتارهای او ظاهر شود» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱۲).

بنابراین تربیت «همان رفع موانع و ایجاد مقتضیات لازم جهت شکوفا شدن استعدادهای انسان در مسیر کمال است» (رشیدپور، ۱۳۷۸: ج ۶، ۱۱). بر این اساس می‌توان گفت تعلیم، بخشی از تربیت است؛ زیرا تعلیم در واقع «تربیت بُعد فکری و عقلانی انسان» یا «ایجاد زمینه رشد و شکوفایی برای استعدادهای ذهنی انسان محسوب می‌شود» (سعادت، ۱۳۷۲: ۹). از دیدگاه اسلام، زن در خانواده نقش‌های متفاوتی دارد که با اجرای صحیح هر کدام

می‌تواند کانون خانواده را به محیطی برای پیشرفت و تعالی تبدیل کند.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های اندکی درباره موضوعات نزدیک به این پژوهش صورت گرفته است. از جمله کتاب *خانواده و تربیت مهدوی* از مرتضی آقا‌تهرانی و محمدباقر حیدری کاشانی که در آن به بحث خانواده مهدوی پرداخته است. کتاب *زن منتظر و منتظرپروری* از مریم معین‌الاسلام و علی غلامی نیز پژوهشی است که در آن به رسالت‌های انگیزشی، شناختی و رفتاری زن منتظر اشاره شده است. مقاله «نقش تربیتی زنان و مادران در تربیت یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» تألیف انسیه شیخ‌زاده و سید محمدرضا علاء‌الدین است که در آن به اهمیت نقش زنان در پرورش فرزندان برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید شده است. دقت در پژوهش‌های فوق نشان می‌دهد که بررسی‌ها با نگاهی محدود و به صورت کلی انجام شده در حالی که این پژوهش با نگاهی وسیع‌تر و به صورت جزئی‌تر به نقش زن در مسئله تربیت مهدوی خانواده پرداخته است.

### روش‌شناسی پژوهش

مادران در خانواده با انجام کامل و موفق وظایف مادری می‌توانند نقش مهمی در تربیت فرزندان و تشکیل خانواده مهدوی ایفا کنند. این پژوهش از نوع بنیادی بوده و از طریق جستجو در منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع فوق پرداخته و نقش مادران را در تربیت فرزندان مهدوی مورد کنکاش قرار داده است.

#### ۱. نقش مادر در تربیت فرزند مهدوی در بازه‌های مختلف زمانی

آدمی شگفت‌ترین خلقت الهی و بالاترین نشانه قدرت او است که می‌تواند مظهر جمیع صفات و کمالات الهی گردد و هدف از خلقت او مقام خلیفه الهی شدن بوده است و این امر مهم جز با تربیت حقیقی امکان ندارد.

امام خمینی رحمه الله درباره سیر تربیتی انسان معتقد است سیر آدمی تا مقام الوهیت می‌تواند ادامه پیدا کند. او با تربیت صحیح می‌تواند به همه معنویت‌ها برسد و برتر از فرشته گردد. خداوند همه جهات عالم را به صورت قوه در انسان قرار داده که باید به فعلیت برسند و چنان - چه این‌گونه تربیت الهی نشود در مرتبه حیوانیت توقف کرده و از استعدادهای خویش در

همان جهت حیوانیت استفاده می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۲۸۲).

مادر در پایه‌های این سیر و تربیت حقیقی نقش بی‌بدیلی دارد. از این رو به بیان امام خمینی تعیین ارزش و مقام زن و نقش تربیتی آن در آیات نورانی قرآن کریم و روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام فرع بر انسان‌شناسی است و آن نیز خود از هستی‌شناسی و توحید نشأت می‌گیرد و زن عنصر تابناکی است که زیر بنای فضیلت‌های انسانی و ارزش‌های والای خلیفه الله در جهان است (همان: ج ۱۶، ۱۲۵).

نقشی که اسلام، برای زن در نظام جامع تربیتی خود قائل است دقیقاً منطبق بر فطرت و جایگاه او در نظام آفرینش است و دشوارترین و ظریف‌ترین مسئولیت‌ها که به عهده پیامبران بوده بر عهده زن‌ها گذاشته شده و آن تربیت فرزند است. زن با برخورداری از ویژگی‌های خاص جسمی و روحی نقش مادری و تربیت فرزند را که زیر بنایی‌ترین نقش در نظام خلقت است و صلاح و فساد جوامع به آن بستگی دارد عهده دار است. حال که زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، باید نقش سازنده‌ای داشته باشند و بدانند که آنها نیز موظف‌اند دوش به دوش مردان برای تربیت زمینه‌سازان ظهور، تلاشی خستگی‌ناپذیر داشته باشند (آذریپوند، ۱۳۹۴: ۹۰).

هیچ انقلاب و نهضتی، بدون مقدمه و زمینه‌سازی به پیروزی نخواهد رسید انقلاب جهانی امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز از این قانون مستثنی نیست. از آن جا که انقلاب جهانی آن حضرت مهم‌ترین و گسترده‌ترین انقلاب در جهان است، یکی از موارد زمینه‌سازی برای این نهضت عظیم، تربیت نسل منتظر است که این وظیفه مهم در گام اول بر عهده زنان با ایمان است و اگر همه مادران در انجام این وظیفه تلاش کنند علاوه بر این که خود جزو یاران امام قرار می‌گیرند، صف یاران را هم افزایش می‌دهند (میر رکنی، ۱۳۹۳: ۴۹).

مکتب اسلام نیز برای تربیت فرزند، از دوران پیش از بارداری تا تولد، شیرخوارگی، کودکی و نوجوانی و جوانی دستورالعمل‌های دقیق و منظمی ارائه داده است که با رعایت آنها تربیت در جهت صحیح شکل خواهد گرفت.

#### دوران جنینی

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

فرد سعادتمند، در شکم مادر سعادتمند و فرد شقاوتمند، نیز در شکم مادر

شقاوتمند است (کلینی، ۱۳۸۹: ج ۸، ۸۱).

در حدیث مفصلی از امام باقر علیه السلام که چگونگی پیدایش انسان را بیان می کند آن حضرت می فرماید:

بعد از گذشت چهار ماه از زمانی که بین زن و شوهر مقاربت صورت گرفت و نطفه در رحم مستقر گردید، خداوند متعال به دو ملک دستور می دهد که تمام مقدرات بچه اعم از روزی، زندگانی، مرگ، تندرستی و بیماری و... را بنویسند، آن دو عرض می کنند از کجا بنویسیم؟ خداوند متعال می فرماید: به پیشانی مادر نگاه کنید و از آن جا بنویسید و البته در این روایت تصریح شده که در تمام این امور، حق تغییر و تبدیل را برای خداوند محفوظ باشد (کلینی، ۱۳۸۹: ج ۶، ۱۴؛ مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۶، ۳۴۴).

علاوه بر شخصیت خود مادر که حاصل عقائد، خلیات و اعمال او است، کیفیت و کمیت غذاهایی که مادر در دوران بارداری تناول می کند نیز در شکل گیری سعادتمندی یا شقاوتمندی فرزند تأثیر قابل توجهی دارد. به عنوان مثال از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که هیچ زن بارداری نیست که خربزه با پنیر بخورد، مگر آن که فرزندش خوشروی و خوشخوی شود (مستغفری، ۱۳۸۵: ۲۹) و پر واضح است که خوش خلقی تأثیر مستقیم و قابل توجهی در سعادتمندی شخص دارد.

#### دوران نوزادی

نام گذاری کودک در شخصیت آینده کودک موثر است. حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

نخستین احسانی که هر یک از شما به فرزندش می بخشد نام نیک است پس هر یک از شما بهترین نام ها را برای فرزندش برگزیند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۱، ۳۸۹).

در روایت آمده از جمله حقوق فرزند بر عهده والدین، نهادن نام نیک بر او و نیکو ادب کردن او است (متقی هندی، ۱۳۹۷: ج ۱۶، ۴۷۷). همچنین در روایتی دیگر آمده برای فرزندان تان قبل از ولادت شان نام انتخاب کنید، همانا پیامبر صلی الله علیه و آله محسن را قبل از آن که متولد شود، به این اسم نامید (کلینی، ۱۳۸۹: ج ۶، ۱۸). پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

نام‌های نیکو انتخاب کنید زیرا در روز قیامت فرا خوانده می‌شوید که ای فلان پسر فلان، برخیز به جانب نورت و ای فلان پسر فلان، تو را نوری نیست. معلوم می‌شود نام خوب نور و نام بد ظلمت است. در نتیجه؛ شایسته است که نام زشت برای کودک خود انتخاب نکنیم و نام‌هایی که میمنت و مبارکی دارند را به کار ببریم از نام‌هایی که دلالت بر تشبیه به کفار و اجانب دارد و نشان غرب‌زدگی و شرق‌زدگی است بپرهیزیم (احمد بهشتی، ۱۳۹۲: ۴۴-۴۶).

در فرآیند تربیت کریمانه مهدوی، پرهیز از نام‌های ناپسند نزد امام زمان (عج) و انتخاب نامی مورد رضایت و پسند آن حضرت، از امور مهم و ضروری به شمار می‌آید (آقا تهرانی و حیدری کاشانی، ۱۳۹۳: ۲۵۴). اگرچه وظیفه نام‌گذاری بر فرزند در برخی روایات به پدر واگذار شده است (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹) اما زنان با تأثیرگذاری خود بر همسران می‌توانند در این امر بسیار مهم شراکت مستقیم داشته باشند. نام نیک از چند جهت در انسان اثر می‌گذارد:

**نخست تأثیر در رفتار دیگران:** نام هر فرد نمادی از او و بیانگر هویت و شخصیت او برای دیگران است. اگر یک ایرانی با یک خارجی برخورد کند همین که نام خود را برای او بگوید، ملیت او برای فرد خارجی روشن می‌شود و با تصویری که از یک ایرانی دارد او را شناسایی و بر طبق آن با او رفتار می‌کند.

**دوم اثر تلقینی:** نام انسان برچسبی است که از آغاز تا پایان عمر حتی تا قیامت همراه انسان است و بر او اثر تلقینی دارد زیرا همه افرادی که با انسان سر و کار دارند او را بدین نام می‌خوانند. مثلاً اگر نام فردی فضل، ابوالفضل و عبدالرحمن و... باشد به انسان صفات فضیلت و بندگی خدا را تلقین می‌کند و انسان سعی می‌کند این صفات را در خود وجود آورد.

**سوم اثر انگیزشی:** انسان به طور ناخود آگاه می‌خواهد با بزرگانی که نامش از آنها گرفته شده است، همانند شود و خود را مشابه آنها کند و چنان رفتار کند که آنها رفتار کرده‌اند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۱).

بعد از وظیفه نام‌گذاری نیکو برای فرزند توسط والدین، وظایف بسیار مهم دیگری نیز بر عهده والدین و از جمله مادر است. از مجموعه تعالیم تربیتی اسلامی می‌توان فهمید که هفت سال اول، دوره به وجود آوردن اعتقاد، محبت و انگیزش‌های تربیتی به طور غیرمستقیم در نهاد پاک کودک است و نخستین سال تولد کودک، حساس‌ترین دوران زندگی او به شمار می‌-

رود. نفس کودک همانند لوح سفید و بی نقشی است که برای پذیرش هر نقشی آماده می باشد (امینی، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

قلب کودک، مانند زمین خالی است که هر بذری در آن بریزید، می پذیرد (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

بنابراین اگر والدین همت جدی بر تربیت کودک داشته باشند می توانند او را بر وجهی که دوست دارند تربیت کنند از این رو اگر کودک در محیطی مناسب و تحت تربیت والدینی صالح رشد کند و به فضائل انسانی آراسته گردد سعادتمند می شود و اگر در محیط بد و تحت تربیت والدین غیر صالح تربیت شود از سعادتمندی دور می شود و در هر دو صورت والدین در شکل گیری وجود او سهیم و در پاداش یا عقاب وی شریک هستند.

با مروری بر تعالیم ارزشمند پیشوایان معصوم علیهم السلام و دانشمندان مسلمان متوجه می شویم که مسیر تربیت فرزند از اولین لحظه تولد، با انجام مجموعه ای پیوسته از آداب اسلامی، به صورت آشکار و جدی تر از گذشته دنبال می شود. از دیدگاه تعالیم اسلامی، فرآیند تربیت و تأمین سلامت روحی و جسمی فرزند پس از تولد، با مراسم تحنیک و کام برداری، و گفتن اذان و اقامه در گوش کودک آغاز شده، و با تراشیدن موی سر، تصدق، ختنه، ولیمه، عقیقه و شیردهی به مدت دو سال ادامه پیدا می کند. رعایت تک تک این توصیه ها، تأثیر تکوینی ویژه ای در رشد و تربیت معنوی کودک خواهد داشت همان طور که عدم مراعات این توصیه ها، کودک را از یکسری بهره مندی های مادی و معنوی در دوران حیات محروم خواهد ساخت (آقا تهرانی و حیدری کاشانی، ۱۳۹۳: ۲۶۴).

آداب و سنت هایی که در سیره معصومان علیهم السلام آمده است زمینه های مساعد تربیت را در فرزند به وجود می آورد. ممکن است نقش برخی از این آداب در تربیت فرزند برای ما نهان باشد یا تأثیر کمتری داشته باشد، ولی به هر حال در تربیت فرزند مؤثر است چرا که امر تربیت دفعی نیست تا یکباره انجام شود، بلکه تدریجی است که با مهیا شدن مقدمات، زایل شدن موانع، مراعات آداب و سفارش های تربیتی و بهره گیری از شیوه های مناسب محقق می شود (حسین زاده، ۱۳۸۶: ۵۸). بنابراین همان طور که در سابق اشاره شد به هر میزان که مادر به دستورات دینی مقید باشد به همان میزان می توان انتظار تربیت بهتر فرزندان را داشت.

یکی از بهترین شیوه‌های انتقال مفاهیم دینی به خردسالان، استفاده از شیوه داستان‌گویی برای ایشان است. استفاده از داستان به منزله ابزاری برای رشد و ارتقای آگاهی و بصیرت اخلاقی پیشینه‌ای دراز دارد در قرآن کریم نیز از این روش بسیار استفاده شده است و داستان‌های فراوانی از جمله داستان حضرت یوسف علیه السلام در آن نقل شده است که این داستان‌ها حاوی مفاهیم ارزشمند دینی است. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز از داستان برای تربیت اخلاقی و دینی مردم زمان خود استفاده می‌کردند. بنابراین می‌توان گفت داستان، هم آگاهی و بصیرت اخلاقی متربی را رشد می‌دهد و هم گرایش‌ها و انگیزه‌های مثبت اخلاقی را در او می‌پروراند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۲۹-۱۳۲). تشویق و تنبیه متناسب با سنین خردسالی از سوی والدین به خصوص مادر که زمان بیشتری نسبت به پدر با فرزند سپری می‌کند نیز می‌تواند یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تربیت دینی و مهدوی باشد چنان‌که مراقبت مادر از دوستان نزدیک فرزند خردسال نیز نقش مهمی در تربیت دینی و مهدوی فرزند دارد.

#### دوران نوجوانی و جوانی

مهم‌ترین دوره تربیت فرزند دوران نوجوانی یعنی ۷ الی ۱۴ سالگی می‌باشد لذا یک مادر نمونه وظیفه شناس باید توجه ویژه به این دوران داشته باشد چراکه اضلاع و سطوح مختلف دین که در این دوران در منزل به فرزند تعلیم داده می‌شود، به تدریج در عمق جان او پابرجا و نهادینه شده و شالوده شخصیت او را بنیان می‌نهد (آقا تهرانی و حیدری کاشانی، ۱۳۹۳: ۳۰۷). اهمیت این دوران به حدی است که امام صادق علیه السلام مقید کردن فرزندان به امور دینی را در این سال‌ها توصیه کرده‌اند و فرموده‌اند:

ما بچه‌های خود را وقتی که هفت ساله شدند به روزه گرفتن امر می‌کنیم، به هر مقدار از روز که طاقت بیاورند، اگرچه نصف روز یا بیشتر و یا کمتر از آن باشد. پس وقتی که بر آنان تشنگی یا گرسنگی غلبه کرد، افطار می‌کنند این کار به خاطر این است که به روزه گرفتن عادت کنند و آرام آرام روزه کامل را تا آخر روز را طاقت آورند پس شما نیز به فرزندان خود امر کنید وقتی که نه ساله شدند، روزه بگیرند تا جایی که توان داشته باشند پس وقتی تشنگی یا گرسنگی بر آنان چیره شد، افطار کنند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۰، ۲۳۴).

یکی از امور مهم در تربیت دینی فرزندان، تعلیم آموزه‌های دینی است. تعلیم آموزه‌های

دینی باید به گونه‌ای باشد که انسان را به سمت زیبایی‌های الهی و قرآن هدایت کند از این رو مادران برای نهادینه کردن آموزه‌های دینی در روح و روان کودک باید از روش‌های ویژه‌ای مانند خواندن لالایی‌های مهدوی، قصه‌ها و شعرهای مهدوی و مناسب استفاده کنند که هم آموزه‌های دینی برای کودک جذاب باشد و هم کودک را در مسیر هدایت، سیر دهد. در دوران هفت سال نخست، هر چه سن کودک فزونی یابد، نیاز او به شعر و قصه‌های مهدوی و داستان افزایش می‌یابد (آذریپوند، ۱۳۹۴: ۹۹).

والدین و مربیان می‌توانند با ارائه معارف محبت‌انگیز مهدوی به زبانی ساده و دلنشین روح لطیف کودک را از کرامت، صداقت، رشادت، محبت و گذشت لبریز سازند؛ و به جای استفاده از تلفن‌های همراه و اسباب‌بازی‌های مخرب فکری و تربیتی، می‌توانند روح لطیف کودکان را از آوای دل‌نواز تلاوت قرآن، مدیحه‌سرایی اهل بیت علیهم‌السلام، تواشیح و سرودهای مذهبی آرام و بدون آهنگ‌های مخرب، لبریز عاطفه و محبت سازند و چه نیکو است که در این میان از لالایی‌ها و داستان‌ها و مدیحه‌سرایی‌های ساده که با نام و یاد امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکاشف آمیخته شده، استفاده شود و تعلقات عاطفی، قلبی و تربیت مهدوی را به طور غیرمستقیم و ناآگاهانه، در عمق جان فرزندان قرار داده شود (آقا تهرانی و حیدری کاشانی، ۱۳۹۳: ۲۹۱).

در این دوران حساس علاوه بر تعلیم آموزه‌های دینی، باید امام‌شناسی و مهدوی‌شناسی در جوانان و نوجوانان نهادینه گردد زیرا زمانی که یک شخص به کمالات و ولایت امامان معصوم علیهم‌السلام پی ببرد شناخت آنان را بر خود، لازم دانسته و تلاش می‌کند تا صفات نیکو و پسندیده و خصایص ممتاز امام را شناخته و با کمال جدیت و اخلاص، فرمانبردار اوامر و نواهی ایشان باشد. بر این اساس، قلب خویش را به انوار ملکوتی و برتر این خاندان روشن نموده و آن گونه که سزاوار شناخت ایشان است، بر خوان فضل و کرم ایشان نشسته و از چشمه زلال معارف آنان سیراب می‌گردد و در این راه از هیچ گونه بذل جان و مال دریغ نمی‌ورزد و در راه کسب فضائل ایشان سختی می‌کشد؛ زیرا مقصود از آفرینش خلقت را در ایشان می‌یابد و می‌فهمد که شناخت این بزرگواران به شناخت حق تعالی می‌انجامد (آذریپوند، ۱۳۹۴: ۱۰۲).

پس یکی از وظایف مهمی که بر هر پدر و مادر دوستدار خاندان اهل بیت علیهم‌السلام لازم است شناساندن آن بزرگواران و بازگو کردن جایگاه و فضائل خداگونه آنها برای فرزندان است و همین امر، زن را در تربیت نسل ولایی، مهدی‌باور، و مهدی‌یاور کمک می‌رساند. بر این اساس در عرصه تعلیم معارف اسلامی، چنان که معصومین علیهم‌السلام به ما آموخته‌اند، نیمی از تعلیم باید به

آموزش «امامت و مهدویت» اختصاص پیدا کند و نیم دیگر به آموزش تمام معارف اسلامی از جمله قرآن و تفسیر، احکام، شناخت حلال و حرام، اخلاق و غیره اختصاص داده شود (آقا تهرانی و حیدری کاشانی، ۱۳۹۳: ۳۱۶).

بدین سان محور نیمی از آموزش‌های دینی برای تربیت فرزند می‌بایست بر محور «امام‌شناسی» استوار گردد. این نکته برای مادران حائز اهمیت است که تربیت مهدوی با معرفت مهدوی رابطه‌ای مستقیم و دو طرفه دارند از یک سو هر چه شناخت و معرفت نسبت به امام زمان علیه السلام در وجود فرزندان مان بیشتر باشد، تربیت مهدوی ایشان موفق‌تر صورت خواهد پذیرفت و از سوی دیگر هر چه تربیت مهدوی عالی‌تر صورت پذیرد، معرفت مهدوی در سطوح بالاتر تحقق خواهد یافت (همان: ۳۱۷).

## ۲. نقش مادر در تربیت فرزند مهدوی در طول زمان

مادر علاوه بر وظایف مختلف در زمان‌های مختلف نسبت به فرزند خویش، وظایفی نیز در طول زمان به عهده دارد که مربوط به زمان خاصی نیست.

### ایجاد و پرورش فضائل اخلاقی

انسان اگر فضائل اخلاقی را در خود پرورش دهد و عقل را به فعلیت برساند، دنیا را با دیدی دیگر می‌نگرد دوستی و دشمنی‌اش براساس حب و بغض شخصی نمی‌شود، مهم‌ترین عامل خودسازی رسیدن به فضائل است، همین فضائل است که انسان را به مقام قرب الهی می‌رساند. در اسلام هم روح ارزش‌های انسانی قرب به خداست.

همه انسان‌ها در همه اعصار، فضائلی چون عدالت، ایثار، راستی، درستی، امانتداری، نیکوکاری را درک می‌کنند و به خوبی آنها اتفاق نظر دارند. در قرآن رستگاری قطعی، هم برای مؤمنین آمده: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (طه: ۶۵) و هم برای کسانی که خود را تزکیه کرده‌اند: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾ (اعلی: ۱۴).

همان‌طور که در بحث همسر گذشت در این جا نیز تأکید می‌شود وقتی مادر می‌خواهد فضائل اخلاقی را در فرزند خود پرورش دهد خود باید مزین به صفات فکری و رفتاری صحیح باشد؛ چرا که بخش عظیمی از این تربیت، مربوط به حوزه‌های رفتاری - عملی می‌باشد، به عبارت دیگر می‌توان گفت، بانوان در این رابطه دارای نقش اساسی هستند و می‌توانند با اقدام مناسب در زمینه پرورش فضائل اخلاقی به سبک معارف اسلامی آنها را در مورد خود و سپس با

تأثیرگذاری در خانواده در مورد افراد خانواده پیاده نمایند. با اصلاح خانواده‌ها، جامعه اسلامی نیز به رشد مطلوب خواهد رسید و منتظران واقعی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف رشد خواهند نمود (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۷۵). بنابراین می‌توان گفت عدم آراستگی زنان به فضائل اخلاقی خود از موانع ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می‌رود.

### ایجاد حال و هوای مهدوی

مهم‌ترین راهکار عملی در نهادهای سازی رفتارهای مهدوی، فضا سازی مهدوی در داخل محیط خانه می‌باشد زن منتظر باید فرهنگ مهدویت و یاد و خاطره امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در محیط خانه به گونه‌ای زنده و پویا نگه دارد که فرزندان از همان کودکی با این فرهنگ انس پیدا کنند و با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رابطه قلبی و عاطفی برقرار نمایند و حضور حضرت صاحب را در خانه خود از کودکی احساس نمایند (معین الاسلام، ۱۳۸۸: ۱۷۱).

برخی از راهکارهایی که می‌توان در این مورد پیشنهاد نمود عبارت است از: ۱. نصب صندوق صدقات در خانه و صدقه دادن برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ ۲. تهیه یک کتابخانه خانگی از کتاب‌هایی که درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و معارف مهدوی نوشته شده و تشویق اعضای خانواده به مطالعه آنان؛ ۳. شروع روز با نام خدا و یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دعای فرج؛ ۴. تهیه هدیه و عیدی به فرزندان در ولادت ائمه خصوصاً در روز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یعنی نیمه شعبان؛ ۵. حفظ و تلاوت دعا‌های مربوط به آن حضرت و تشویق فرزندان به حفظ آنها چون دعای فرج و عهد؛ ۶. یاد کردن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مأنوس بودن با آن حضرت در روزهای جمعه که منسوب به آن حضرت است؛ ۷. رفتن و بازدید از مکان‌هایی که ما را به یاد حضرت می‌اندازد مانند مسجد جمکران (آقا تهرانی و حیدری کاشانی، ۱۳۹۳: ۳۲۱)؛ ۸. قرائت منظم زیارت‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند قرائت هفتگی زیارت آل یاسین؛ ۹. سلام دادن به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از هر نماز واجب؛ ۱۰. هدیه دادن برخی از اعمال به پیشگاه مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

### رفتار سازی اقتصاد مهدوی

نظام اقتصاد اسلامی عبارت است از مجموعه قواعد کلی ارائه شده در اسلام در زمینه روش تنظیم حیات اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی، در راستای تأمین عدالت اجتماعی برای نیل به سعادت بشر و رسیدن به جامعه فاضله‌ای که تمام پیامبران و ائمه الهی برای آن تلاش

کرده‌اند. اقتصاد اسلامی برخلاف اقتصاد غربی، بر قناعت و پرهیز از مصرف‌گرایی تأکید دارد. اقتصاد غربی نیازهای انسان را نامحدود و منابع و امکانات جهان را محدود می‌داند؛ در حالی که در اسلام از سویی منابع و امکانات نامحدود معرفی شده‌اند چنان‌که خداوند می‌فرماید: «اگر بخواهید نعمت‌های خداوند را بشمارید نمی‌توانید نعمت‌های او را به حد و حصری محدود کنید» (ابراهیم: ۳۴) و از سوی دیگر نیازهای انسان محدود شمرده شده‌اند. از نظر اسلام نیازهای واقعی انسان، نیازهایی است که او را در راه عبودیت الهی یاری می‌کند و بیشتر از آن مذموم است. از این رو سفارش شده از دنیا آنچه را ضرورت ندارد جمع‌آوری نکند چنان‌که امام علی علیه السلام در نامه‌ای به یکی از یاران خویش فرمود دنیا را رها کن؛ زیرا دوستی دنیا، کور و گمراه می‌گرداند و سرافکنندگی می‌آورد (کلینی، ۱۳۸۹: ج ۲، ۱۳۶). پس از این جهت اقتصاد اسلامی به طور کامل در مقابل اقتصاد غربی است بنابراین اگر زنان بخواهند اقتصاد مهدوی را در بین فرزندان خویش نهادینه کنند بدون تردید باید با مظاهر اقتصاد غربی مقابله کنند. از نظر اسلام اقتصاد براساس «اصالت انسان» تنها جزیی از نواحی انسان را می‌تواند تنظیم کند و حل مشکلات اقتصادی منوط به اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم است. خداوند در این باره می‌فرماید:

اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم (اعراف: ۹۶).

بنابراین اسلام اقتصاد را در جهت اهداف عالی بشر دانسته و بر این اساس، نگرش سوسیالیسم و یا کاپیتالیسم<sup>۱</sup> را رد می‌کند (صدر، ۱۳۶۸: ۱۳).

اقتصاد مهدوی نیز بر پایه قناعت بنا شده است، مصرف در آن رنگ می‌بازد و در برابر آن، از تولید حمایت تام و تمام می‌شود البته مصرف تبلیغ خواهد شد اما مصرف‌گرایی و اسراف هرگز، در چنین جامعه‌ای کالاهایی که ضروری و مصرف آنها بدون اشکال است، تولید خواهد شد و روش تولید نیز نباید به هیچ وجه به کسی یا چیزی آسیب بزند. در این نظام حتی ضرر به محیط زیست نیز در نظر گرفته شده است و هیچ اولویتی نباید مخل اصل حمایت و صیانت از محیط زیست باشد (رزاقی، ۱۳۹۳). از آن‌جا که زنان نقش محوری در خانواده دارند در جهت همراهی و مدیریت اقتصادی آنها نیز تأثیر به‌سزایی خواهند داشت بنابراین با رفتارسازی

1. Capitalism

اقتصاد مهدوی از جمله سفارش به کسب درآمد از راه حلال، لغو فرهنگ مصرف‌گرایی و اسراف در بین اعضای خانواده و مواردی از این قبیل، می‌توانند گام‌های مهمی در جهت ایجاد خانواده مهدوی بردارند.

### نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد معلوم می‌شود مادران می‌توانند در حوزه مادری نقش بی‌بدیلی در تربیت خانواده مهدوی ایفا کنند. مادران که محور اصلی خانواده را تشکیل می‌دهند با تأثیرگذاری عمیق بر فرزندان خویش می‌توانند انسان‌هایی در تراز حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تربیت کنند. زنان به عنوان مادر می‌توانند با تعامل صحیح با فرزندان خویش یاران شایسته‌ای برای حکومت مهدوی تربیت کنند. این وظایف که برخی در بازه‌های زمانی دوران جنینی، دوران کودکی و دوران جوانی و نوجوانی و برخی در طول زمان است شامل طیف وسیعی از وظایف می‌شود که تأثیرات همه‌جانبه‌ای بر روی فرزندان می‌گذارد و آنها را در تراز حکومت مهدوی تربیت می‌کند.

پیشنهاد می‌گردد محققین گرامی نقش پدر را نیز در تربیت فرزند مهدوی مورد بررسی قرار دهند؛ همچنین پژوهش در رابطه با کیفیت تعامل فرزندان با یکدیگر نیز در راه تحقق خانواده مهدوی مهم به نظر می‌رسد.

### منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. امینی، ابراهیم (۱۳۸۱)، *اسلام و تعلیم و تربیت*، تهران: انجمن اولیا و مربیان، پنجم.
۲. آذر پیوند، طاهره (۱۳۹۴)، *نقش بانوان در شکل‌گیری خانواده مهدوی*، پایان‌نامه سطح ۲ حوزه علمیه خواهران.
۳. آقاههرانی، مرتضی؛ حیدری کاشانی، محمدباقر (۱۳۹۳)، *خانواده و تربیت مهدوی*، قم: کتاب یوسف.
۴. بهشتی، احمد (۱۳۹۰)، *اسلام و تربیت کودکان*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۵. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۷۷)، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، قم: انتشارات مرکز جهانی

- علوم اسلامی، اول.
۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۷. حسینی‌زاده، سید علی (۱۳۸۴)، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. حسینی‌زاده، سید علی (۱۳۸۶)، *تربیت فرزندان*، بی‌جا: نشر حوزه و دانشگاه.
۹. رزاقی، ابراهیم (۱۳۹۳)، «درآمدی بر اقتصاد مهدوی»، *روزنامه سپهر غرب استان همدان*.
۱۰. رشیدپور، مجید (۱۳۷۸)، *آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان، اول.
۱۱. سعادت، محمد علی (۱۳۷۲)، *اخلاق اسلامی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، اول.
۱۲. شیخ‌زاده، انسیه؛ علاء‌الدین، سید محمدرضا (۱۳۸۷)، «نقش تربیتی زنان و مادران در تربیت یاران حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف»، *مجله قرآنی‌کوثر*، شماره ۳۰.
۱۳. صدر، سید موسی (۱۳۶۸)، *اقتصاد در مکتب اسلام*، مقدمه: علی حجتی کرمانی، تهران: مشعل دانشجو.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۹)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. متقی‌هندی، علاء‌الدین (۱۳۹۷ق)، *کنز العمال*، تصحیح: صفوة السقا، بیروت: نشر التراث الاسلامی.
۱۶. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲)، *بحار الانوار*، تحقیق: سید جواد علوی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مستغفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۵ق)، *طب النبی ﷺ*، محقق و مصحح: علی اکبر الهی خراسانی، نجف: مکتبه الحیدریه، اول.
۱۸. معین، محمد (۱۳۷۵)، *فرهنگ لغت فارسی*، تهران: نشر امیرکبیر، نهم.
۱۹. معین‌الاسلام، مریم و غلامی، علی (۱۳۸۸)، *زن منتظر و منتظرپروری*، قم: مؤلف، دوازدهم.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹)، *صحیفه نور*، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی، پنجم.
۲۱. میرکی، سمانه (۱۳۹۳)، *وظایف و خصوصیات زنان منتظر*، پایان‌نامه سطح ۲ حوزه علمیه

خواهران.

۲۲. هاشمی، ریحانه (۱۳۸۶)، «نقش زن در زمینه سازی ظهور»، *مجله انتظار موعود*، شماره ۲۲.



## **The idea of Mahdism and the culture of expectation and its role in promoting the power and authority of the armed forces of the Islamic Republic of Iran**

**Dr. Doostali Sanchooli<sup>1</sup>**

### **Abstract**

One of the most important issues in promoting the power and authority of the armed forces of the holy system of the Islamic Republic of Iran is the role of the doctrines of Mahdism and the culture of expectation. They believe that in the age of occultation, they should try to increase their military and defense power under the order of the religious leader, who is considered the vicegerent of the Imam of the time (a.s), so that the necessary preparations and grounds for the emergence of that Imam are provided. This research, which was conducted using documentary methods, subject literature, and the necessary theoretical foundations obtained through specialized books, the Internet, and databases, examined the role of the Mahdist ideology and the culture of waiting in promoting the power and authority of the armed forces of the Islamic Republic, and examined and analyzed how to provide the necessary platform for the emergence of Imam Hujat (a.s.). The research results will be applied and used by defense decision-makers. In addition to strengthening hardware power, they should also include strengthening software power resulting from Mahdavi's teachings more on their agenda. This is something that Imam Khomeini (may God have mercy on him) and the Supreme Leader (may God protect him) as the commanders-in-chief of the forces emphasized and continue to emphasize. This approach can, in addition to maintaining the security and authority of the Islamic Republic of Iran, further prepare the ground and groundwork for the emergence of the Imam.

**Keywords:** Mahdavi thought, Islamic Republic of Iran, armed forces, power and authority, foundation for emergence

---

1. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Zabol, Iran(d.sanchooli@uoz.ac.ir)

## اندیشه مهدویت و فرهنگ انتظار و نقش آن در ارتقای قدرت و اقتدار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

دوست علی سنجولی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مسائل بسیار مهم در ارتقای قدرت و اقتدار نیروهای مسلح نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نقش آموزه های مهدویت و فرهنگ انتظار می باشد. آنان بر این باورند که در عصر غیبت باید تلاش نمایند تا تحت امر ولی فقیه، که نائب امام زمان عجل الله تعالی فرجه له محسوب می شود بر توان نظامی و دفاعی خود بیفزایند تا مقدمات و زمینه های لازم جهت ظهور آن حضرت فراهم گردد. در این پژوهش که با استفاده از روش اسنادی، ادبیات موضوع و مبانی نظری مورد نیاز از طریق کتاب های تخصصی، اینترنت و بانک اطلاعاتی به دست آمده است، به نقش اندیشه مهدویت و فرهنگ انتظار در ارتقای قدرت و اقتدار نیروهای مسلح نظام جمهوری اسلامی پرداخته و چگونگی فراهم نمودن بستر لازم برای ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه له را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. نتایج پژوهش کاربردی و مورد استفاده تصمیم گیرندگان بخش دفاعی قرار می گیرد. آنان می بایست علاوه بر تقویت قدرت سخت افزاری، تقویت قدرت نرم افزاری ناشی از آموزه های مهدوی را بیشتر در دستور کار خویش قرار دهند. امری که امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به عنوان فرماندهان کل قوا بر آن تأکید داشتند و دارند. این رویکرد می تواند علاوه بر حفظ امنیت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران، بستر و زمینه ساز ظهور آن حضرت را بیشتر فراهم سازد.

### واژگان کلیدی

اندیشه مهدویت، جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح، قدرت و اقتدار، زمینه سازی ظهور.

### مقدمه

یکی از آرمان های مشترکی که در همه ادیان الهی و حتی برخی از آیین های غیرالهی، به آن بشارت داده شده، اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان است. این موعود آخرالزمانی، در دین

۱. استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زابل، زابل، ایران (d.sanchooli@uoz.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۹/۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۷

زرتشتی «سوشیانت یا سوشیانس» خوانده می‌شود. به تعبیری «همان کالکی هندوان» (دهمین تجلی ویشنو)، بودای پنجم بوداییان، ماشیح یهودیان، مسیح مسیحیان و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الموعود مسلمانان است» (آصف آگاه، ۱۳۸۷: ۱۳). پیروان این ادیان معتقدند که منجی موعود در پایان جهان با ظهورش تحولاتی را در این دنیا رقم می‌زند که با زمان قبل از ظهور تفاوت‌های اساسی دارد. در دین اسلام و به ویژه، مذهب شیعه امامیه، این منجی موعود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الموعود، دوازدهمین امام و چهاردهمین معصوم عجل الله تعالی فرجه الموعود است که با ظهورش جهان را از پلیدی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و ظلم و ستم پاک می‌گرداند و آرمان شهر بشریت را پدید می‌آورد. یکی از تفاوت‌های اساسی که در اعتقاد سایر ادیان و آئین‌ها نسبت به اسلام درباره موعود آخرالزمان وجود دارد، این است که در اسلام بر آماده‌سازی فردی و اجتماعی در زمینه‌های فکری، معنوی، مادی و فیزیکی و حتی جسمی منتظران، جهت فراهم نمودن مقدمات لازم برای تعجیل در ظهور آن حضرت تأکید شده است. «کارکردهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی این اعتقاد همچون امیدآفرینی و آرامش‌بخشی آن در بین متدینان و ایجاد جنبش‌ها و حرکت‌های تاریخ‌ساز و احیاگر در عالم تشیع، واقعیتی تاریخی و غیرقابل انکار است که عقیده به مهدویت را از آرمانی صرفاً ذهنی، روحی و یا فکری خارج کرده و آن را به نیروی محرک در تاریخ مبدل ساخته است» (فلاح رفیع، ۱۳۸۶: ۲۰۶).

### بیان مسئله و سؤالات تحقیق

زمان و چگونگی ظهور موعود آخرالزمان، مسئله اصلی منجی باوران و منتظران موعود آخرالزمانی در طول تاریخ بوده و خواهد بود. انسان در طول تاریخ نسبت به آینده و پایان تاریخ دغدغه داشته؛ ولی در عصر حاضر بر این دغدغه‌ها افزوده شده و نگرانی بشر نسبت به آینده و فرجام تاریخ بیشتر گردیده است. موعودگرایان برای رفع نگرانی و دغدغه‌های‌شان در انتظار فرج و ظهور منجی آخرالزمان به سر می‌برند و امیدوارند وی با ظهورش، نگرانی آنان را برطرف سازد.

مفهوم انتظار در اسلام و مذهب شیعه با دیگر ادیان و مذاهب، تفاوت اساسی دارد. جامعه شیعی به وضع موجود راضی نبوده و برای رسیدن به آرمان مطلوب که داشتن جهانی سرشار از عدالت و امنیت و آرامش است، تلاش می‌نماید. «به عقیده شیعه، هر حکومتی به هر شکل و قالبی غاصب و ظالم است، مگر آن که امام معصوم یا نائب او، حکومت را در دست

گیرد» (پورسیدآقای و همکاران، ۱۳۷۹: ۳۷۶). چنین باوری منتظران ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به جامعه‌ای فعال و پویا تبدیل می‌کند که در برابر زورگویان و متجاوزان به حقوق انسانی انسان‌ها منفعل و بی‌تفاوت نیستند. از این رو آنها باید بر قدرت و توان دفاعی خود در همه ابعاد، به‌ویژه، بُعد نظامی و دفاعی بیفزایند. ارتقای قدرت و اقتدار نیروهای مسلح که در صف اول مبارزه با غاصبان و ظالمان و دشمنان حکومت آن حضرت قرار دارند، بسیار مهم و ضروری است. براساس آموزه‌های فرهنگ مهدویت، در طول تاریخ منتظران آن حضرت در تلاش بودند تا امکانات و تجهیزات نظامی برای مبارزان با دشمنان آن حضرت را مهیا سازند و ایشان به اذن خداوند، ظهور نموده و حکومت عدالت‌گستر جهانی وعده داده شده را محقق نمایند.

از شیخ حسن جویری، یکی از رهبران جنبش شیعی سربداران نقل شده است که وی براساس آموزه‌های فرهنگ انتظار، مردم را به مبارزه با ظالمان و ستمگران عصر خود دعوت می‌کرد و به مریدان خود می‌گفت که اسامی مبارزان و رزمندگان را تهیه و امکانات و تجهیزات نظامی را فراهم نمایند تا زمانی که حضرت ظهور کرد او را با نیروهای مسلح در مبارزه با دشمنانش یاری نمایند (رک: میرخواند، ۱۳۸۰: ج ۳، ۳۵۹). شیخ حسن جویری در حقیقت به این فرموده امام صادق علیه السلام جنبه عملی می‌بخشید که ایشان به منتظران امام زمان علیه السلام فرمودند:

هریک از شما باید برای قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اسلحه تهیه کند، گرچه یک نیزه باشد و اگر خداوند ببیند که کسی چنین قصدی دارد، امید است عمر او را دراز کند تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دریابد و از یاران او شود (الهامی نیا، ۱۳۸۲: ۴۲ به نقل از مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۶۶).

هم چنین یاقوت حموی نقل می‌کند که:

در شهر کاشان، یکی از کانون‌های عمده تشیع در ایران، در ربع اول قرن سیزدهم میلادی، سران شهر هر روز هنگام سپیده دم، از دروازه خارج می‌شدند و اسب زین کرده‌ای را با خود می‌بردند تا حضرت مهدی در صورت ظهور بر آن سوار شود (پطروشفسکی، ۱۳۵۱: ۱۴).

همین اشاره در روضات الجنات نیز آمده است:

خواجه علی مؤید، اظهار مذهب شیعه کرده، در آن باب غلوی تمام نمود، و سکه و خطبه به نام خود ساخت و هر روز اسبی بیرون می‌کشید که ظهور

امام محمد مهدی خواهد بود (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ج ۲، ۲۹).

مقام معظم رهبری در بیانات‌شان به مناسبت جشن نیمه شعبان، این عمل را نوعی عمل نمادین می‌داند که انسان از لحاظ علمی و فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدان‌های فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشد (خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

با توجه به این مسئله، در این پژوهش تلاش می‌شود تا ضمن بررسی نقش اندیشه مهدویت در قدرت و اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که نیروهای مسلح نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران چه نقشی در فراهم نمودن مقدمات و زمینه‌سازی برای تعجیل در ظهور منجی آخرالزمان، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت جهانی آن حضرت برعهده دارند؟

### اهمیت و ضرورت تحقیق

آگاهی و شناخت درست مفهوم انتظار و آموزه‌های مهدویت، برای منتظران ظهور منجی آخرالزمان به ویژه نیروهای مسلح نظام ولایی و مقدس جمهوری اسلامی ایران، موجب ارتقای توان و قدرت دفاعی آنها می‌شود. کسانی که در صف اول مبارزه با دشمنان آن حضرت به عنوان سربازان امام زمان قرار دارند. از این رو ضروری است تا با شناخت دقیق نقش اندیشه مهدویت در قدرت و اقتدار نیروهای نظامی و مجهز شدن آن به تجهیزات پیشرفته دنیا، زمینه لازم برای مبارزه با دجال صفتان و اهریمنان بدخو فراهم گردد و بدین وسیله موانع غیبت آن حضرت برطرف شود و با ظهور ایشان حکومت عدالت گستر جهانی تحقق یابد.

### پیشینه تحقیق

به دلیل اهمیت زیاد موضوع منجی موعود آخرالزمان و مسئله سرنوشت جهان و آینده زندگی بشر، تا کنون پژوهش‌های بسیاری در این رابطه صورت گرفته است که برخی از آنها عبارتند از:

نائینی (۱۳۸۰)، در مقاله «جان و جانان: امام زمان علیه السلام از نگاه مقام معظم رهبری»، صرفاً دیدگاه‌ها و بیانات مقام معظم رهبری را تا سال ۱۳۸۰ پیرامون مهدویت و آموزه‌های مهدوی گردآوری و تدوین نموده و تحلیلی از خود ندارد. کفیل (۱۳۸۳)، در مقاله «عدالت مهدوی در

اندیشه امام خمینی رحمه الله، به جمع‌آوری برخی از بیانات و دیدگاه‌های امام خمینی رحمه الله پیرامون عدالت در حکومت جهانی امام زمان علیه السلام پرداخته است. فلاح رفیع (۱۳۸۶)، در مقاله «مهدویت، فرجام‌اندیشی تاریخ و فلسفه تاریخ هگل»، به مقایسه فرجام‌اندیشی و بحث آینده جهان از نظر اسلام و فلسفه تاریخ هگل پرداخته و تفاوت آموزه‌های مهدویت با دیدگاه فلاسفه تاریخ به‌ویژه هگل را بیان نموده است.

فیروزآبادی (۱۳۸۶)، در مقاله «آینده‌نگاری راه‌بردی در دکتترین مهدویت»، با تحلیل آینده‌نگاری در دکتترین مهدویت، تلاش نموده تا با ترسیم چهره منتظران واقعی آن حضرت، قالب و راهکارهایی برای همکاری جهانی عدالت‌خواهان و موعودگرایان ارائه کند. پورسید آقایی (۱۳۸۸)، در مقاله «زمینه‌سازی ظهور»، روایات مربوط به زمینه‌سازی برای ظهور را مورد بررسی و نقد قرار داده است. آل نبی (۱۳۹۶)، در مقاله «انقلاب اسلامی آغاز ظهور یا زمینه‌ساز ظهور»، دو دیدگاه مربوط به انقلاب اسلامی را درباره این‌که برخی آن را آغاز ظهور می‌دانند و برخی مقدمه و زمینه‌ساز آن، مورد نقد و بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور می‌تواند باشد نه آغاز ظهور. فتاحی اردکانی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله «تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه جوزف نای»، به بررسی مفهوم قدرت و اقتدار، و منابع قدرت و انواع آن، به‌ویژه، قدرت سخت، نرم و هوشمند از منظر جوزف نای پرداخته و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. دهقان (۱۴۰۰)، در مقاله «الگوی قدرت نظامی ج.ا. ایران براساس فرهنگ مهدویت»، تأکید بر اولویت اول قرار دادن قدرت نظامی براساس فرهنگ مهدویت می‌ورزد و توصیه به تقویت بُعد نرم‌افزاری به تصمیم‌گیرندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران دارد.

چنان‌که ملاحظه می‌شود تحقیق مستقلی که به موضوع «اندیشه مهدویت و فرهنگ انتظار و نقش آن در ارتقای قدرت و اقتدار نیروهای مسلح نظام جمهوری اسلامی ایران» پرداخته باشد صورت نگرفته است.

## بحث و بررسی

ظرفیت‌سازی و آمادگی نیروهای مسلح جهت فراهم ساختن زمینه لازم برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر امام خمینی رحمه الله

امام خمینی رحمه الله جهت فراهم کردن مقدمات و زمینه‌سازی لازم برای تحقق حکومت

جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به آحاد مردم مسلمان، به ویژه منتظران واقعی آن حضرت سفارش‌های فراوانی نموده‌اند. انتظار در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه مفهومی جز آمادگی فردی و اجتماعی برای برپایی حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد و این اندیشه همان چیزی است که در فرهنگ شیعه بر آن تأکید شده است. بدون شک نیروهای مسلح نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که تحت فرمان ولی فقیه به عنوان فرمانده کل قوا قرار دارند، بهتر از سایر بخش‌های جامعه سفارش فرمانده خود را دریافته و برای تحقق آن تلاش مضاعفی می‌نمایند. آنها خود را سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تلقی می‌نمایند و فرمانده و رهبرشان را به عنوان ولی فقیه، نائب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت می‌دانند.

از منظر امام خمینی رحمته الله علیه پدیده ظهور یک رخداد فوق‌العاده و بی‌نظیر تاریخ بشریت به شمار می‌رود، ولی هرگز پدیده فراطبیعی و منقطع از اوضاع جاری این عالم نیست، بلکه رخداد ظهور برای برپایی نظام عدل و تحقق حاکمیت همه‌جانبه اسلام و برای سامان دادن به اوضاع زندگی بشر است. بدیهی است که چنین رخدادی همانند دیگر رخدادهای طبیعی مقدمات و بسترهای خاص خود را می‌طلبد که بدون آن تحقق چنین تحول عظیمی امری ناممکن و انتظاری نامعقول است (آل نبی، ۱۳۹۶: ۱۴۰-۱۴۱). امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه می‌فرمایند: ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۸، ۳۷۴).

نیروهای مسلح نظام جمهوری اسلامی در همین راستا به فرمان رهبرشان گوش داده و از تمام ظرفیت‌های خود برای اجرای آن فرمان بهره می‌برند تا قدرت اسلام و اقتدار جهان اسلام و به ویژه ایران عزیز روزبه‌روز ارتقای بیشتری یابد. این نیروها که در مکتب امام خمینی رحمته الله علیه پرورش یافته‌اند، به خوبی می‌دانند که انتظار فرج انتظاری پویا و پرتحرک است و «باید ماهیت انتظار شناخته شود تا انتظار، انتظاری اسلامی باشد و شیعی و سازنده نه یک تنبلی و تکلیف‌رهایی و وادادگی» (حکیمی، ۱۳۶۰: ۳۶۶). در زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز آمده که:

خداوند! چنان که دل مرا با یاد حجت خود آباد ساختی، سلاح مرا نیز در یاری او آماده و آخته ساز (آل نبی، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

از این سخنان چنین برمی آید که برای زمینه سازی و تهیه مقدمات ظهور، علاوه بر تقویت ایمان و صفای دل، به سلاح و تجهیزات به روز و پیشرفته و کارآمد نیز باید مجهز بود. «در نگاه راهبردی امام خمینی رحمه الله مفهوم غیبت، منتظر را به انزوا نمی کشاند و او را از مسئولیت های اجتماعی نمی رها کند. امام با نگاه عقل گرایانه به مفهوم انتظار و نه نگاه نقل گرایانه (اخباری) که نقش حداقلی را برای انسان منتظر تعریف می کرد، توانست احساس مسئولیت فردی و اجتماعی را در سطح جامعه به بالاترین حد ممکن که تشکیل حکومت بود، ارتقا بخشد و ادبیات سلبی انتظار را به گفتمان ایجابی و مثبت اندیش آن بدل سازد» (شجاعی مهر، ۱۳۹۱: ۲۰۲).

امام خمینی رحمه الله درباره ارتقای قدرت منتظران آن حضرت، برای یاری ایشان و مهیا نمودن زمینه های ظهور می فرماید:

این کشوری که کشور ائمه هدی و کشور صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، باید کشوری باشد که تا ظهور موعود، ایشان به استقلال خویش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را ان شاء الله به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان می گذرد، جلوگیری کند (کفیل، ۱۳۸۳: ۳۸).

امام به مردم ایران توصیه می نماید که ایران کشور ائمه و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و باید همه منتظران آن حضرت تلاش نمایند تا ایران استقلال خود را در برابر قدرت های زورگو و ظالم حفظ نماید و بر قدرت خویش بیفزاید و این قدرت روزافزون را در اختیار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهد تا حکومت های ظالم را از سرتاسر دنیا براندازد. مسلم است که مورد خطاب امام خمینی رحمه الله علاوه بر احاد مردم ایران، نیروهای مسلح نیز هستند، زیرا نیروهای مسلح در قدرت آفرینی و حفظ استقلال کشور سهم به سزایی دارند و می توانند به عنوان سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زمینه ظهور ایشان را مهیا نمایند. امام خمینی رحمه الله آمادگی فردی و اجتماعی را برای احاد مردم، به ویژه، مسئولین و کارگزاران نظام اسلامی یک تکلیف می داند و می فرماید:

ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای این که اگر چنانچه موفق شدیم ان شاء الله به زیارت ایشان، طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه هایی که الان به کار گرفته شده اند در کشور ما، ... باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (شفیعی سروسنایی، ۱۳۸۸: ۳۶۹).

**ظرفیت‌سازی و آمادگی نیروهای مسلح جهت زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر مقام معظم رهبری**

مقام معظم رهبری به عنوان خلف صالح حضرت امام خمینی رحمته الله علیه همان اندیشه و تفکر ایشان درباره آموزه‌های مهدویت و فرهنگ انتظار را در بین آحاد مردم و به‌ویژه نیروهای مسلح که تحت فرمان ایشان هستند، تبیین نموده و به آنان و همه مردم ایران، جهت آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی توصیه می‌نماید. ایشان انتظار را این‌گونه معنی می‌کنند:

ما مأمور به انتظاریم؛ انتظار یعنی چه؟ انتظار به معنای مترصد بودن است. در ادبیات نظامی یک چیزی داریم به نام «آماده باش»، انتظار یعنی آماده باش! باید «آماده باش» باشیم. انسان مؤمن و منتظر، آن کسی است که در حال آماده باش است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۲/۲۰).

ایشان علاوه بر آمادگی، به تلاش برای ساختن جامعه‌ای نزدیک به جامعه مهدوی نیز سفارش می‌نماید و به منتظران آن حضرت می‌گوید:

ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حرکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته ما کوچک‌تر از آن هستیم که بتوانیم آن‌گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۲/۲۶).

در آموزه‌های اسلامی نیز آمده است که آن حضرت با ظلم ظالمان و زورگویان دنیا مبارزه می‌کند. بر همین اساس معتقدان به مهدویت در عصر انتظار باید سعی نمایند در راه اجرای عدل و قسط در جامعه و مبارزه با ظلم و بیداد قدم برداشته و از این طریق جامعه را برای ظهور بزرگ پرچم‌دار عدالت مهیا نمایند. متجاوز از ۲۵۰ آیه در قرآن کریم، ظلم، پذیرش و تحمل و سازش و ارتباط با ظالمان را تقبیح و محکوم کرده است (فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۲۰). یکی از ابزارهای مبارزه با ظالمان و بیدادگران قوای مسلح هستند که براساس اندیشه مقام معظم رهبری باید با قدرت به مبارزه ظالمان و مستکبران پردازند و با تقویت قدرت خویش، برای تعجیل در ظهور ایشان بسترسازی نمایند؛ زیرا به تعبیر ایشان، عدالت با موعظه و نصیحت به

دست نمی‌آید. ایشان می‌فرمایند که مهدی موعود ملت‌ها نمی‌آید ستمگران عالم را نصیحت کند که ظلم و زیاده‌طلبی و سلطه‌گری و استثمار نکنید. با زبان نصیحت عدالت در هیچ نقطه عالم مستقر نمی‌شود. استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن‌طور که وارث انبیاء انجام خواهد داد - و چه در همه بخش‌های دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰). البته ظالمان و زورگویان عالم هم در طول تاریخ نسبت به فرهنگ مهدویت بی‌تفاوت نبوده و برای نابودی آن تلاش زیادی کرده‌اند. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریع شیعه را تا امروز از آن همه پیچ و خم‌های عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله عزت و پرچم سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شیعه ایران است. هر جا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد. به همین خاطر، یکی از اساسی‌ترین کارهای استعمار و استکبار و ایادی آنها، این بوده است که عقیده امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند. امام زمان علیه السلام کسانی را لازم دارد که در مقابل پدیده‌های تلخ و دشوار، مردّد و متزلزل نشوند و عقب ننشینند تا بتوان با اینها وارد کار عظیمی بشود که قرار است دنیا را متحول کند... ایشان باید در مقابل همه مشکلات بایستد، یک سیستم قوی لازم است که افراد آن غیرمتزلزل باشند. بصیرت نافذ و راسخ داشته باشند که هیچ مشکلی آنان را مردّد نکند و امام عزیز ما این‌گونه بود... امام زمان علیه السلام افرادی را لازم دارد که آگاه، بصیر، خبیر، متوکل به خدای متعال، توجه‌کننده به جزئیات و آن‌گاه فداکار، کاردان در اداره جامعه و رزمجو با دشمن باشند (نائینی، ۱۳۸۸: ۴۱). افرادی با چنین صفات و ویژگی‌هایی که مقام معظم رهبری برای منتظران امام زمان علیه السلام برشمرده‌اند، در نیروهای مسلح ما در هشت سال دفاع مقدس و مبارزه با داعش و مدافعان حرم کم نبودند که با دجال‌صفتان به مبارزه برخاستند. شهید بزرگوار سپهبد حاج قاسم سلیمانی و شهید محسن حججی را که تربیت شده مکتب امام و رهبری بودند، می‌توان از زمره آنان برشمرد. آنان و افرادی نظیر ایشان، تا آخرین قطره خون خود برای زمینه‌سازی ظهور مولای خود و رضایت نائب ایشان فداکاری و جان‌نثاری نمودند. بحمدالله، همانند این بزرگواران در نیروهای مسلح ما که خود را سرباز ولایت می‌دانند، کم نیستند.

نگاه امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری جهت آمادگی نظامی و تجهیزاتی منتظران امام زمان علیه السلام برخاسته از آموزه‌های دین اسلام و مذهب تشیع است که امامان شیعه به آمادگی

رزمی سفارش کرده‌اند. در همین راستاست که امام صادق علیه السلام به منتظران حضرت قائم سفارش می‌کند که:

خودتان را برای قیام قائم آماده سازید، گرچه به فراهم آوردن یک تیر باشد (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۳۲۰).

در جای دیگر آن حضرت می‌فرمایند:

هر کس چهارپایی را در انتظار امر ما مهیا سازد درحالی که بر دشمن ما غضبناک و منسوب به ما (شیعه) باشد، خداوند روزی‌اش را وسیع و سینه‌اش را گشاده گرداند و او را به آرزویش برساند و به برآورده شدن حاجت‌هایش کمک کند (پورسیدآقایی، ۱۳۸۸: ۳۰؛ به نقل از کلینی، ج ۶، ۵۳۵).

مجهز شدن به تیر و تهیه چهارپا (اسب) از تجهیزات نظامی آن عصر بوده و امام به مجهز شدن به سلاح توصیه می‌نماید. مسلم است که این توصیه بیشتر به نیروهای مسلح است که برای یاری قائم باید مجهز به سلاح ایمان و تجهیزات پیشرفته بشوند؛ زیرا با موعظه و نصیحت، ظالمان از سر راه عدالت خواهان کنار نمی‌روند. اگر آحاد مردم و به ویژه، نیروهای مسلح با قدرت ایمان و تجهیزات خود زمینه را برای حکومت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه فراهم نکنند، چه بسا به تعبیر مقام معظم رهبری تاریخ تکرار شود و آنچه برای حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روی داد، برای امام زمان علیه السلام، نیز روی دهد. مقام معظم رهبری عدم توفیق حضرت علی علیه السلام در حکومت و شهادت در محراب آن حضرت را به دلیل عدم زمینه‌های آماده برای حکومت آن حضرت می‌داند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۲۶). در این آمادگی علاوه بر آحاد مردم، نیروهای مسلح نقش به‌سزایی دارند.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، جوانان مؤمن انقلابی که نیروهای مسلح را هم شامل می‌شود، مورد خطاب قرار داده و می‌فرمایند:

دهه‌های آینده دهه‌های شماسست و شما باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

## جایگاه قدرت و اقتدار نظامی و دفاعی در زمینه سازی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از مسائل بسیار مهم در زمینه سازی ظهور و تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نقش قدرت و اقتدار نظامی و دفاعی نیروهای مسلح است که شامل قدرت سخت افزاری و نرم افزاری می باشد. به کارگیری درست و بهینه این دو مؤلفه توسط قوای مسلح، می تواند علاوه بر حفظ استقلال، امنیت و رفاه و آسایش، گسترش عدالت و رفع ظلم در جامعه قبل از ظهور، بستر و زمینه ساز ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل آرمان شهر مهدوی نیز گردد. تمدن نوین اسلامی که مقدمه طلوع خورشید ولایت و تشکیل حکومت عدالت گستر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد، نویدبخش حاکمیت مستضعفان و انسان های صالح است که خداوند متعال وعده آن را در قرآن کریم بشارت داده است:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَتُكِنُّ هُمُ فِي الْأَرْضِ وَتُرى فُزَعُونَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ (قصص: ۵-۶)

اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم، و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم! حکومت شان را پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم. همچنین، در جای دیگر آمده است:

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (حدید: ۱۷)؛ بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند. ما آیات [خود] را برای شما بیان کردیم، شاید بیاندیشید.

مفسران مردن زمین را کنایه از فساد آن در اثر ظلم و جور دانسته و زنده شدن آن را به واسطه ظهور اسلام و محو آثار ستمگران قلمداد می کنند (مجلسی، ۱۳۳۹: ج ۱۳، ۶۳). عدالت خواهی از آرمان های بشر در طول تاریخ بوده است و خداوند متعال یکی از اهداف فرستادن پیامبران را برقراری عدالت و گسترش آن در جامعه معرفی کرده است:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حدید: ۲۵).

بدیهی است که عدالتی را که پیامبران برای برقراری آن فرستاده شده بودند، به صورت کامل نتوانستند آن را در سرتاسر زمین محقق نمایند؛ اما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با تشکیل حکومت جهانی و بسط و گسترش آن در سرتاسر گیتی محقق خواهد کرد. پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله درباره حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، آن روز را خداوند می‌گستراند تا فرزندم مهدی قیام کند؛ پهنه زمین به نور او روشن گردد و حکومت او شرق و غرب گیتی را فرا گیرد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۰).

امام باقر علیه السلام در باره تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

گویا من یاران قائم را می‌بینم که بر شرق و غرب جهان احاطه یافته‌اند و همه چیز تحت فرمان آنان است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۲۷).

منجی آخرالزمان از دیدگاه اسلام، حکومت جهانی خود را با عدالت خواهد گسترانید و به عبارتی او عدالت‌گستر است. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایتی است که می‌فرماید:

شما را به حضرت مهدی علیه السلام مژده می‌دهم که او زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌طور که پر از ظلم و ستم شده است (مجلسی، ۱۳۳۹ق: ج ۱۳، ۳۹).

امام صادق علیه السلام در مورد فراگیر شدن عدالت در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند:

به خدا قسم، عدالت را در خانه‌های مردم خواهد برد، آن‌چنان که سرما و گرما به درون خانه‌ها نفوذ می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۶۲).

عدالت کامل زمانی محقق می‌شود که ظلم و پذیرش آن از بین برود. بدیهی است که تحقق عدالت و محو ظالمان و دجال و دجال‌صفتان و اهریمن‌سیرتان در جهان پیش از ظهور و حتی پس از آن، به مؤلفه‌های مختلفی بستگی دارد که یکی از مهم‌ترین آنان قدرت و توانایی‌های نظامی نیروهای مسلح می‌باشد. حال باید دید که قدرت و اقتدار نیروهای مسلح چگونه باید روزافزون شود و ارتقا یابد تا زمینه برای ظهور و تشکیل حکومت جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم گردد؟

قدرت، عبارت است از فرصت و توانایی که یک بازیگر با جایگاهی که دارد، می‌تواند اراده

خودش را با وجود مقاومت دیگری و به رغم میل دیگران، اعمال و اجرا کند و به فرد امکان می‌دهد تا اراده‌اش را حتی به رغم مقاومت دیگران بر آنها تحمیل کند (سیدباقری، ۱۳۹۰: ۷۱). از مفاهیم همسوی قدرت، اقتدار است. در لغت اقتدار به معنای قدرت یافتن، قدرت داشتن، توانا شدن و توانایی می‌باشد (عمید، ۱۳۸۹: ۱۵۴). در زبان عربی اقتدار از ماده قدر مشتق و معنای آن «القوه» بیان می‌شود. القوه به فارسی نیرو و توانایی ترجمه شده است. معادل واژه اقتدار در زبان انگلیسی کلمه (authority) است. این اصطلاح در دیکشنری آکسفورد «حق یا قدرت فرمان دادن و به تمکین درآوردن دیگران» معنا شده است. برای این اصطلاح معانی دیگری همچون: قدرت، اختیار، صلاحیت، حق، صاحب اختیار، دارای حق، مرجع، مرجعیت، مسئولان امور، منبع موثق، سلطه، قدرت مشروع، آمریت، وثاقت و حجیت نیز ذکر شده است (لاریجانی و غلامی ابرستان، ۱۳۹۰: ۶۹). قدرت نعمتی است که می‌توان از آن بهره‌های فراوان گرفت تا جامعه انسانی به آرمان‌های متعالی خود دست یابد. قدرت دارای مؤلفه‌هایی به شرح زیر است:

قدرت در نگاه برخی افراد همانند جُزف نای به دو نوع «سخت» و «نرم» قابل تقسیم‌بندی است. البته وی به نوع سومی تحت عنوان قدرت هوشمند نیز اشاره می‌کند و می‌گوید:

من در سال ۲۰۰۴ م با طرح اصطلاح قدرت هوشمند و به قصد مقابله با سوء برداشتی دال بر کفایت تنها قدرت نرم برای یک سیاست خارجی کارآمد، این مفهوم را مترادف توانایی تلفیق منابع قدرت سخت و نرم برای دستیابی به راهبردهایی کارگشا عنوان کردم (نای، ۱۳۹۲: ۴۹).

بنابراین قدرت هوشمند شناسایی هر دو نوع قدرت سخت و نرم و استفاده از آنها در شرایط مختلف برای رسیدن به نتیجه است (فتاحی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۶). در بُعد قدرت نظامی هم می‌توان قائل به تقسیم‌بندی قدرت نظامی، به قدرت سخت، نرم و هوشمند بود.

#### ۱. قدرت سخت

قدرت سخت ناشی از ابزار و ادوات و تجهیزات نظامی است. راهبردهای قدرت سخت همواره متکی بر توان و قابلیت سازمان‌های نظامی است (دهقان، ۱۴۰۰: ۳۳۵). دین اسلام بر توان نظامی و آمادگی دفاعی تأکید دارد و مسلمانان را به تقویت نظامی و آمادگی رزمی تشویق می‌کند. خداوند در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾؛

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هرچه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد!

مقام معظم رهبری در بیان معنای «رباط الخیل»؛ در این آیه می‌فرمایند:

به اسب‌های سواری که در عصر بعثت پیامبر اعظم ﷺ، از کارآمدترین و مهم‌ترین وسایل برای تقویت بنیه نظامی محسوب می‌شد، «رباط الخیل» گفته می‌شود. در آیه شریفه «رباط الخیل» به کلمه «قوه» عطف شده است. چنین عطفی معمولاً برای رساندن اهمیت معطوف و نقش اساسی آن نسبت به دیگر مصادیق است. به تعبیر دقیق‌تر منظور از «رباط الخیل»، ابزار و ادوات است، در آن زمان اسبان تندرو و سواری، نقش اساسی را در میان ادوات جنگی بازی می‌کردند و بیان قرآن به دلیل اهمیت زیاد آن بوده است. امروز نیز «ابزار بایستی ابزار پیشرفته باشد. ما در زمینه مسائل ابزار، در دوران حکومت طاغوت، هم وابسته بودیم، هم عقب مانده بودیم، هم نابلد بودیم، بعضی از چیزها را داشتیم، اما بلد نبودیم از آنها استفاده کنیم! خصوصیت حاکمیت طاغوت همین‌هاست. ابزار بایستی پیشرفته باشد، بایستی ناوابسته باشد، ابزار مال خود شما باید باشد، خود شما بایستی ابزار را به وجود آورده باشید، تولید کرده باشید، ابداع کرده باشید، به معنای حقیقی کلمه مالک ابزار باید باشید. [ابزار] به روز باید باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۷/۲۱).

بنابراین نیروهای مسلح باید برخوردار از تجهیزاتی باشند که رهبری به آن توصیه نموده و با این ادوات و تجهیزات می‌توانند مقدمات ظهور را ان شاء الله فراهم نمایند، همان‌طور که در

حال حاضر تجهیزات پیشرفته موشکی و پهبادی و سایر ادوات نظامی چشم جهانیان را خیره نموده و رعب و وحشت در دل دشمنان خدا و دشمنان امام زمان علیه السلام ایجاد نموده است. علاوه بر مجهز شدن به قدرت سخت، باید نیروهای مسلح بر قدرت نرم خویش نیز بیفزایند تا بیشتر مقدمات ظهور فراهم گردد و موانع غیبت آن حضرت مرتفع گردد.

## ۲. قدرت نرم

جوزف نای معتقد است که:

قدرت نرم روشی است برای رسیدن به نتایج دلخواه بدون تهدید و تشویق آشکار و محسوس. از دیدگاه وی منابع قدرت نرم هر کشوری تا حد زیادی ریشه در فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی دارد. در حقیقت این سه منبع غیرمادی و نامحسوس در مقابل منابع مادی و محسوس قدرت سخت از جمله ابزار و ادوات نظامی قرار می‌گیرند (فتاحی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۹).

مقام معظم رهبری علاوه بر تأکید بر ارتقای روزافزون قدرت سخت نیروهای مسلح، دربارهٔ قدرت نرم قوای نظامی و انتظامی می‌فرمایند:

نیروهای مسلح توانمند، آن نیروهایی هستند که انگیزه و معنویت و عزم راسخ در آنان بتواند روش‌های آنها، رفتارهای آنها و حرکت آنها را در عرصه‌های مسئولیت شکل بدهد، جهت بدهد و هدایت کند. اگر ایمان نباشد، بصیرت نباشد، عزم راسخ نباشد، نگاه بلندمدت به انتهای صفوف دشمن نباشد، تعداد جمعیت یا کثرت عده و عده نظامی و تجهیزات، سرنوشت‌ساز نخواهد بود. جمعیت زیاد در نیروهای مسلح یا حتی تجهیزات پیشرفته یا حتی آموزش‌های روزآمد به تنهایی کافی نیستند که نیروهای مسلح متعلق به یک کشور و ملت را موجب توانایی و اقتدار آن ملت قرار بدهند؛ لازم است ایمان باشد، عزم باشد، احساس مسئولیت باشد، فهم حقیقت مسئولیت نیروهای مسلح وجود داشته باشد؛ اینها است که می‌تواند نیروهای مسلح را به معنای واقعی کلمه رکن اقتدار یک ملت قرار بدهند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۸/۲۶).

معظم له بر این باور است که برای تحقق ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه، وجود ظلم و جور، شرط کافی نیست و وجود انسان‌های صالح، انگیزه‌های قوی، ایمان‌های راسخ، گام‌های استوار و دل‌های روشن نیز لازم و ضروری است (نائینی، ۱۳۸۰: ۴۱). این همان مجهز شدن به قدرت نرم است که ناشی از ارزش‌های اسلامی و مهدوی می‌باشد.

دانش و آگاهی از زمره قدرت نرم نظامیان و فرماندهان آنان محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری دانش و آگاهی در همه ابعاد را برای نظامیان ضروری می‌داند و می‌فرماید:

نظامیان در جمهوری اسلامی ایران باید مردمان دانشمند و فرزانه و دارای نگاه با معرفت و شناخت نسبت به همه مسائل جامعه، بلکه همه مسائل آفرینش باشند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۰/۲).

مسلم است که توانایی‌های معرفتی بر توان قدرت نرم نیروهای مسلح می‌افزاید و آنان را مقتدرتر می‌نماید.

فرهنگ مقاومت و شهادت نیز از قدرت نرم رزمندگان مسلمان محسوب می‌شود. شهادت‌گرایی از واژگانی است که با فرهنگ ایرانیان عجین گشته و پس از انقلاب اسلامی ایران و بالاخص در دوران دفاع مقدس، در قالب فرهنگ استقامت، سلحشوری و فداکاری نمود یافته است. فرانسیس فوکویاما می‌گوید:

شیعه پرنده است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیر رس ماست. این پرنده دارای دو بال است، یک بال سرخ و بال دیگر سبز. بال سرخ شیعه شهادت‌طلبی است، که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است (ایزدی، ۱۳۸۷: ۸).

بال سبز نیز اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است که موجب می‌شود شیعه و منتظران آن حضرت تن به وضع موجود ندهند و در برابر ظلم و ستم سر فرود نیاورند و امید به تشکیل آرمان‌شهر مهدوی داشته باشند و برای تحقق آن زمینه‌سازی نمایند. ارتقای قدرت نرم و مؤلفه‌های مختلف آن از جمله فرهنگ شهادت و فرهنگ مهدویت موجب ارتقای قدرت نرم و بالندگی آن می‌گردد و در دل منتظران آن حضرت نور امید را روشن‌تر می‌نماید.

### ۳. قدرت هوشمند

جوزف نای، قدرت هوشمند را مترادف توانایی تلفیق منابع قدرت سخت و نرم برای دست-

یابی به راهبردهایی کارگشا عنوان کرده است. در قدرت هوشمند، یک کشور به طور هوشمندانه همه داشته‌های مادی و معنوی قدرت خود را برای کسب مطلوبیت‌ها به کار می‌بندد. قدرت هوشمند برآیند نقاط قوت و حذف نقاط ضعف در قدرت سخت و نرم است (فتاحی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۵). از نظر نای، هوشمندی در به کارگیری قدرت یعنی استفاده بهینه، به جا و زیرکانه از منابع موجود قدرت در حوزه‌های سخت و نرم است. درحقیقت ایشان هیچ کدام از انواع قدرت را نفی نمی‌کند، بلکه با توجه به موقعیت زمانی و مکانی به کارگیری ترکیبی و توأم آن‌ها را امری هوشمندانه و در راستای منافع ملی کشور می‌داند (همان: ۱۴۹).

مقام معظم رهبری در تفسیر آیه ۶۰ سوره انفال در باره قدرت هوشمند خطاب به نیروهای مسلح می‌فرماید:

منظور از قوه در آیه شریفه، توانمندی و قدرت است که به اقتضای زمانه و اجتماع می‌تواند در هر عنصری اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و علمی ظهور پیدا کند. در زمانی منظور از قوه ظهور تفنگ و سلاح بود، اما اکنون در هر آنچه سبب تفوق بر دشمن گردد، قابل استفاده است. «آنچه درباره آن باید آمادگی ایجاد کنید، اولاً «قوه» است... «قوه» یعنی قدرت، یعنی توان و نیرو»، «فقط هم قوه نظامی نیست، البته قوه نظامی هم هست، اما فقط قوه نظامی نیست». «قوه اعم است از قوه مادی و معنوی، از قوه اقتصادی و نظامی، از قوه علمی و اخلاقی» است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۷/۲۱).

بدون شک، این تعبیر معظم له از قوه همان مفهوم به کارگیری قدرت هوشمند است که ترکیبی از قدرت سخت و نرم می‌باشد و امروزه از آن تعبیر به جنگ ترکیبی نیز می‌شود. در همین راستا ایشان، تقوا، تواضع، فروتنی و گذشت در برابر ضعفا و مقاومت در برابر زورمندان و ستمگران که از صفات سربازان امام زمان علیه السلام می‌باشد، را به منتظران آن حضرت سفارش می‌کند (نائینی، ۱۳۸۰: ۴۱).

بدیهی است، مجهز شدن به انواع قدرت سخت، نرم و هوشمند، موجب نزدیک شدن جامعه به جامعه عصر ظهور و تعجیل در ظهور می‌گردد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

شما مردم عزیز - به خصوص شما جوان‌ها - هرچه که در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیت‌ها در وجودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیک‌تر خواهید کرد، اینها دست خود ماست (همان: ۴۲).

به تعبیر معظم له، کسب صلاحیت‌های سرباز بودن امام زمان علیه السلام دست خود ماست و باید تلاش کنیم خودمان را بیشتر شبیه یاران آن امام بزرگوار نمائیم تا زمینه ظهورشان فراهم گردد. کسب بیشتر این صلاحیت‌ها با کسب علم و معرفت امکان‌پذیر است.

### نقش شکوفایی علم و دانش در ارتقای قدرت و اقتدار نیروهای مسلح جهت زمینه‌سازی ظهور

یکی از راه‌های تقویت قدرت و اقتدار نیروهای مسلح بهره‌مندی از علم و دانش است که به وسیله آن می‌توان همه مؤلفه‌های قدرت، اعم از سخت، نرم و هوشمند را ارتقا داد؛ همان - طور که یکی از عوامل قدرت و اقتدار منجی آخرالزمان پس از ظهور در مبارزه با ظالمان و ستمگران، استفاده از علم و دانش است؛ در جامعه قبل از ظهور نیز می‌تواند در زمینه‌سازی ظهور و فراهم کردن مقدمات آن نقش مهمی داشته باشد. بنابراین در جامعه قبل از ظهور که منتظران تلاش می‌نمایند برای تعجیل فرج زمینه‌سازی نمایند، باید مجهز به علم و دانش شوند و از این نعمت بزرگ خداوند برای حل مشکلات پیش روی خود بهره ببرند، به‌ویژه نیروهای مسلح که در صف اول مبارزه با دشمنان خدا و دشمنان امام زمان علیه السلام قرار دارند، باید جهت بهره‌مندی از علم و دانش و دستاوردهای علمی و فنی عالمان و اندیشمندان بیشتر استفاده نمایند.

در دین اسلام به علم و دانش توجه زیادی شده است و منتظران ظهور منجی بر این عقیده هستند که در عصر پس از ظهور منجی علم و دانش در آن جامعه شکوفا می‌شود و بسط و گسترش زیادی می‌یابد. به طوری که براساس برخی روایات شکوفایی دانش بشری در آن عصر بدان جا می‌رسد که ۲۵ حرف از ۲۷ حرف کل دانش، کشف و در میان مردم منتشر می - شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۳۶). امام باقر علیه السلام درباره رشد علم و فرهنگ در جهان پس از ظهور منجی عالم بشریت می‌فرمایند:

در زمان حکومت مهدی علیه السلام به همه مردم، حکمت و علم بیاموزند تا آن‌جا که زنان در خانه‌ها با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می‌کنند (نعمانی،

۴۲۲ق: ۲۴۵).

یکی از اصول و هدف اصلی انبیاء گسترش علم و دانایی بوده است. «آنان انسان‌ها را به فراگیری علم در تمام زمینه‌ها دعوت کرده‌اند، از شناخت خود تا شناخت خداوند و از شناخت کوچک‌ترین ذره تا شناخت جهان هستی. در دوران حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه همه آرمان‌ها و اهداف انسانی و الهی به حقیقت می‌پیوندند، دانش و شناخت انسان‌ها نیز کامل می‌شود و دیگر مجهولی در هیچ یک از علوم و دانش‌ها باقی نخواهد ماند» (پورسیدآقای و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۳).

آیت‌الله جوادی آملی دربارهٔ وضعیت جهان پس از ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و گسترش فهم و اندیشه و عدالت می‌گوید؛ وجود مبارک ولی عصر عجل الله تعالی فرجه که آمد اندیشه‌ها کامل می‌شود:

«وضع الله یده علی رئوسی العباد»، خداوند دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد. مردم فهم‌شان بالا می‌آید، فرهنگ‌شان بالا می‌آید، علم و عقل‌شان بالا می‌آید (جوادی آملی، بی‌تا: ۱۱۹).

بی‌تردید تنها قدرت سخت‌افزاری و نظامی، قادر به نابودی فساد و ظلم و ستم و گسترش عدالت نیست، بلکه جامعه انسانی از نظر عقل و خرد و دانش و بینش باید به حدی ارتقاء یابد که طبعاً خواهان برقراری حکومت حق و قانون و کنار نهادن ظلم و بی‌عدالتی شود و چنین شرایطی جز در پرتوی شکوفایی علم و حکمت و خردورزی و تکامل فرهنگی میسر نمی‌شود. بدیهی است که در راستای زمینه‌سازی برای تعجیل ظهور حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه است که انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی رحمه الله به علم و دانش توجه زیادی نموده و از جوانان مسلمان می‌خواهد بیشتر وارد عرصهٔ فراگیری علم و دانش گردند. مقام معظم رهبری نیز بر فراگیری و بهره‌مندی از علم و دانش تأکید فراوانی نموده و در بیانیهٔ گام دوم انقلاب اسلامی، علم و توجه به آن را از مهم‌ترین ارکان تمدن نوین اسلامی می‌داند که می‌تواند بستر ساز آرمان شهر مهدوی گردد. امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری که فهم درستی از آموزه‌های مهدوی و جامعهٔ منتظر دارند، در تلاش برای ساختن جامعه‌ای نزدیک به جامعه پس از ظهور بوده و هستند که علم و دانش فراگیر در آن از اهمیت بسیار والایی برخوردار است. مسلم است که بسیاری از مشکلات بشر در جهان پس از عصر ظهور با ارتقای علم و دانش و تکامل فرهنگی جامعه توسط منجی موعود حل می‌شود و با الگو قرار دادن آن جامعه می‌شود بسیاری از مشکلات جامعه فعلی را نیز با کمک علم و دانش حل کرد و نیروهای

مسلح نیز می‌توانند با استفاده از دستاوردهای علمی و فناوری بر قدرت و اقتدار خویش بیفزایند و نور امید ظهور منجی آخرالزمان را در دل‌های مشتاقان آن حضرت فروزان‌تر نمایند.

### نتیجه‌گیری

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری ولی فقیه و نائب امام زمان علیه السلام تحول اساسی در نگرش مردم ایران به‌ویژه نیروهای جان‌برکف مسلح نظام مقدس جمهوری اسلامی روی داد. آنان با فرهنگ مهدویت و انتظار پویا و مثبت‌اندیش بیشتر آشنا شدند و خود را سرباز امام زمان علیه السلام تلقی نموده که تحت فرماندهی نائب ایشان در عصر غیبت قرار گرفته‌اند. امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری که به هدایت و راهنمایی و فرماندهی نیروهای مسلح همت گماشتند، آنان را توصیه به کسب قدرت و اقتدار در همه ابعاد آن نمودند تا با کسب مهارت و صلاحیت‌های لازم برای سربازی منجی آخرالزمان، جامعه‌ای نزدیک به جامعه آرمانی مهدوی بسازند و با مبارزه با قدرت‌های ظالم و استکباری، زمینه تحقق عدالت و حاکمیت مستضعفین را که خداوند وعده آن را داده است، فراهم سازند.

بدیهی است، برآیند به‌کارگیری و بهره‌مندی از انواع قدرت نظامی و دفاعی موجب عزّت، استقلال، امنیت و آرامش در جامعه می‌شود و آن را به جامعه آرمانی مهدویت نزدیک‌تر می‌نماید و در فراهم نمودن مقدمات و زمینه‌سازی جهت ظهور منجی آخرالزمان و تشکیل حکومت جهانی توسط ایشان نیز نقش به‌سزایی دارد. با توجه به این‌که در آموزه‌های مهدویت برقراری عدالت کامل و تشکیل حکومت جهانی و مبارزه با ظالمان و زورگویان جهان مطرح است، به‌طور مسلم این‌اندیشه با قدرت‌طلبی و سلطه‌گری مفسدان و ابرقدرت‌ها، تزاخم جدی خواهد داشت؛ به‌همین دلیل باید در عصر پیش از ظهور نیز که منتظران و یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع تلاش برای زمینه‌سازی ظهور آن حضرت می‌نمایند، با بهره‌گیری از همه مؤلفه‌های قدرت، روزه‌روز بر توان نظامی و دفاعی خویش بیفزایند و آن را ارتقا دهند تا شیطان‌صفتان و دجال‌سیرتان و زورگویان عالم را از سر راه امام زمان علیه السلام بردارند؛ لذا برای جامعه مهدوی، وجود قدرت سخت، قدرت نرم و قدرت هوشمند در همه ابعاد، به‌ویژه در بُعد نظامی و دفاعی امری ضروری به‌شمار می‌رود که در اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار بر آن تأکید گردیده است.

### منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷)، «مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *فصل‌نامه مطالعات بسیج*، سال یازدهم، شماره ۴۰.
۲۸. آصف آگاه، حسن (۱۳۸۷)، *سوشیانت منجی ایرانویج*، مقدمه نویسنده: بونو کریستین، قم: مؤسسه آینده روشن.
۲۹. آل نبی، سید محسن (۱۳۹۶)، «انقلاب اسلامی آغاز ظهور یا زمینه ساز ظهور»، *فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی*، سال پنجم، شماره ۲۰.
۳۰. پطروشفسکی، ای. پ. (۱۳۵۱)، *نهضت سریداران خراسان*، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: پیام.
۳۱. پورسیدآقای، سید مسعود و همکاران (۱۳۷۹)، *تاریخ عصر غیبت*، قم: انتشارات حضور.
۳۲. پورسیدآقای، سید مسعود (۱۳۸۸)، «زمینه سازی ظهور»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، سال سوم، شماره ۱۰.
۳۳. جوادی آملی، عبدالله (بی‌تا)، *مهدویت و آینده بشر*، بی‌جا: مبلغان.
۳۴. حسینی خامنه‌ای، سید علی، *مجموعه بیانات*، قابل دسترسی در وبگاه: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir).
۳۵. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۸)، *خورشید مغرب*، قم: دلیل ما.
۳۶. دهقان، محمد حسن (۱۴۰۰)، «الگوی قدرت نظامی ج.ا. ایران براساس فرهنگ مهدویت»، *فصل‌نامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، سال یازدهم، شماره ۴۵.
۳۷. زمچی اسفزاری، معین‌الدین محمد (بی‌تا)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح: سید کاظم امام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۸. سید باقری، سید کاظم (۱۳۹۰)، «ماهیت و مؤلفه‌های قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم»، *کتاب نقد*، سال سیزدهم، شماره ۶۰-۵۹.
۳۹. شجاعی مهر، رضا (۱۳۹۱)، *مهدویت، هویت انقلاب اسلامی*، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۴۰. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، *معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تکلیف منتظران*، تهران: موعود عصر.
۴۱. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: دارالمعارف الاسلامیه.

۴۲. عمید، حسن (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی*، تهران: راه رشد.
۴۳. فتاحی اردکانی، حسین؛ مسعودی، حسین؛ امام جمعه زاده، سید جواد (۱۳۹۷)، «تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای»، *دوفصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات قدرت نرم*، سال هشتم، شماره ۱۸.
۴۴. فلاح رفیع، علی (۱۳۸۶)، «مهدویت، فرجام‌اندیشی تاریخ و فلسفه تاریخ هگل»، *فصل‌نامه شیعه‌شناسی*، سال پنجم، شماره ۲۰.
۴۵. فیروزآبادی، سید حسن (۱۳۸۶)، «آینده‌نگاری راهبردی در دکترین مهدویت»، *فصل‌نامه مطالعات دفاعی/استراتژیک*، سال نهم، شماره ۳۱ و ۳۲.
۴۶. کفیل، محمد صادق (۱۳۸۳)، «عدالت مهدوی در اندیشه امام خمینی رحمته‌الله علیه»، *انتظار*، شماره ۱۳.
۴۷. لاریجانی، علی؛ غلامی ابرستان، غلامرضا (۱۳۹۰)، «رابطه اقتدار و مشروعیت در نظام سیاسی»، *فصل‌نامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره چهارم، شماره ۱۶.
۴۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۳۹ق)، *بحارالانوار (مهدی موعود)*، ترجمه: علی دوانی، قم: حکمت.
۴۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۵۰. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵)، *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۵۱. میرخواند، غیاث‌الدین بن همام‌الدین بن الحسین (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب‌السریر*، تهران: خیام، چهارم.
۵۲. نای، جوزف (۱۳۹۲)، *آینده قدرت*، ترجمه: احمد عزیزی، تهران: نشر نی.
۵۳. نائینی، مرتضی (۱۳۸۰)، «جان و جانان: امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف از نگاه مقام معظم رهبری»، *فصل‌نامه انتظار موعود*، شماره ۲.
۵۴. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *الغیبه*، تحقیق: فارس حسون، قم: انوار المهدی.
۵۵. الهامی‌نیا، علی اصغر (۱۳۸۲)، *نهضت انتظار و انقلاب اسلامی سطح (۳)*، تهران: معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج (مدیریت پژوهش و تألیف)، اول.





**An exploration of the strategy and tactics of the system of domination against the thought and belief of the Mahdist doctrine and the strategies for confronting it (with emphasis on the Supreme Leader's intellectual system)**

**Dr. Ramzan Mohammadi**<sup>1</sup>

**Dr. Seyyed Mohammad Amin Hosseini**<sup>2</sup>

**Razieh sadat Hosseini Nejad**<sup>3</sup>

**Abstract**

Over the past few decades, various events have taken place in the world that have had a profound impact on the West's view and confrontation with Islam. Events such as the Islamic awakening, the tendency towards Shiism, especially the belief in Islamic saviorism, and Mahdism in the world, all of which were influenced by the Islamic Revolution and have presented the enemies of Islam with many challenges. Therefore, the present study, using the method of content analysis, seeks to answer this fundamental question: What are the strategies and tactics of the dominant system's confrontation against the belief in the doctrine of Mahdism and what are the solutions to counter it? With research conducted in library sources and reputable scientific articles, this hypothesis is put forward that the teachings of Islam, especially the doctrine of Mahdism, as the core of recent events in the world, have caused the dominant system to increasingly strive against Islamophobia and anti-Mahdism with various strategies. The strategies and tactics identified in this confrontation are: the strategy of using art and media, the use of writers, the strategy of using orientalists, and the strategy of using false claimants of Mahdism. The identified strategies for anti-Mahdavi actions include: increasing knowledge and dispelling ignorance, strengthening the Shiite and sectarian identity, exposing anti-Mahdavi activities, and promoting Mahdist rituals.

**Keywords:** Islamic awakening, Islamic saviorism, Islamophobia, Mahdism doctrine

- 
1. Associate Professor, University and Research Institute (Corresponding Author), (rmohamadi@rihu.ac.ir)
  2. PhD student, member of the honorary faculty of Islamic Civilization Research Center, qom, Iran (Sm.amin5032@gmail.com)
  3. PhD student in Islamic Revolution, Islamic Education University, Qom, Iran (rhosseinikejad@gmail.com)

## کنکاشی در استراتژی و تاکتیک های نظام سلطه علیه اندیشه مهدویت و راهکارهای مقابله با آن (با تأکید بر منظومه فکری مقام معظم رهبری)

رمضان محمدی<sup>۱</sup>

سید محمدامین حسینی<sup>۲</sup>

راضیه سادات حسینی نژاد<sup>۳</sup>

### چکیده

در طول چند دهه اخیر، رخدادهای مختلفی در جهان شکل گرفته که بر نگاه و رویارویی غرب با اسلام تأثیر عمیقی بر جای گذاشته است. رویدادهایی همچون بیداری اسلامی، گرایش به تشیع به ویژه اعتقاد به منجی گرایی اسلامی و مهدویت در جهان که همه این رخدادها متأثر از وقوع انقلاب اسلامی بوده و دشمنان اسلام را با چالش های فراوان مواجه نموده است. از این رو پژوهش حاضر، با روش تحلیل محتوا درصدد است به این سؤال اساسی پاسخ دهد استراتژی و تاکتیک های تقابل نظام سلطه علیه باورداشت آموزه مهدویت چیست و راهکارهای مقابله با آن کدامند؟ با تحقیقات صورت گرفته در منابع کتابخانه ای و مقالات معتبر علمی این فرضیه مطرح می شود که آموزه های اسلام به ویژه آموزه مهدویت به عنوان هسته اصلی حوادث اخیر در جهان، سبب تلاش و تکاپوی روزافزون نظام سلطه علیه اسلام و مهدویت ستیزی با استراتژی های متعدد شده است. استراتژی و تاکتیک های شناسایی شده در این تقابل، عبارت است: استراتژی استفاده از هنر و رسانه، استفاده از نویسندگان، استراتژی استفاده از شرق شناسان و استراتژی استفاده از مدعیان دروغین مهدویت. راهکارهای شناسایی شده در راستای مقابله با مهدویت ستیزی عبارتند از: معرفت افزایی و جهل زدایی، تقویت هویت مکتبی و شیعی، افشاگری درباره مهدویت ستیزان و

۱. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم، ایران (نویسنده مسئول) (rmohamadi@rihu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری و عضو هیئت علمی افتخاری مرکز پژوهشی تمدن اسلامی قم، ایران (Sm.amin5032@gmail.com).

۳. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم، ایران (rhosseinikejad@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۸/۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۷

رونق بخشی به شعائر مهدوی.

#### واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، منجی گرایی اسلامی، اسلام هراسی، آموزه مهدویت.

#### مقدمه

بی تردید آموزه مهدویت و فرهنگ انتظار از مهم ترین آموزه های فعال اسلام سیاسی بوده و هست. این آموزه به عنوان یکی از سیاسی ترین گزاره های اعتقادی اسلام همواره در شکل دهی به هیجانات و التهابات اجتماعی، در مفصل بندی های سیاسی جوامع اسلامی نقش آفرین بوده است. انتظار ظهور مهدی علیه السلام یکی از مهم ترین زمینه های بروز جنبش های مقاومت گرا در طول تاریخ پر فراز و نشیب اسلام بوده است.

مهدویت به ویژه با الگویی که از سوی اسلام شیعی معرفی می شود، نظامی آرمانی را پیش روی بشریت به تصویر می کشد که در آن تمام خوبی ها و خواسته های الهی و آرزوهای انسانی جامه عمل پوشیده است. عدالت، مساوات، آزادی از بندگی دیگری، خواست تمام انسان ها در طول تاریخ بشر بوده و براساس وعده الهی در دوران حکومت امام مهدی علیه السلام محقق خواهد شد. با این حال، قدرت های جهانی که امروزه بیشتر بر غرب تطبیق داده می شود، این عناصر آرمانی را مخالف خواست ها و منافع خود می بینند و به شدت از شکل گیری این آرمان ها در ذهن بشریت به ویژه مسلمانان هراس دارند.

رهبر معظم انقلاب در این باره سخن جالب توجهی دارند ایشان می فرمایند:

در سندی که من دیدم، بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می کنند که ما باید کاری کنیم که عقیده به مهدویت، بتدریج از بین مردم زائل شود! آن روز استعمارگران فرانسوی و انگلیسی در بعضی کشورهای آن مناطق آفریقایی بودند، فرقی نمی کند که استعمار از کجا باشد استعماران خارجی، قضاوتشان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویت در بین این مردم رایج است، ما نمی توانیم کشورهایشان را درست در اختیار گیریم (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶/۹/۲۵).

آموزه مهدویت و فرهنگ انتظار که مبارزه با ظلم و ستیز یکی از آموزه های بنیادین آن به شمار رفته و تلاش برای زوال نظام سلطه در عصر حاضر از مصادیق بارز آن می باشد، به ویژه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانست رشد چشمگیری در جهان داشته باشد، چرا که انقلاب اسلامی ایران، بهترین الگوی انتظار و زمینه ساز حکومت جهانی را در اختیار جوامع بشری قرار داد، جوامعی که از خلاء عظیم معنوی بر اثر گسترش بی‌رویه ظلم و فساد رنج می‌بردند و دچار سرخوردگی و حس تنفر نسبت به همه مکاتب پوچ بشری و وعده‌های پوشالی آنها برای زندگی سعادت‌مندانه شده بودند، اما انقلاب اسلامی جوامع بشری را به سمت این امید و آینده سوق داد که با بهره‌گیری از کارکردهای مثبت انتظار، زمینه پذیرش مصلح جهانی و برقراری عدالت جهانی تحقق خواهد یافت. از این رو با تحقق شعارهای منجی‌گرایانه انقلاب اسلامی که اهداف ضد استعماری آن الگویی برای همه مستضعفان جهان شد، می‌توان تغییر رویکرد محسوسی را در رویارویی غرب با باورهای اسلامی و شیعی به ویژه مهم‌ترین آنها یعنی آموزه مهدویت مشاهده نمود.

با مطالعات صورت گرفته در ارتباط با مهدویت‌ستیزی نظام سطره این نتایج به دست آمد. مقاله (کریمی و باصری، ۱۳۹۴) تحت عنوان رهیافت‌های عملیات روانی آخرازمانی سینمای هالیوود با رویکرد مهدویت‌ستیزی که پژوهشگران در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال هستند رهیافت‌های عملیات روانی سینمای هالیوود علیه مهدویت چیست؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از مهم‌ترین رهیافت‌های سینمای هالیوود تبلیغ دین نوین جهانی و منجی بودن آمریکاست.

مقاله (کریمی و کبیری، ۱۳۹۶) تحت عنوان تأثیر رسانه‌های غربی در برداشت انحرافی از اندیشه مهدویت با تأکید بر سوژه‌های فیلم‌های هالیوود که نگارندگان ضمن معرفی اندیشه مهدویت به بررسی تأثیر و کارکرد و اهداف رسانه‌های غربی بر صد باور مهدویت پرداخته‌اند.

مقاله‌ای تحت عنوان گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت (صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳) که به گونه‌شناسی دروغین مهدویت می‌پردازد. در این تحقیق پژوهشگران مدعیان دروغین مهدویت را به لحاظ ادعا و ماهیت ادعا و هدف مورد بررسی قرار می‌دهند.

در همه این تحقیقاتی که ذکر شد و نیز تحقیقات دیگری که در زمینه مهدویت‌ستیزی انجام شده است می‌توان گفت بعضی از تحقیقات در نقد نوشته‌هایی است که مهدی‌ستیزان یا مهدویت‌ستیزان در طول تاریخ نگاشته‌اند از جمله شرق‌شناسان و یا این که کار به صورت جامع صورت نگرفته است بلکه هر یک از نویسندگان به بعدی خاص از مهدویت‌ستیزی اشاره نموده‌اند که نظام سلطه در دوران اخیر به ویژه در سال صد سال اخیر در پیش گرفته است

بنابراین این تحقیق از این باب که اولاً تقریباً به همه روش‌ها هر چند به صورت مختصر اشاره می‌کند و در ثانی در این ارتباط اندیشه‌های مقام معظم رهبری را نیز مورد کند و کاو قرار می‌دهد دارای نوآوری می‌باشد.

بنابراین این پژوهش با هدف تبیین و بررسی استراتژی‌ها و تاکتیک‌های نظام سلطه علیه اندیشه و باور داشت مهدویت نگاشته شده است. به این منظور در این پژوهش سعی شده است ابتدا علت دشمنی غرب با اندیشه مهدویت ذکر، و سپس استراتژی‌های استفاده شده در پروژه مهدویت‌ستیزی مورد بررسی قرار گرفته و در انتها راهکارهای مقابله با این پروژه تبیین گردند.

### سؤال اصلی

استراتژی و تاکتیک‌های تقابل نظام سلطه علیه اندیشه و باورداشت آموزه مهدویت چیست؟ و راهکارهای مقابله با آن کدامند؟

### سوالات فرعی

- ریشه‌های دشمنی غرب علیه مهدویت چیست؟
- استراتژی‌ها و تاکتیک‌های نظام سلطه علیه اندیشه و باور داشت مهدویت چیست؟
- راهکارهای مقابله با استراتژی‌های نظام سلطه علیه باور داشت مهدویت چیست؟

### هدف پژوهش

- شناخت استراتژی‌ها و تاکتیک‌های دشمن علیه اندیشه و باورداشت مهدویت
- شناخت اندیشه و منظومه فکری مقام معظم رهبری در عرصه مهدویت‌ستیزی دشمنان
- آگاهی بخشی نسل جوان نسبت به توطئه‌های دشمن در موضوع مهدویت‌ستیزی

### رهیافت مفهومی تحقیق

#### الف) استراتژی

در بسیاری از فرهنگ‌های لغت به هنگام تعریف کلمه استراتژی غالباً مفاهیم نظامی کلمه نزد نویسنده منظور است از جمله در فرهنگ معین ذیل واژه استراتژی می‌خوانیم «استراتژی فن اداره عملیات جنگی، دانش رهبری عملیات نظامی و سوق الجیشی است» (معین: ج ۱،

(۱۳۵۸).

در فرهنگ انگلیسی به فارسی «عباس آریانپور» آمده است «استراتژی به معنای علم لشکر کشی، سوق الجیشی، آشنا با حيله‌های جنگی، جنگ‌شناسی، لشکرکشی کردن و رژه رفتن می‌باشد» (آریانپور، ج ۵، ۱۳۶۳). در تعریفی که مناسب مقاله ما است شرح واژه استراتژی چنین آمده است:

استراتژی عبارت است از هنری که انسان را قادر می‌سازد قطع نظر از روشی که به کار می‌گیرد مسائلی را که در نتیجه برخورد و خواست مغایر بروز می‌کند، خوب بشناسد بعد در نتیجه شناخت کامل این مسایل تکنیک و روشی را اتخاذ نماید که حداکثر کفایت و بهره‌وری را حاصل کند (عزتی، بی تا: ۴).

فرهنگستان زبان و ادب فارسی کلمه راهبرد را به عنوان معادل فارسی استراتژی انتخاب کرده است.

#### ب) نظام سلطه

نظام سلطه عبارت است از «مجموعه‌ای از بازیگران نظام بین‌الملل که تلاش دارند قواعد بازی نظام ناعادلانه و ظالمانه را حفظ کنند. آنها از ابزارهای گوناگون، اقتصادی و سیاسی برای تأثیر بر دیگران استفاده می‌کنند» (شفیعی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۶). در سیستم نظام سلطه مجموعه‌ای از دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با شیوه سلطه‌جویی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بر دیگر کشورها، حقوق و منافع آنها را نادیده گرفته و منافع خود را ترجیح دهند (علی بابایی، ۱۳۸۸: ۳۴۳).

نظام سلطه چنین می‌پندارد که چون قدرت و ثروت بیشتری دارد، مشروعیت حکمرانی بر دیگر جوامع را دارد، همچنین به پشتوانه قدرت پوشالی‌اش به سرمایه‌های انسانی و ذخایر طبیعی دیگر مناطق چشم دوخته و در راستای تصاحب و بهره‌برداری از آنها برنامه‌ریزی و اقدام می‌کند.

مقام معظم رهبری در ارتباط با نظام سلطه می‌فرمایند:

نظام سلطه یعنی این‌که در دنیا یک امپراتوری قدرت وجود دارد، متشکل از طرف‌هایی در مقابل آنها، منابع ثروت متعلق به ملت‌ها وجود دارد، رابطه

بین این دو قطب، رابطه سلطه است؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. او سلطه‌گری می‌کند؛ ملت‌هایی هم که یا خاک‌شان، یا آب‌شان، یا نفت‌شان یا منابع‌شان یا وضعیت سوق‌الجیشی‌شان مورد نیاز آن مرکز قدرت است، باید سلطه‌پذیر باشند و آنچه را که او لازم دارد و منافعش تأمین می‌شود، تقدیم او کنند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۶/۸).

### مهدویت

«مهدویت» مصدر جعلی «مهدی» عبارت از اعتقاد به ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت عدل به دست آن حضرت است و تمام مسائل مربوط به آن حضرت با این عنوان ارائه می‌شود (کوثری، ۱۳۸۹: ۲۷) به عبارت دیگر مهدویت اعتقاد به پدید آمدن حکومت عدل جهانی به وسیله حضرت مهدی است (تونه‌ای، ۱۳۸۹: ۷۱۱).

### آموزه مهدویت

آموزه مهدویت عبارت از مجموعه‌ای از نظریه‌ها و تعالیم فلسفی، سیاسی، علمی یا مانند آنهاست و به معنای اصول عقاید، نظریه و دکترین نیز آمده است (انوری، ۱۳۸۲: ۱۶۱). بنابراین، با توجه به تعریفی که از مهدویت ارائه شد، آموزه مهدویت اعتقاد به وجود امامی است که وارث فرهنگ وحی است و جهانیان در انتظار او به سر می‌برند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۸۳).

البته به اندیشه مهدویت با دو رویکرد کاملاً متفاوت می‌توان نگرینست که عبارتند از: **رویکرد گزاره‌ای:** مراد از رویکرد گزاره‌ای یا تک‌واره‌ای، پرداختن به موضوعات، مسائل، روایات، توقیعات، ادعیه، داستان‌های مهدوی و یا بخشی از آنها به صورت موردی و جزئی است (پورسیدآقائی، ۱۳۸۶: ۶).

**رویکرد آموزه‌ای:** به رویکرد جامع و سامان‌مند در برابر نگاه گزاره‌ای و موردی آموزه گفته می‌شود. بنابراین، آموزه مهدویت، مجموعه معارف منسجم و نظام‌مند درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است (همان).

### چیستی نظام سلطه

واژه نظام سلطه اولین بار در گفتمان انقلابی مقام معظم رهبری به کار برده شد. ایشان ساختار شکل گرفته در نظام بین‌الملل را تحت عنوان «نظام سلطه» ارزیابی نموده و در موارد

متعددی به طرح سوال در ماهیت و چیستی نظام سلطه پرداخته و زوایای آن را آشکار نموده‌اند. از جمله:

امروز جهان از قطب‌های سلطه تشکیل شده مجموعه‌هایی که بر روی هم متأسفانه یک نظام سلطه جهانی را در این دوران به وجود آورده‌اند. نظام سلطه چیست؟ نظام سلطه این است که بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌گر و بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌پذیرند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۸/۲۴).

در این فراز رهبر انقلاب سلطه‌گری را همه‌جانبه می‌دانند که در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی نمود دارد.

ایشان در عبارتی دیگر نظام سلطه را این‌گونه توصیف می‌نمایند:

نظام سلطه یعنی این‌که در دنیا یک امپراتوری قدرت وجود دارد. متشکل از طرف‌هایی. در مقابل آنها منابع ثروت متعلق به ملت‌ها وجود دارد. رابط بین این دو قطب رابطه سلطه است. سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. او سلطه‌گری می‌کند؛ ملت‌هایی هم که یا خاک‌شان، یا آب‌شان، یا نفت‌شان، یا منابع‌شان، یا موقعیت سوق الجیشی شان مورد نیاز آن مرکز قدرت است، باید سلطه‌پذیر باشند و آنچه او لازم دارد و منافعی تأمین می‌شود، تقدیم او کنند (۱۳۸۳/۶/۸).

### ریشه‌های دشمنی نظام سلطه علیه مهدویت

آموزه مهدویت با ماهیت پیش‌رو، همواره در طی قرن‌های متمادی بر تحولات سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار بوده و با جلوه‌هایی از ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی که در بطن خود داشته و از خود نشان می‌دهد، با ماهیت طاغوت و استکبار ناسازگار است. بروز چالش‌های سیاسی بر خاسته از این گفتمان همواره آزرده‌گی و نارضایتی دولت مردان دولت‌های استعماری را در پی داشته است به ویژه بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی که سبب شد ظهور افکار مهدی‌خواهانه و جنبش‌های موعودگرایانه در جوامع اسلامی افزایش پیدا کند، دشمنی غرب با باورداشت مهدویت شدت بیشتری را به خود گرفته است، چرا که با رشد افکار مهدی‌گرایانه و اعتقاد و باور به منجی، محاسبات ذهنی نظام سلطه به هم ریخته و معادلات آنها با

چالش‌های بسیاری مواجه شده است. حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در ارتباط با این موضوع بیان می‌کنند:

امروزه دستگاه‌های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکران وابسته به آنها، در سطح عالم این‌طور تبلیغ می‌کنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمان‌گرایی مبارزه می‌کنند و می‌خواهند ملت‌ها را متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونی ظالمانه دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی، نقطه مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش می‌دهند که نظم ظالمانه جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ می‌شود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

در این میان گسترش انقلاب اسلامی با محوریت فرهنگ مهدویت به خصوص در جوامع شیعی که به نوعی با ایران قرابت مذهبی دارند، سبب شده است جهان غرب نسبت به قالب‌های هویتی و محتوایی اسلام سیاسی، نظیر آموزه مهدویت و موعودگرایی حساسیت پیدا کرده و آن را از ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران متأثر بداند. در واقع باورها و ارزش‌هایی که انقلاب اسلامی مروج آنها می‌باشد، سبب تأثیرگذاری در جنبش‌های آزادی‌خواهانه‌ای شده است که نقطه مشترک همه این جنبش‌ها مخالفت و مبارزه با نظام سلطه حاکم بر دنیاست؛ جنبش‌هایی که روز به روز بر تعداد آنها در تمام اقصا نقاط دنیا افزوده می‌شود. مقام معظم رهبری در ارتباط با دامنه و گستردگی این جنبش‌های ظلم‌ستیزانه و تحقق شعارهای عدالت‌خواهانه می‌فرمایند:

من به شما عرض بکنم فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه غرب آسیا که امروز ما در آن جا قرار داریم؛ حرکات بیداری به وجود آمده باشد، بلکه این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های اروپائی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آنها را یکسره تسلیم سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است. حرکت

ملت ایران، امتداد و عمقش اینهاست (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۲/۱۴).

از این رو از آن جا که تحقق حکومت مهدوی، یعنی تشکیل مدینه فاضله اسلامی و از بین رفتن ظلم و ستم در دنیا به نفع دشمنان نیست و از سوی دیگر، باور به مهدویت به انسان روحیه و نشاط می‌دهد و باعث جنب و جوش می‌شود و دشمن را در مقابل زورگویی مقاوم می‌کند و نیز سبب نیرو گرفتن انسان می‌شود، آن چنان که بتواند برای برپایی حق مبارزه کند، بنابراین دشمنان اسلام که خواهان غفلت ملت‌ها هستند و اعتقاد به مهدویت را به زیان خود می‌دانند، همواره در تلاش‌اند تا این مهم را از اذهان مردم بزدایند.

در این ارتباط هم قدرت‌های شیطانی برای از بین بردن فروغ امید در دل انسان‌ها تلاش مستمری دارند، مقام معظم رهبری سخنان ارزنده‌ای تصریح و فرموده‌اند:

استکبار جهانی و صهیونیسم در تلاش هستند تا ملت‌های تحت سیطره آنان به وضع تحمیل شده عادت کنند و آن را رنگی ثابت، ابدی و تغییرناپذیر بپندارند. قدرت‌های استکباری خواهان غفلت، خواب آلوده بودن، نداشتن آرمان و نیز عدم تحرک ملت‌ها هستند و چنین وضعی را بهشت خود می‌دانند اما انتظار فرج موجب می‌شود که انسان به وضع موجود قانع نباشد و بخواهد به وضعی بهتر و برتر دست پیدا کند. بنای کار قدرتهای طاغوتی بر این است که فروغ امید را در دل‌ها بمیرانند و همه امیدها را به یک نقطه مادی یعنی پول و زخارف کم‌ارزش دنیا متمرکز کنند که سر رشته آن نیز در دست خود آنهاست. همه چیز را با حساب‌های کمی و پولی محاسبه می‌کنند و معنویات را از حساب خارج می‌کنند و به ویژه می‌کوشند که آن آینده موعود را از چشم ملت‌ها دور نگه‌دارند اما ملت‌ها باید امیدوار باشند تا این اراده تکوینی الهی تحقق پیدا کند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۶).

انتظار می‌باشند در هر دوره‌ای به گونه‌ای بروز و ظهور داشته است. این جریان‌ها همواره با به کارگیری انواع ابزارها در پی نابود کردن حقیقت مهدویت یا ضربه زدن و مخدوش کردن آن هستند. در حال حاضر نیز این جریان‌های شیطانی که امروزه در قالب نظام سلطه و قدرت‌های استکباری قرار دارند، سعی می‌کنند با انواع روش‌ها و ابزارها به ویژه؛ ابزار رسانه و هنر با باور به مهدویت و اعتقاد به منجی مبارزه کرده و آن را از مسیر صحیح خود به انحراف ببرند و در این راستا از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های متعددی استفاده می‌نمایند. از جمله استراتژی و تاکتیک‌های مورد استفاده دشمن علیه اندیشه مهدویت و فرهنگ انتظار عبارتند از:

#### الف) استراتژی استفاده از هنر و رسانه

رسانه در دنیای امروز ابزار قدرت و حکومت است و این ابزار در نظر نظام سلطه وسیله غارت و چپاول منابع و سرمایه‌های جهانی و تنها مسیر شکل‌دهی و هدایت افکار و اندیشه‌هاست. امروز نظام سلطه به این نتیجه رسیده است که تبلیغات و کنترل رسانه‌ها، مهم‌ترین عامل پیروزی در جنگ‌هاست. بنابراین از این منظر موضوع رسانه مخصوصاً رسانه‌های تصویری فیلم و هالیوود با توجه به گسترش و پذیرش مخاطبین آن در دنیای امروز حساسیت و اهمیت حیاتی در حوزه مهدویت و باورداشت آن دارد. در دوره اخیر با توجه به گسترش باورداشت مهدویت در جهان نظام سلطه می‌کوشد با استفاده از رسانه به ویژه فیلم‌سازی اندیشه مهدویت را به انحراف ببرد.

در حقیقت در بحث مهدویت‌ستیزی، فیلم و سینما بیشترین فعالیت دشمنان را تشکیل می‌دهند. صهیونیست‌ها با تأسیس «هالیوود» آن‌جا را به پایتخت سینمای جهان تبدیل کردند؛ به گونه‌ای که هشتاد درصد فیلم‌های به نمایش درآمده در سینما و تلویزیون جهان، ساخت این شرکت است. در میان فیلم‌های برتر جهان که در جشنواره‌های ساختگی مطرح می‌شوند، فیلم‌هایی با مضامین آخرالزمانی، بیشترین تعداد را دارند که پیام اصلی این فیلم‌ها، القای جو ناامنی و هراس و سپس احساس نیاز جدی به یک منجی از نوع آمریکایی است که با تکیه بر فناوری برتر می‌تواند با دشمنان بشریت بجنگد و آنها را از میان بردارد. این فیلم‌ها، هم وجود سلاح‌های پیشرفته و ویرانگر را برای مستکبران و به ویژه آمریکا و صهیونیست‌ها توجیه می‌کند و هم مهدویت اسلام را به عنوان جریان نجات‌بخش، نفی می‌نماید.

از دیگر اقدامات رسانه‌ای آنها علیه مهدویت این است که تلاش می‌کنند با ژانر علمی -

تخیلی و با استفاده از عناصر تخیل و هیجان القا کنند که آینده جهان همان گونه رقم خواهد که آنان در این فیلم ها برای مخاطب ترسیم می نمایند (علوی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۹).

سینمای هالیوود همچنین با تدوین و ساخت فیلم هایی در صدد ایجاد شک و تردید در رخ داد ظهور است، به طور مثال در فیلم "افسانه آخرالزمان" فاجعه عظیمی حیات بشری را تهدید خواهد کرد و نبرد خیر و شر در جغرافیای خاصی از زمین به وقوع خواهد پیوست. وسعت فاجعه آنقدر است که انسان ها از مقابله با آن در می مانند و ناامیدانه به هوشمندترین و شجاع ترین نژاد بشری (یعنی آمریکایی ها) پناه می برند (سمواتی، ۱۳۸۸: ۸۸). حاصل این که در پایان تمام این فیلم ها مخاطب بی خبر از همه جا خداوند را به خاطر نعمت آمریکایی های شجاع و یهودیان دانا سپاس می گوید (همان).

دقت و تعمق در اکثر این فیلم ها نشان می دهد که سرمایه داران بزرگ جهانی در یک پروژه گسترده می کوشند با تغییر در زمینه های مختلف نجات گرایی و منجی گرایی تغییرات چشم گیری را پدید آورند و فضایی را مهیا سازد که فطرت پاک بشری به طریقی طراحی شود که در راستای اهداف آنان باشد. به طور مثال برخی فرقه های انحرافی انجیلی تشکیل دولت اسرائیل را نشانه ظهور عیسی می پندارند و معتقدند برای شتاب دادن به ظهور باید دست صهیونیست ها را در قتل عام مسلمانان باز گذاشت. گروهی از مسیحیان نیز حتی پیش از بنیان گذاری کشور اسرائیل معتقد بودند که شرط بازگشت حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان این است که یهودیان به فلسطین باز گردند (توفیقی، ۱۳۸۶: ۲۰۲).

#### ب) استراتژی استفاده از اندیشمندان، نویسندگان، کتب و مقالات علمی

در اندیشه غالب مسلمانان مهدی به عنوان منجی اسلامی معرفی گردیده که در آخرالزمان پدیدار شده و جهان را از عدل و خداخواهی پر خواهد کرد. اگر چه میان مذاهب اسلامی در پاره ای از موارد اختلافاتی دیده می شود اما در اصالت مهدویت و کارکرد نهایی او، اختلافاتی در میان مسلمانان وجود ندارد (موحدیان عطار، ۱۳۸۹: ۲۶۰-۲۶۵).

با تأمل در نگاه دو دین اسلام و مسیحیت نیز تشابهات و نزدیکی های فکری در زمینه نجات در آخرالزمان مشهود است؛ تا آن جا که برخی از مستشرقان، حتی به گرته برداری اسلام از منجی گرایی ادیانی همچون یهودیت و مسیحیت و باز تعریف آن با عنوان "مهدویت" قائل گشته اند (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۱۲ و ۱۲۷).

اما به نظر می‌رسد در چند دهه اخیر نظام سلطه در راستای طرح‌ریزی انواع و اقسام برنامه‌های مهدویت‌ستیزی و بی‌توجه نمودن بشریت به مقوله موعود و موعودگرایی، نظریه ضد مسیح اسلامی را مطرح نموده است. این نظریه در پی اثبات تعارض کامل دو دیدگاه اسلام و مسیحیت در آخرالزمان است، به گونه‌ای که منجی یک دین، ضدمنجمی آئین دیگر است و عملاً مسیحیای هر یک از این ادیان مقابل دیگری خواهد ایستاد و جنگ نهایی خیر و شر حاصل این تقابل خواهد بود و در این راستا اقدامات وسیعی را در جهت استفاده از متفکران، اندیشه‌ورزان، نویسندگان و نگارش کتب و مقالات علمی، انجام داده است.

از جمله این نویسندگان که کتاب‌ها و مقالات متعددی را در ارتباط با مهدویت‌ستیزی تحریر نموده است، "جوئل ریچاردسون" می‌باشد. البته این نام، نام دقیق او نیست و با این‌که بسیاری از اشخاص علمی و حتی رسانه‌ای، اطلاعات زندگی و کارنامه علمی خود را در معرض دیگران قرار می‌دهند؛ او چنین نکرده است؛ البته وی در نامه‌ای سرگشاده که در سپتامبر ۲۰۰۶ به آقای احمدی‌نژاد رئیس جمهور نوشته؛ اذعان کرده که نام خود را مستعار انتخاب کرده و به دلیل ترس از عکس‌العمل مسلمانان به وی و خانواده‌اش، مجبور شده اصل و نسب خود را مخفی نگاه دارد (زهیر دهقانی آرانی و یوسفیان، ۱۳۹۴: ۱۲۰). تنها راه‌هایی که شناخت و فعالیت‌های گذشته و حال او را ممکن می‌سازد، کتاب‌هایی است که از او به رشته تحریر درآمده و در تیراژ بالا و با تبلیغاتی وسیع در غرب چاپ شده و همچنین سایتی که تحت نظر او فعالیت و گاهگاهی مطلبی از وی منتشر می‌کند. البته حضور نسبتاً زیاد وی در میزگردهای رسانه‌ای به عنوان پژوهشگر و کارشناس مباحث آخرالزمانی مسیحیت و اسلام، عامل و زمینه دیگری است که رویکرد فکری وی را نمایان می‌سازد. این شخص که از نظر عقیدتی خود را صهیونیسم مسیحی معرفی می‌کند؛ اطلاعات نسبتاً خوبی از مفاهیم و مذاهب اسلامی، آیات قرآن و احادیث، به‌ویژه در موضوع آخرالزمان و موارد مرتبط با آن دارد از جمله آثاری که در زمینه مهدویت‌ستیزی ارائه کرده است می‌توان کتاب‌هایی با عنوان *وقتی یک یهودی بر جهان حکم می‌راند، ضد مسیح اسلامی، منجمی مورد نظر اسلام* می‌باشد. همچنین کتابی تحت عنوان *ضد مسیح*، که او آن را در سال ۲۰۱۵ به چاپ رسانده است، او در این کتاب بیان می‌دارد: به زودی یهودی به نام یسوا یا مسیح همان‌طور که در غرب شناخته شده است، از اورشلیم بر جهان حاکم خواهد بود. کتاب حاضر در پی آن است که با تطهیر یهودیان و زمینه‌سازی پیوند آنها با مسیحیان این مهم را در ذهن مخاطبان خود القا نماید که آینده جهان در ارض موعود یا

اسرائیل به وقوع پیوسته و حاکمان واقعی آن یهودیان و مسیحان متحد با آنهایند(همان: ۱۱۸-۱۱۹).

در ۶ سال اخیر، ریچاردسون مقالات بسیاری در مجلات (عمدتاً مجازی) و نیز سایت های اینترنتی نوشته است. از جمله مقالات وی که تعداد آنها از ۵۰ مورد فراتر است، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آیا اسلام آینده مورد انتظار ما خواهد بود؟ پژوهشی در مورد مباحث آخرت شناسی در اسلام و کتاب مقدس؛

- اعتقاد به مهدی: عقیده ای گسترده در جهان اسلام؛

- موشک های ایرانی با نوشته یا مهدی؛

- دلیل اهمیت نظریه ضد مسیح اسلامی چیست؟؛

- بمب گذاران بوستون، منتظران مهدی؛

- آیا پیشگویی های کتاب مقدس اکنون در عراق و ایران در حال وقوع است؟ (همان: ۱۲۲)

با تأمل در عناوین مقالات و نوشته های ریچاردسون می توان دریافت اهم نوشته های وی در مورد پیشگویی های کتاب مقدس و تفسیر و تطبیق آنها بر وقایع جاری است. البته او تنها دغدغه مذهبی نداشته و در سیاست، به ویژه در جهت مقابله با اسلام و کشورهای اسلامی نیز فراوان قلم فرسایی کرده است. جوئل ریچاردسون که از جمله نویسندگان و مبلغان اوانجلیستی است با دیدگاه جدید خود در جهت تطبیق نگاه آخرالزمانی اسلام با پیشگویی های کتاب مقدس مسیحیان تلاش زیادی کرده است؛ به طوری که اشخاص و نمادهای مثبت منجی گرایی اسلامی همان افراد و نمادهای منفی کتاب مقدس مسیحیان تلقی می شوند و بالعکس (همان).

اشکالاتی که به دیدگاه های ریچاردسون وارد شده، در دو دسته کلی قابل ملاحظه است: یکی تفسیرهای خاص و گاه منحصر به فرد از بخش های کتاب مقدس و پیش فرض های درون دینی است که مبنای نظریات وی بوده و عمدتاً توسط دیگر کارشناسان و عالمان مسیحی مورد نقد و تشکیک قرار گرفته است. اشکال دیگر به او، به مستندات و شواهد وی از اعتقادات و منابع اسلامی برمی گردد؛ چراکه او به صورت یکسویه سعی کرده برای ادعای خود از منابع اسلامی نمونه تراشی کند و علاوه بر نادرستی بسیاری مفروضات، از جوانب و نکاتی که در تعارض با نظریه وی بوده، چشم پوشی کرده است (همان: ۱۲۴).

## ج) استراتژی‌های استفاده از شرق‌شناسان

اندیشه‌وران غربی را که دربارهٔ ادیان و مکاتب شرقی به ویژه اسلام تحقیق می‌کنند می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ گروهی مانند "هانری کربن" فرانسوی به سبب دغدغه علمی و آگاهی از حقایق دین اسلام دربارهٔ این مکتب، پژوهش می‌کنند؛ اما گروه دوم مانند گلدزیهر، جمیز دارمستتر و فان فلوتن در جهت اهداف شوم امپریالیسم فرهنگی به مطالعه و تحقیق درباره اسلام می‌پردازند و به دنبال تضعیف مبانی اسلام و سست نشان دادن معارف اسلامی هستند، این گروه، آن‌گاه که در حوزه مهدویت، گفت‌وگو می‌کنند با استناد به سخنان بی‌پایه و شواهد غیرواقعی، مهدویت اسلام را امری بی‌اساس و وام گرفته از سایر ادیان و مکاتب معرفی می‌کنند. این گروه از مستشرقان یهودی و مسیحی و گاه کمونیست و یا مادی با بیگانگی همه‌جانبه از اسلام هریک موضوع مصلح جهانی اسلام یعنی مهدی منتظر و احادیث پیرامون شئون حیاتی و امامتی حضرت را همانند دیگر حقایق اسلامی مورد تخطئه و تکذیب قرار داده و به باد سخریه می‌گیرند.

به عنوان نمونه جمیز دارمستتر<sup>۱</sup> (۱۸۹۴-۱۸۴۹م) زبان‌شناس و مستشرق فرانسوی در یکی از کتب خود آورده است؛ قرآن، از مهدی صحبت نمی‌کند. ظاهراً مسلّم است که پیغمبر اسلام آمدن او را خبر داده بود؛ ولی نمی‌توان گفت که در واقع چه عقیده‌ای در خصوص مهدی داشته است. در ضمن بیاناتی که در احادیث به پیغمبر نسبت داده‌اند این عبارت دیده می‌شود: «اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی بماند، خداوند تعالی آن روز را به درازا خواهد کشانید تا این که از من یا خاندان من مردی پیدا شود که جهان را از داد پر کند هم‌چنان که از جور پر باشد». از این عبارت چنین بر می‌آید که مهدی باید از نژاد محمد ﷺ باشد. شک می‌توان داشت که محمد ﷺ در این خصوص بدین وضوح بیاناتی داشته باشد (جمیز دارمستتر، ۱۳۱۷: ۵۸-۸۶).

ولهوسن نیز در کتاب *دائرة المعارف بریتانیکا* که سال ۱۹۹۶ به صورت CD منتشر شده و حاوی مقالاتی در زمینه علوم تجربی، انسانی و مذهبی است. ضمن دو مقاله با عنوان‌های «آخرالزمان در مذاهب اسلام و زردتشت» و «مهدی» به موضوع مهدویت در اسلام پرداخته است. مقاله اول چنین آمده است: اسلام دینی نیست که در آن ظهور منجی انتظار

1. James Darmsteter

برود و جایی برای مسیح نجات بخش در آن وجود ندارد. با این همه به طور تدریجی - و شاید تحت تأثیر مسیحیت - عقیده به يك اعاده کننده آخرالزمانی ایمان از نسل پیامبر و یا به عنوان عیسای رجعت کننده در آن مطرح گردید که معمولاً از او به نام مهدی یاد می شود. که به معنای کسی است که به طور الهی هدایت شده است. بعد از ظهور عیسی، روز قیامت شروع می شود. خوب ها وارد بهشت و شریران داخل جهنم خواهند افتاد. بهشت و جهنم دارای مراحل مختلفی برای مجازات خوبی و بدی می باشد. دوره قبل از پایان جهان به صورت بدبینانه ای مورد نگرش قرار گرفته است. خداوند، خودش جهان بدون خدا را ترک و رها خواهد کرد. کعبه (زیارتگاه بزرگ و مقدس جهان اسلام) ناپدید خواهد شد. نسخه های قرآن تبدیل به اوراق خالی می شود و کلمات آن از خاطرها محو می گردد. پس آن گاه پایان فرا می رسد. در اسلام اهل سنت تمام این موضوع بیشتر به صورت افسانه آمیز بیان شده است تا به صورت یک اصل مسلم مذهبی. البته تمام مسلمانان متعصب به آمدن يك اعاده کننده نهایی ایمان و اعتقاد دارند. در زمان های بروز بحران و اضطراب سیاسی یا مذهبی توقع برای ظهور مهدی افزایش یافته، تعداد زیادی از کسانی که خود را مهدی می خوانند، پدید آمده اند. بهترین نمونه آن «محمد احمد» مهدی سودانی می باشد که در سال ۱۸۸۱ میلادی شورشی را بر علیه دولت مصر بر پا نمود و بعد از چندین پیروزی پی در پی دولت مهدی را به وجود آورد و تا سال ۱۸۹۸ که توسط فرمانده ارتش انگلیس به نام کیچینیر [Kitchener] در سودان شکست خورد، دوام آورد.

در آئین مسلمانان شیعه (که به واگذاری رهبریت روحانی در خانواده علی پسر عموی و داماد محمد اعتقاد دارند) نظریه مهدی، بخش اساسی اعتقادات آنها را تشکیل می دهد. در میان شیعیان اثنی عشری که اصلی ترین گروه شیعیان می باشند، اعتقاد بر این است که مهدی منتظر امام یا رهبر مذهبی دوازدهم است که مخفی شده و از مکان پنهانی خود مجدداً ظاهر خواهد شد، عقیده به مهدی در ایجاد مذاهب جدید و یا فرقه های شیعه نیز نقش داشته است. به عنوان مثال می توان از اعتقاد دروژی ها نام برد که معتقدند «الحاکم» خلیفه مصری سلسله فاطمیون (که در سال ۹۶۶ - ۱۰۲۱ سلطنت کرد) و تصوّر می شود آخرین نماینده الهی پیامبر باشد در آخرالزمان (هزار سال بعد از ظهورش در اواخر قرن نهم) باز ظاهر خواهد گشت تا حکومت خود را بر تمام جهان برپا کند. دیگر چهره منجیان اسلامی عبارتند از: میرزا غلام احمد، بنیان گذار فرقه احمدیه که در اواخر قرن نوزدهم خود را به عنوان مسیح و مهدی معرفی کرد و

همین‌طور میرزا علی محمد شیرازی در ایران که بنیان‌گذار مذهبی بود که بعداً به نام بهائیت شناخته شد، او در سال ۱۸۴۴ میلادی اعلام کرد که باب (امام دوازدهم) می‌باشد.

این اعلام مصادف با هزارمین سالگرد غیبت امام دوازدهم بود.

در مقاله دوم چنین آمده است: مهدی واژه عربی به معنی «شخصی که به طور الهی هدایت شده است» و در آخرالزمان شناسی اسلامی عبارت است از منجی‌ای که انتظار ظهورش می‌رود و زمین را از عدالت و برابری پر خواهد کرد؛ دین راستین را اعاده خواهد نمود و در طی یک دوره کوتاه طلایی که هفت، هشت و یا نه سال تا قبل از پایان جهان طول خواهد کشید، راهنمایی مردم را بر عهده خواهد گرفت. کتاب مقدس اسلامی اشاره‌ای به او ندارد و به هیچ حدیث (گفته منسوب به محمد پیامبر) قابل اعتمادی نیز در مورد مهدی نمی‌تواند استناد کرد. بسیاری از علمای متعصب سنی اعتقاد به مهدویت را زیر سؤال می‌برند. اما این اعتقاد بخش ضروری اصول عقاید شیعیان می‌باشد. به نظر می‌رسد عقیده به مهدی در دوره اغتشاش و عدم امنیت مذهبی بر تحولات سیاسی اوایل اسلام (قرن هفتم و هشتم میلادی) رواج یافته باشد.

شاید مختار بن عبیده ثقفی رهبر شورش مسلمانان غیرعرب در عراق در سال ۶۸۶ م. اولین کسی باشد که از این نظریه برای نگهداشتن یاران خود در کنار یکی از پسران علی (داماد پیامبر ﷺ) به نام محمد بن الحنفیه استفاده کرد. حتی بعد از مرگ الحنفیه نیز این اعتقاد ادامه یافت. ابوعبید فکر می‌کرد که مهدی یا همان محمد حنفیه زنده مانده است و در معبد خود در حالت پنهانی زندگی می‌کند و مجدداً ظاهر خواهد شد تا دشمنان خود را نابود کند.

در سال ۷۵۰ م. انقلابیان عباسی از پیشگویی‌هایی که در آن هنگام درباره آخرالزمان رایج بود، استفاده کردند. این پیشگویی‌ها می‌گفت که مهدی از خراسان - که در مشرق قرار دارد - قیام خواهد کرد و پرچم‌های سیاهی را حمل می‌کند. اعتقاد به مهدی در هر زمان که بحرانی رخ می‌دهد، مورد تأکید قرار می‌گیرد، بنابراین بعد از جنگ «لاس ناواس دو تولوس»<sup>۱</sup> در سال ۱۲۱۲ م. که بیشتر خاک اسپانیا از دست اسلام خارج شد، مسلمانان اسپانیایی حدیثی را بین خود رد و بدل می‌کردند که منسوب به پیامبر بوده و پیشگویی می‌کرد که اسپانیا مجدداً توسط مهدی فتح خواهد شد.

1. Las Navas De Tolosa

در هنگام تصرف مصر توسط ناپلئون نیز شخصی ادعا کرد که مهدی بوده و در دوره کوتاهی در مصر سفلی ظاهر شد. از آن جایی که مهدی اعاده کننده قدرت سیاسی و خلوص دینی اسلام است، در جامعه اسلامی این عنوان مورد ادعای انقلابیون قرار گرفته است. به ویژه شمال آفریقا شاهد تعدادی از این مدعیان به نام مهدی بوده است. مهم ترین آنها «عبید الله» مؤسس سلسله فاطمیون در سال ۹۰۹ میلادی می باشد.<sup>۱</sup>

ژان پیر فلیو پروفیسور مطالعات خاورمیانه دانشکده امور بین الملل پاریس در کتاب *بازگشت مهدی گرایی سیاسی* (The\_Return\_Of\_Political\_Mahdism) با نگاهی ناقص، مغرضانه و ضعیف به دکتربین مهدویت و قیام های برخاسته از فرهنگ مهدوی، به بررسی مقوله مهدویت سیاسی افراط گرا در ادبیات سیاسی و اجتماعی کنونی پرداخته است. همچنین در راستای پیشبرد راهبرد مهدی هراسی یک سری از ویژگی های غلط و خرافی را به آن امام همام نسبت می دهند. طراحان غربی استراتژی مزبور بیان می دارند امام زمان علیه السلام با شمشیر گردن مردم را می زند و در واقع حضرت را جنگ محور توصیف می کنند که هدفی جز خونریزی ندارد و بر روایاتی که به نوعی به جنگ، خشونت مرتبط می شود استناد می کنند. این در حالی است که بر طبق روایات رسیده با ظهور و بروز حضرت، همگان در یک شرایط برابر به وضعیتی می رسند که در رفاه کامل و در مسیر عبودیت پروردگار قرار می گیرند، تمامی استعدادها و نعمت های بالقوه جامعه بشری، جمادات، نباتات و انسان به طور کلی به فعلیت می رسند، جهان به تکاملی می رسد که شایسته و برازنده آن است.<sup>۲</sup>

#### د) استراتژی استفاده از مدعیان دروغین

در طول تاریخ اسلام و به ویژه در سده اخیر، کسانی ادعای مهدویت داشته اند و با این ادعا گروه هایی از مردم را به سوی خود دعوت نموده و آنها را از مسیر صحیح مهدویت اسلام منحرف کرده اند. نیز در موارد زیادی، مدعی نیابت و بابیت یا مدعی ارتباط با امام زمان علیه السلام در جامعه شیعی پدیدار شده و سبب گرایش مردم به مسیرهای انحرافی و بروز رفتارهای نابهنجار در حوزه عقاید و اخلاق گردیده است؛ برای مثال عده ای با ادعای رابطه با امام زمان علیه السلام و حامل پیام بودن از سوی آن حضرت، مردم را از مراجعه به فقیهان و گرفتن احکام از ایشان باز

۱. مهدویت ستیزان جمعی از مستشرقان: <https://mahdi-pedia.com>

۲. <http://mahdaviatnewlook.blogfa.com/>

داشته‌اند و ایمان مردم را دستخوش هوا و هوس خود و وسیله‌ای برای کسب نام قرار داده‌اند. این گروه‌ها نیز با علم و آگاهی به ستیز با مهدویت پرداخته‌اند و خود بستری برای انحرافات بیشتر و عمیق‌تر در حوزه دین و دیانت مردم شده‌اند. البته گروه‌هایی نیز هستند که نه با قصد مهدی‌ستیزی، بلکه به دلیل جهل و نادانی و گرایش به افکار غلط و ارتجاعی، مانع پویایی مکتب شیعه و حرکت شیعیان در مسیر زمینه‌سازی ظهور می‌شوند. اینها با برداشت‌های نادرست از روایات، هر حرکت انقلابی پیش از قیام امام زمان علیه السلام را باطل دانسته، با همین تفکر انحرافی با انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی رحمه الله مخالفت کردند. بعضی از این افراد معتقدند که ما در برابر ظلم و فساد موجود، وظیفه‌ای نداریم؛ بلکه فساد روزافزون جامعه را زمینه‌ای برای سرعت بخشیدن به ظهور امام غائب، قلمداد می‌کنند؛ این در حالی است که نهی از منکر، از اصول اساسی اسلام و قرآن بوده و در سطح کلان به معنای نفی طاغوت‌ها و فسادهای حکومتی و حکومت‌های فاسد است. متأسفانه این گروه‌ها نیز ناخواسته به دشمنان مهدویت، کمک کرده، سبب انحراف در سلوک منتظران و غفلت ایشان از وظایف اساسی زمان غیبت و حتی در مواردی موجب انحراف عقیدتی شیعیان شده‌اند (بالا دستیان و حائری‌پور، ۱۳۹۴: ۲۱۸).

### راهکارهای مبارزه با مهدویت‌ستیزی

#### معرفت‌افزایی و جهل‌زدایی

مهم‌ترین راه مقابله با ستیز دشمن با جریان مهدویت، آگاهی‌بخشی به مؤمنان در سطوح مختلف جامعه است. علما و اندیشمندان با پشتیبانی نظام اسلامی باید از تمام توان و همه امکانات استفاده کنند، تا معرفت به امام عصر عجله الله تعالی فرجه الشریف و مسائل گوناگون مهدوی از قبیل ولادت حضرت، غیبت، انتظار و آثار وجودی امام غائب و شرایط قیام و حکومت امام و... تقویت گردد و در همه این موضوعات، شبهات و سوالات مردم و به ویژه نسل جوان به درستی پاسخ داده شود. تأسیس مراکز علمی و تربیت نیروهای متخصص در موضوع امام زمان علیه السلام راه‌اندازی پایگاه‌های اینترنتی قوی و فعال و عرضه بهترین آثار قلمی از جمله کارهایی است که باید به صورت مستمر دنبال شود تا جوانان در سطوح مختلف تحصیلی، متناسب با نیازهای خود در این عرصه، آگاهی دینی و اسلامی بیابند. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌فرماید:

مسئله دیگر، مبارزه با خرافات است. در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید با خرافات مبارزه کرد. کسانی دارند روز به روز خرافات جدیدی را وارد جامعه ما می کنند... آنچه با یکی از اصول دینی معارضه دارد و مدرک معتبری ندارد، ردش کنید. این می شود خرافه، و معیار خرافه این است. امروز شما ببینید مدعیان ارتباط با امام زمان (عج) و ارتباط با غیب، با شکل های مختلف در جامعه دارند کار می کنند. در مقابله با خرافات و آن چیزهایی که از دین نیست، شجاع باشید و بگوئید (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۱۷).

#### افشاگری درباره مهدی ستیزان

برای خنثی کردن تلاش ناجوانمردانه دشمن در تخریب و تحریف آموزه مهدویت، لازم است حرکت ضد الهی و انسانی آنها برای توده مردم و جوانان تبیین گردیده، اهداف کوتاه مدت و بلندمدت آنها بیان شود، تا همگان در برابر هر حرکت دشمن حساس و مراقب باشند و ندانسته به دام آنها گرفتار نشوند. علما و اندیشه وران حوزه و دانشگاه و رسانه های ارتباطی باید با قلم و بیان عالمانه و به دور از تعصب مذهبی و قومی، نقشه خائنانه مهدی ستیزان را افشا کرده، به گونه ای مستمر، فیلم ها و اقدامات رسانه ای، سخنان و نوشته های آنان را نقد، و جهت گیری و هدف دشمنان را از این گونه اقدامات، آشکار کنند.

#### تقویت هویت مکتبی و شیعی

دشمن می کوشد تا شیعیان را نسبت به عقاید خود بی اعتماد و بی تفاوت کند و فرهنگ ناب شیعی را ناکارآمد و ناتوان نشان دهد و در مقابل، نسخه های جعلی و دروغین غیراسلامی و غیرشیعی را طرح های مطلوب و ایده آل برای سعادت و بهروزی دنیا و آخرت انسان معرفی کند. روشن است که در مقابل این خیانت آشکار و دروغ بزرگ، لازم است هویت شیعی جوانان با بیان استدلالی مبانی مذهب شیعه تقویت شود؛ به ویژه در موضوع مهدویت، زیرساخت های اعتقاد به امامت آن بزرگوار و ضرورت وجود آن بزرگوار و اهداف قیام حکومت آن عزیز، محکم شود. در این صورت، جوان شیعه، مذهب و عقیده خود را بهترین انتخاب دانسته، با ایمان به حقانیت راه خود، در برابر القائنات مهدی ستیزان مقاومت می کند و از صراط مستقیم اهل بیت (ع) و فرهنگ ناب مهدویت، منحرف نمی شود.

### رونق بخشی به شعائر مهدویت

از جمله اقدامات و راهکارهای دیگری که در راستای مهدویت ستیزی میتوان انجام داد رونق بخشی به شعائر مهدویت می باشد. از این رو ستادها و کمیته های متولی مهدویت باید روند اجرایی برنامه ها و عملیاتی نمودن نظام تربیت مهدوی را با برپایی هرچه بیشتر شعائر مهدوی دنبال کنند. به این منظور می توان اقدام به برگزاری مراسم و مناسک ادعیه در اماکن تربیتی همراه با برگزاری مسابقات، و جشنواره های فرهنگی، هنری، علمی همراه با نوآوری در حوزه تربیت مهدوی نمود و همچنین رونق بخشی اعیاد و جشن های شعبانیه در محلات و محافل تربیتی، برگزاری همایش ها، نشست ها و اردوهای سیاحتی و زیارتی برای یاوران مهدی برگزار نمود.

### نتیجه گیری

از آنچه گفته شد این نتیجه به دست می آید که آموزه مهدویت و فرهنگ انتظار یکی از مهم ترین زمینه های بروز جنبش های مقاومت گرا در طول تاریخ پر فراز و نشیب اسلام به ویژه در دوران اخیر بوده است و چون مهدویت با شعارهایی همچون عدالت، مساوات، آزادی از بندگی دیگری و... که خواست تمام انسان ها در طول تاریخ بشر بوده و براساس وعده الهی که این خواسته ها در دوران حکومت امام مهدی علیه السلام محقق خواهد شد. قدرت های جهانی که امروزه بیشتر بر غرب تطبیق داده می شود، این عناصر آرمانی را مخالف خواست ها و منافع خود می بینند و به شدت از شکل گیری این آرمان ها در ذهن بشریت به ویژه مسلمانان هراس دارند. از این رو اقدام به مبارزه علیه باورداشت آموزه مهدویت با انواع و اقسام استراتژی ها می نمایند. از حمله این استراتژی ها استفاده از هنر و رسانه به ویژه بخش فیلم سازی با سینمای هالیوود می نمایند و با توجه به مخاطب بالایی که دارند اهداف مهدی ستیزانه خود را در قالب فیلم هایی همچون افسانه آخرالزمان دنبال می کنند. از دیگر این استراتژی ها همان طور که ذکر شد استفاده از محققان و نویسندگان است که با آثاری همچون ضد مسیح اسلامی می کوشند چهره حضرت مهدی علیه السلام را چهره ای منفور در جهان معرفی نمایند. استفاده از شرق شناسان به بهانه مطالعات شرق آسیا از دیگر اهداف مهدی ستیزی جویانه نظام سلطه است. استفاده از مدعیان دروغین مهدویت از دیگر اقداماتی است که همیشه در طول تاریخ مورد استفاده مستکبران و طواغیت زمان بوده و هم اکنون نیز در حد وسیعی از این استراتژی به موازات

روش ها و شیوه های دیگر مورد استفاده قرار می گیرد.

بنابراین به نظر می رسد برای مقابله با این استراتژی ها متولیان امر مهدویت و نهادهای فرهنگی باید بیش از هر زمانی حساسیت به خرج داده و راهکار بیندیشند. به نظر می رسد اقدام به جهل زدایی در ارتباط با آموزه مهدویت برای نسل جوان و برطرف نمودن شبهات در این حوزه می تواند یاری گر باشد و در کنار آن تقویت هویت مکتبی و شیعی و نیز برپایی هرچه باشکوه تر شعائر مهدوی برای شکل دادن به تربیتی توأم با مهدوی به شکلی فعال و کاربردی برای تمام سنین به ویژه نسل جوان که به لحاظ شرایط تحت تأثیر رسانه ها هستند.

### پیشنهادهای

پیشنهاد می شود در راستای تربیت مهدوی کودکان و نوجوانان چند اقدام از سوی نهادهای فرهنگی در جهت بصیرت افزایی به صورت فعال انجام پذیرد:

- تولید کتب آموزشی و کمک آموزشی مهدوی؛
- تدریس اختصاصی مهدویت در مدارس به عنوان یک واحد آموزشی؛
- تولید نشریات و بروشورهای دانش آموزی؛
- برپایی جلسات سواد رسانه ای برای خانواده ها؛
- شناخت معلمان مدارس از روش ها و اهداف رسانه ای مهدی ستیزان؛
- استفاده وسیع از ظرفیت مبلغان کشور جهت افشاسازی اقدامات رسانه ای مهدی ستیزان.

### منابع

قرآن کریم

۲. انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ سخن، تهران: سخن.
۳. آریانپور، عباس (۱۳۶۲)، فرهنگ لغت کامل انگلیسی-فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. بالادستیان، محمدامین؛ حائری پور، محمد مهدی (۱۳۹۴)، نگین آفرینش، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ حضرت مهدی عجالت الله تعالی فرجه الشریع، یازدهم.
۵. پورسیدآقایی، سیدمسعود (۱۳۸۶)، «مهدویت و رویکردها»، فصل نامه مشرق موعود، سال اول، شماره ۴.
۶. توفیقی، حسین (۱۳۸۶)، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم انسانی.

۷. تونه‌ای، مجتبی (۱۳۸۹)، *موعودنامه*، قم: مشهور و میراث ماندگار.
۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۱)، *تمدن نوین اسلامی «مجموعه مقالات»*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۹. جیمز، دار مستتر (۱۳۱۷)، *مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم هجری*، تهران: کتابفروشی ادب.
۱۰. سمواتی، زهرا (۱۳۸۸)، *سلطه رسانه‌ای صهیونیسم در آمریکا*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۱۱. شفیعی‌فر، محمدرضا؛ رحمتی، رضا (۱۳۸۹)، «سیاست تعاملی ضد نظام سلطه»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی*، شماره ۲۲.
۱۲. عزتی، عزت‌الله (بی‌تا)، *بررسی کلی ضد استراتژی*، جزوه درسی دوره دکتری جغرافیای سیاسی.
۱۳. علوی طباطبایی، ابوالحسن (۱۳۸۸)، *هالیوود و فرجام جهان*، تهران: هلال.
۱۴. علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۸)، *فرهنگ روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات وزرات امور خارجه.
۱۵. کوثری، ابراهیم (۱۳۸۹)، *مهدویت در ادیان آسمانی*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۶. معین، محمد (۱۳۵۸)، *فرهنگ لغت*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۷. موحدیان عطار، علی و دیگران (۱۳۸۹)، *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۸. موسوی گیلانی، سیدرضی (۱۳۸۹)، *شرق‌شناسی و مهدویت*، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.